

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

آمین شگوفایی

راه کارهایی عملی

در تربیت دینی کودکان

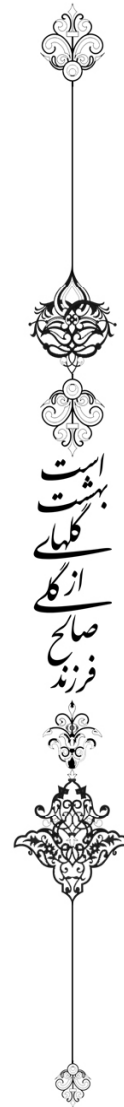
نویسنده: احمدنباتی

- ۱۰۶.....بازی‌های رایانه‌ای
- ۱۱۱.....تنبيه
- ۱۱۸.....پول تو جیبی
- ۱۲۳.....لجاجت‌های کودکان
- ۱۲۶.....مال حرام
- ۱۲۸.....تکبر و خودخواهی
- ۱۳۴.....آداب اجتماعی
- ۱۳۹.....احترام به بزرگ‌ترها
- ۱۴۵.....بازتاب اعمال ما در میان فرزندان
- ۱۵۱.....آخرین عنوان!



فهرست

- ۹.....تربیت توحیدی
- ۱۵.....واکسیناسیون عقیدتی
- ۲۴.....تکریم
- ۳۲.....محبت
- ۴۲.....به همهی درخواست‌های فرزندانمان پاسخ مثبت ندهیم
- ۴۶.....آیا باید کودک خود را در معرض گناه قرار دهیم؟!.....
- ۴۹.....امر و نهی
- ۵۳.....مسئولیت‌پذیری
- ۵۹.....نماز
- ۶۲.....راه‌کارهای عملی در تشویق کودکان به نماز
- ۷۲.....روزه
- ۷۷.....خمس
- ۸۰.....حجاب
- ۸۸.....تربیت جنسیتی
- ۹۱.....بازی با کودک
- ۹۵.....اسباب بازی
- ۱۰۴.....بازی‌های مشارکتی و رقابتی



## مقدمه‌ی مؤلف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَفَاطِمَةَ  
الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَالْأئِمَّةِ الْمَعْصومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که در «مرکز پاسخگویی به سؤالات» مطرح می‌شود موضوع تربیت کودک است. بارها در حین پاسخگویی به این‌گونه سؤالات از این امر متأثر می‌شدم که چرا والدین محترم اطلاع درستی از شیوه‌های تربیت دینی کودک خود ندارند؟ و چرا به صورت سلیقه‌ای با تربیت کودک خود رفتار می‌کنند؟!

بازخورد این بی‌انضباطی در تربیت فرزند، هنگام طرح برخی از مشکلات هم خانوادگی کاملاً مشهود است؛ چرا که ریشه‌ی بسیاری از مشکلات زوج‌های جوان را می‌توان در شیوه‌های تربیتی دوران کودکی آن‌ها پی‌گیری کرد.

کارشناسان تربیت کودک می‌گویند:

«کودکان شما آن‌گونه که شما می‌خواهید نمی‌شوند؛ بلکه

آن‌گونه که هستید می‌شوند!».

این جمله‌ی کوتاه به خودی خود گویای حقیقتی بزرگ و انکار

نشدنی است؛ و آن تأثیر اخلاق و رفتار ما، در کودکانمان است. به عنوان مثال، والدین منفی‌نگر، صاحب کودکان منفی‌باف خواهند بود. و افراد متکبر و دنیادوست احتمالاً فرزندان مغرور و باتکبر خواهند داشت. و در مقابل، افراد متواضع، مومن، صادق و سالم از داشتن فرزندان فروتن، سالم و صادق لذت خواهند برد. البته باید دقت داشت که این سخن بدان معنا نیست که صرف «خوب بودن» و «دوری از رذایل اخلاقی» برای تربیت کودک کافی بوده و نیازی به کار تربیتی موثر نخواهد بود. شاهد این مطلب هم خانواده‌های متدینی هستند که از عهده‌ی تربیت کودک خود بر نیامده، و در مورد او با مشکلاتی جدی مواجه شده‌اند. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند:

«کسی که بدون علم، عمل کند، افسادش از اصلاحش بیش‌تر خواهد بود.»<sup>۱</sup>

پس آشنایی با تکنیک‌های تربیتی و ظرافت‌های این کار، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

بر همین اساس تصمیم گرفتیم با توجه به مشکلات عینی خانواده‌ها - که در مرکز پاسخگویی به سؤالات مطرح شده - نوشته‌ای تحت عنوان «شیوه‌های تربیت دینی کودک» بنگارم تا راه‌گشایی برای والدین محترم در تربیت دینی فرزندانشان باشد.

از جمله مشکلاتی که با آن مواجه شدم، «افراط» و «تفریط» والدین در آموزش مفاهیم دینی به کودک است. برخی از والدین، کودک خود را رها کرده و کاری به دین و اخلاقش ندارند و برخی دیگر هم به شدت او را تحت فشار قرار داده و از دینداری بیزارش می‌کنند!

ناهماهنگی والدین در تربیت کودک، از دیگر مشکلاتی است که با آن روبرو هستیم. پدر و مادری که دوست دارند فرزندانی پاک و متدین داشته باشند هر کدام روشی برای خود در پیش گرفته و کودک را در سرگردانی و بلا تکلیفی رها می‌سازند.

نگاه تک بُعدی به تربیت کودک هم از مسائلی است که کاملاً مشهود است. چگونه می‌توان فرزندى موفق و متدین داشت و حال آن که به ابعاد گوناگون نیازهای تربیتی او آگاهی نداشته و از تربیت دینی فقط «امر و نهی» آن را آموخته‌ایم. درست است که نماز، وظیفه‌ای بسیار مهم و حیاتی است، اما آیا صرف تشویق کودک به نماز، در تربیت دینی او کافی است؟ یا این که باید به دیگر نیازهای عاطفی و فکری او هم پاسخ گفت؟

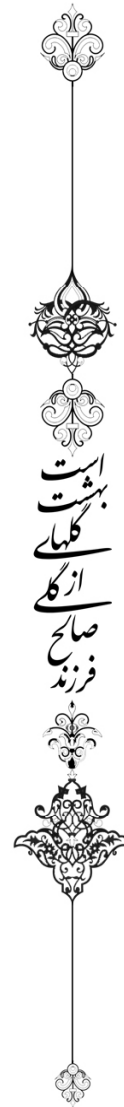
کمبود در محبت و نیز محبت بیش از حد هم از مسائلی است که لازم است در مورد آن گفتگوی ویژه‌ای داشته باشیم. آثار زیان‌بار هر یک از این دو کار تا حدی است که موجب خارج شدن کودک از تعادل رفتاری خواهد شد.

کتاب «آیین شکوفایی» در نظر دارد به برخی از نیازهای کودکان در زمینه‌های تربیت دینی پاسخ گوید. مبنای اصلی در تدوین عناوین این کتاب نیازهای عینی والدین در تربیت کودک می‌باشد. همچنین در تدوین این کتاب سعی شده تا از زبانی ساده و به دور از اصطلاحات خارج از فهم عموم استفاده گردد.

امید که بتوانیم با توکل بر الطاف الهی و آشنایی با شیوه‌های تربیت کودک، فرزندى صالح داشته و نظاره‌گر شکوفایی گل خوش‌بویی از گلهای بهشت، در خانواده‌ی خود باشیم. انشاء الله.

احمد نباتی

اردیبهشت ۱۳۹۰



## تربیت توحیدی

انسان در هر راهی که قدم می‌گذارد ابتدا باید هدف خود را از پیمودن این راه مشخص کند تا با در نظر گرفتن هدف، بتواند مسیر صحیح خود را انتخاب نماید. مهم‌ترین راهی که انسان در پیش روی خود دارد، راه زندگی دنیوی است. برای پیمودن صحیح و سعادت‌مندانگی جاده‌ی زندگی باید ابتدا هدف از زندگی را دریابیم تا بعد بتوانیم مسیر صحیحی که ما را به آن هدف می‌رساند انتخاب کنیم. پر واضح است که هدف از زندگی، رسیدن به لقای مهر خدای متعال و اتصاف به صفات او است.

تربیت فرزند، یعنی قرار دادن کودک در مسیری که او را به هدف از زندگی خود نزدیک‌تر کند. پس تربیت واقعی تربیتی است که الهام‌گرفته از معارف توحیدی و راه‌گشای حرکت انسان به سوی خداوند متعال باشد. متأسفانه برخی از والدین بدون توجه به این اصل مهم، فرزندان خود را در معرض الگوهای تربیتی غربی قرار می‌دهند و بدون توجه به این مسأله که تربیت غربی، تربیتی غیر توحیدی و دنیا محور است، فرزندان و عزیزان خود را در دام دنیاپرستی و دنیا دوستی می‌اندازند تا روز به روز از خداوند دورتر

شده و دست خود را از کمالات معنوی تهی‌تر بینند. همه‌ی والدین دوست دارند فرزندان مؤدب داشته باشند، فرزندان که از بدی‌ها دور بوده و مزین به محاسن اخلاقی باشند. حال ببینیم چگونه فرزندانمان را به سوی خوبی‌ها سوق داده و از بدی‌ها دور می‌کنیم.

عده‌ای به کودک خود می‌گویند:

فرزندم! مراقب باش کار بدی انجام ندهی تا از چشم مردم نیفتی!  
فرزندم! در زندگی مؤدب باش تا مردم تو را دوست داشته باشند!  
اما در مقابل عده‌ی دیگری چنین می‌گویند:

فرزندم! مراقب باش کار بدی انجام ندهی، تا از خداوند دور نشوی!  
فرزندم! در زندگی مؤدب باش تا خداوند تو را دوست داشته باشد!

گفتار دسته‌ی اول در حقیقت الهام‌گرفته از تربیت غیرتوحیدی است که انگیزه‌ی کودک شما را برای خوب بودن، امور دنیایی می‌داند. در حالی که گفتار دسته‌ی دوم الهام‌گرفته از تربیت دینی و توحیدی است که انگیزه‌ی کودک شما را برای خوب بودن و دوری از بدی‌ها، جلب رضایت الهی می‌داند.

شاید برخی بپرسند: بالاخره چه تفاوتی کرد؟! در هر دو نوع تربیت، فرزند ما به سوی خوبی‌ها رفته و از بدی‌ها فاصله می‌گیرد!



### تفاوت این دو نوع تربیت

**الف - معیار غیر توحیدی:** وقتی به فرزند خود می‌گوییم: «مؤدب باش تا مردم تو را دوست داشته باشند.» در واقع، به فرزندمان می‌آموزیم که ملاک خوبی‌ها، تحسین و تقبیح مردم است. اگر مردم از کاری خوششان آمد، آن کار خوب است، و اگر از کاری بدشان آمد، آن کار بد است. حال اگر همین مردم به برخی از فضایل اخلاقی پشت کردند، فرزند ما هم به آن پشت خواهد کرد و اگر برخی از رذایل اخلاقی را پسندیده دانستند، فرزند ما هم آن را پسندیده خواهد دانست.

#### چند نکته

۱. اگر فرزند ما با این الگوی تربیتی، رشد کرده باشد، تا وقتی نماز می‌خواند که دیگران تحسینش کنند. اما اگر در فضایی قرار گرفت که نماز را به تمسخر گرفتند، اولین کاری که انجام می‌دهد، ترک نماز است. در این الگوی تربیتی، فرزند ما تا وقتی حجاب خود را مراعات می‌کند که دیگران آن را کار خوبی بدانند. اما اگر نگاه آنها به حجاب، نگاهی غیرمنطقی شد، در این صورت فرزند ما هم حجاب خود را کنار خواهد گذاشت.
۲. در این الگوی تربیتی، اخلاق به صورت کلی نسبی خواهد بود. یعنی تا وقتی پایبند اخلاق هستیم که به نحوی نفع ما در آن

باشد و تا وقتی از زشتی‌ها دوری می‌کنیم که در آن راه متضرر شویم؛ اما زمانی که نفع خود را در بداخلاقی و زیان خود را در خوش اخلاقی دیدیم، دیگر پایبند اصول اخلاقی نخواهیم بود. بی‌جهت نیست که می‌بینیم سیاستمداران غربی از یک طرف دم از اخلاق و حقوق انسان‌ها می‌زنند، و از طرف دیگر، با قیافه‌ای حق به جانب، هر جنایتی را مرتکب می‌شوند.

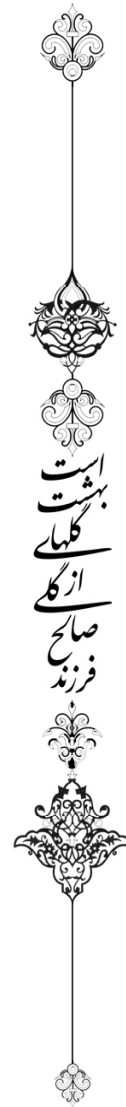
۳. منظور ما از این الگوی تربیتی آن نیست که صرف این دو کلمه موجب بروز چنین صدماتی است؛ بلکه منظور این است که تربیتی که مبانی آن غیر الهی باشد انسان را در این راه قرار می‌دهد. والدینی که الگوی تربیتی آنها غیردینی باشد، در حقیقت روح رفتارهای آنها نماد دنیاطلبی است هر چند که خود در ظاهر اهل نماز و عبادت باشند.

**ب - معیار توحیدی:** وقتی به فرزند خود می‌گوییم: «مؤدب باش تا خدا دوست داشته باشد.» در این صورت، ملاک خوبی‌ها و بدی‌ها را رضا و غضب خداوند متعال معرفی کرده‌ایم. بنابراین، اگر خداوند کاری را دوست داشته باشد، آن کار شایسته‌ی انجام دادن است؛ و اگر کاری را پسندیده نداند، آن کار شایسته‌ی ترک کردن است. اگر بتوانیم چنین ملاک ارزشمندی را به فرزندمان هدیه کنیم، در واقع ارزشمندترین گنج‌های دنیا را در اختیارش قرار داده‌ایم.



چند نکته:

۱. اگر فرزند ما با این الگوی تربیتی، رشد کرده باشد، به هر قیمتی که شده دین خود را حفظ می‌کند و حاضر نمی‌شود به خاطر مردم و خوش‌آمد آنها ذره‌ای از اصول اخلاقی کناره‌گیری کند. چنین فرزندی حاضر است از مال و آبروی خود هم مایه بگذارد، اما خود را آلوده به بدیها و زشتی‌ها نبیند. او در واقع تنها هدفش جلب رضای الهی است و اگر همه‌ی مردم جامعه در سراسیمی سقوط و تباهی قرار گیرند و به آن افتخار کنند، خود را به کناری می‌کشد و حاضر نمی‌شود سر سوزنی از راه نورانی الهی منحرف شود.
۲. در این الگوی تربیتی، اصول کلی اخلاق نه تنها نسبی نیست، بلکه مطلق و بدون تغییر خواهد بود. بدین معنا که فرزند شما عدالت را خوب می‌داند حتی در حق دشمن خود، و ظلم به دیگران را ناپسند می‌داند هر چند که در رویارویی با دشمنش باشد. صداقت در نیت و گفتار، از دیگر اصول این الگوی تربیتی است تا جایی که حاضر است حرف راست را بر زبان جاری کند هر چند که خود در این راه متضرر شود.
۳. منظور ما از این الگوی تربیتی آن نیست که صرف به کار بردن نام خدا در کلماتمان، موجب قرارگرفتن فرزند در این جاده‌ی نورانی شود؛ بلکه منظور این است که تربیتی که بر مبنای الهی



باشد انسان را در این راه قرار می‌دهد. والدینی که الگوی تربیتی آنها بر مبنای هدف از خلقت باشد، در حقیقت، روح تمامی رفتارهای آنها نماد الهی دارد و این کلمات را از عمق وجود خود بر زبان جاری می‌سازند.



## واکسیناسیون عقیدتی

فرزندان ما در آینده با سؤالات و چالش‌هایی مواجه می‌شوند که بی‌توجهی به این مسأله موجب بروز صدماتی جدی در عقاید آنها خواهد شد. فرزندان ما از یک سو با شبهات برنامه‌ریزی شده‌ی دشمنان اسلام و انقلاب مواجهند، و از سوی دیگر با عده‌ای ضعیف-الایمان و خودرأی که نماز، روزه، حجاب و سایر نمادهای اسلامی آنها را به تمسخر می‌گیرند. مشکلات و سختی‌های طبیعی زندگی هم از دیگر عواملی است که ممکن است موجب بروز مشکلاتی جدی در عقاید فرزندانمان شود.

پرواضح است که والدین دلسوز قبل از آن که فرزندشان مبتلا به بیماری شود به دنبال واکسینه‌کردن او هستند. متأسفانه بیشتر والدین از روی غفلت و ناآگاهی در واکسینه‌کردن عقیدتی کودک خود کوتاهی می‌کنند و زمانی چشم باز می‌کنند که کودکان خود را در دام عقاید و رفتارهای انحرافی و بعضاً جبران‌ناپذیر می‌بینند.

فرزندان ما نور چشمی‌های ما و میوه‌ی زندگی ما هستند. روا نیست آنها را به حال خود واگذاریم تا طعمه‌ی شیرینی برای منحرفان و از خدا بی‌خبران باشند. امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌ی ۳۱ نهج‌البلاغه -

که نامه‌ای نمادین برای تربیت فرزند است - به ما می‌آموزند تا قبل از آن که این شیادان و دغل‌بازان، عقاید فرزندان ما را متزلزل کنند وارد عمل شده و بنای عقاید آنها را محکم کنیم.

برای این که بتوانیم نقش خود را در این میان به خوبی ایفا کنیم باید با چالش‌هایی که فراروی فرزندانمان خواهد بود آشنا شده و با توجه به آن چالش‌ها کودکانمان را راهنمایی کنیم. اینجا است که یکی از مصادیق کلام نورانی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روشن می‌شود که می‌فرمایند:

«در تربیت فرزندانمان بر تعلیم آداب و رسوم خود اکتفا نکنید؛

چرا که آنها برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.»<sup>۱</sup>

فرزندان ما ممکن است به خاطر نماز، حجاب و در یک کلام به خاطر اعتقادات و تدین خود مورد تمسخر دیگران قرار گیرند. اگر از قبل آنها را آماده نکرده باشیم، امکان دارد به تدریج تحت تأثیر قرار گرفته و منفعلانه از عقاید پاک خود دست بردارند. قبل از بیان راه‌کار عملی برای واکسینه‌کردن فرزندانمان، خوب است به چند نمونه‌ی عینی از این مشکلات توجه کنیم. مشکلاتی که ریشه‌ی بسیاری از آنها را در بی‌توجهی والدین در واکسینه‌کردن فرزندان خود می‌توان جستجو کرد.

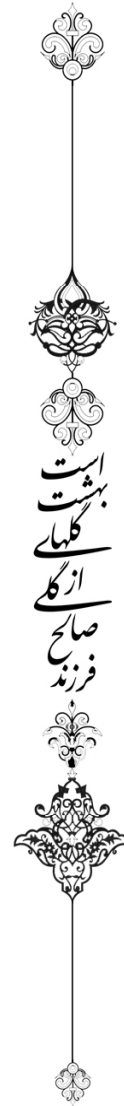
۱. «لا تقسروا أولادکم علی آدابکم، فإنهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم.» شرح نهج‌البلاغه،



## چند نمونه‌ی عینی:

۱. «دختری محجبه و متدین دارم. متأسفانه مدتی است که گریه می‌کند و می‌گوید دیگر چادر نمی‌پوشم. علت آن را جویا شدم، دیدم چند نفر از هم‌کلاسی‌هایش او را دوره کرده و حجابش را به تمسخر گرفته‌اند.»
۲. «پسری بیست‌ساله دارم که به تازگی وارد دانشگاه شده. متأسفانه هم اطاقی‌های او اهل نماز نیستند و با فلسفه‌بافی نماز را برای او به عنوان نماد عقب‌ماندگی و تحجر معرفی کرده‌اند! وقتی فرزندم از تحقیر آنها سخن گفت، به او گفتم دور از چشم آنها نمازش را بخواند! پسرم به تدریج منفعل شد و در خوابگاه نمازش را ترک کرد. حالا هم کار به جایی رسیده که وقتی به خانه می‌آید، می‌بینم چندانی برای نماز قائل نیست و در جواب ما که او را تشویق به نماز می‌کنیم می‌گوید: شما کاری به کار من نداشته باشید. خودم می‌دانم چه کار کنم!»
۳. فرزندم از وقتی وارد دانشگاه شده، به کلی عوض شده. او نه تنها نماز نمی‌خواند، بلکه اعتقادات ما را هم به تمسخر می‌گیرد و می‌گوید: «شما که این همه نماز خواندید کجا را گرفتید که من بخواهم با نماز خواندن به آنجا برسم؟!» هر چه از فلسفه و اهمیت نماز می‌گوییم در جواب می‌گوید: «اینها همه دروغ

- است و من هیچ اعتقادی به این حرف‌ها ندارم. بدون نماز و روزه هم می‌شود با خدا ارتباط داشت!»
۴. مدتی است که دخترم در اینترنت با سایت‌هایی آشنا شده و با خواندن مطالب آن عقایدش از این رو به آن رو شده. او می‌گوید: «مگر شما بهشت و جهنم را دیده‌اید؟! چه کسی گفته بهشت و جهنم وجود دارد. بهشت و جهنم ما همین زندگی دنیایی است. اگر از زندگی لذت ببریم، در واقع، زندگی، بهشت است و اگر در زندگی سختی بکشیم، در واقع، توی جهنم هستیم!»
  ۵. پسرم اهل نماز بود؛ اما به خاطر مشکل بی‌کاری همه‌ی اعتقادات خود را از دست داده و اعتنایی هم به نصیحت‌های ما ندارد. می‌گوید اگر خدایی وجود داشت من این همه مشکل نداشتم!
  ۶. دخترم می‌گوید: اگر نماز و حجاب من نزد خداوند ارزش داشت، وضع مالیم از بی‌نمازها و بدحجاب‌ها بهتر بود. دخترهایی را می‌شناسم که هر گناهی را انجام می‌دهند، اما مشکل مالی ندارند. پس، همان بهتر که من هم مثل آنها زندگی کنم. چون کسی که توی این دنیا خوش باشد معلوم است خدا دوستش دارد و در آخرت هم یقیناً اهل بهشت است.
- تذکر: مشکلاتی که ذکر شد می‌تواند علل مختلفی داشته باشد. در



این قسمت فقط به مهم‌ترین علت آن که جهل علمی است رسیدگی می‌شود و مابقی علت‌ها در قسمت‌های دیگر بررسی می‌شوند.

### راه کارهایی عملی

کودکان ما علاقه‌ی زیادی به شنیدن داستان‌های زیبا و جذاب دارند. داستان‌های قرآنی و داستان زندگی پیامبران خدا و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام برای تربیت دینی فرزندان بسیار مفید و راه‌گشا است. اگر بتوانیم به زوایای مختلف زندگی این بزرگواران نظاره کنیم و آن را با لحنی کودکانه به فرزندانمان انتقال دهیم، تا حد بسیار مطلوبی در حل این مشکل چاره‌اندیشی کرده‌ایم.

هدف قرآن کریم از نقل داستان، سرگرم کردن مردم نیست؛ بلکه هدف قرآن کریم توجه‌دادن مردم به معارفی عمیق و پر محتوا است. داستان‌های قرآنی در واقع، داستان زندگی خود ما است که در مسیر زندگی با آن مواجه خواهیم شد. همه‌ی ما با داستان اصحاب کهف آشنایی داریم، اما به ظرافت‌ها و لطافت‌های آن کمتر توجه کرده‌ایم. در این قسمت به عنوان نمونه به چند مورد از پیام‌های این داستان که می‌توانیم با بیانی ساده به فرزندانمان انتقال دهیم اشاره می‌شود:

۱. فرزندانم! اصحاب کهف گروه اندکی بودند که به خداوند ایمان آوردند و به دلیل ایمانشان در میان مردم تنها ماندند و

از میان آنها رانده شدند. حالا شما اگر در زمان آنها بودی دوست داشتی جزو اصحاب کهف باشی یا این که مقابل آنها قرار گیری؟

قطعا فرزند ما خواهد گفت: دوست دارم در کنارشان باشم.

بعد به او می‌گوییم: «الآن هم همان زمان است. همین الآن هم عده‌ای هستند که مؤمنین را به تمسخر می‌گیرند و آنها را به خاطر ایمانشان از جمع خود طرد می‌کنند. پس تو هم وقتی راه حق را پیدا کردی از تنهایی روندگان این راه نترس و با اطمینان به راه خود ادامه بده. اگر در مجلسی رفتی که هیچ کس اهل نماز نبود، با شجاعت نمازت را بخوان. اگر ایمان و تدبیرت را به تمسخر گرفتند، در عقیده‌ی خود پافشاری کن تا جزو آنها شوی.»

۲. فرزندانم! اصحاب کهف وقتی کسی را نداشتند به خدای متعال پناه بردند و از او کمک گرفتند. پس تو هم همیشه به خدا پناه ببر و مخصوصا در مشکلات و سختی‌ها فراموشش مکن. در این حال است که شاهد لطف و رحمت خداوند در زندگی خودخواهی بود.

۳. فرزندانم! اصحاب کهف در آن زمان به ظاهر تحقیر شدند، اما در واقع عزت داشتند چرا که خداوند به بندگان خوب خود عزت می‌دهد و دشمنانش را ذلیل و خوار می‌کند. پس تو هم وقتی در زندگی بندگی خدا را کردی، همیشه عزیزی؛ اما اگر خدای



ناکرده با گناه و معصیت به خدا پشت کردی روی عزت را نخواهی دید.

۴. کسی که پای عقاید توحیدی خود بایستد و تنها به خداوند امید بندد، لطف الهی شامل حالش خواهد شد. اصحاب کهف که پناهی جز خدا نداشتند در برابر عقاید خود ایستادگی کردند و خداوند برکات معنوی بیشتری شامل حالشان کرد.

۵. فرزندم! اصحاب کهف در میان مردم ثروت و مقام داشتند، و زمانی که از میان آنها رانده شدند چیزی از مال دنیا همراهشان نبود؛ اما در عین حال به بزرگی و عزت رسیدند. پس تو هم مراقب باش که معیار بزرگی و عزت را در مال دنیا ندانی. ممکن است برخی با پول و ثروت و موقعیت اجتماعی خود بخواهند تو و اعتقادات را تحقیر کنند، اما بدان که عزت مؤمن در نزد خداست. اوست که هر که را بخواهد به عزت می‌رساند هر که را بخواهد در ذلت و خواری رها می‌کند.

#### چند نکته

۱) برای حل این مشکل علاوه بر ذکر مطالب حکمت‌آمیز، امور دیگری هم لازم است. اموری چون تقویت عزت نفس در کودک، تقویت اراده و اعتماد به نفس، محبت در حق کودک و برخی مطالب دیگر که در کتاب ذکر می‌شوند.

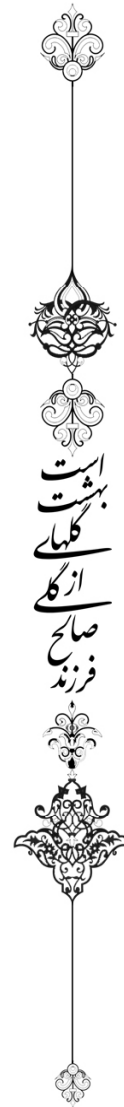
۲) با توجه به این که آموختن معارف دینی از طریق داستان ماندگارتر است، می‌توانیم هر از چند گاهی با یادآوری این داستان‌ها، معارف آن را به فرزندانمان گوشزد کنیم.

۳) قبل از آن که کودکانمان در برابر سؤال‌های مغرضانه‌ی دیگران قرار گیرند، آن سؤال‌ها را از کودکان پرسیم و او را به گونه‌ای به چالش بکشیم که هم طریقه‌ی بحث کردن را بیاموزد، و هم بتواند با تحقیق بیشتر جواب خوبی برای اعمال و اعتقادات دینی خود بیابد.

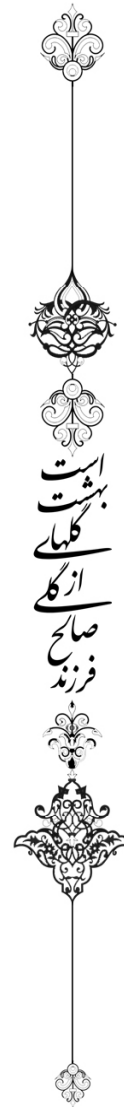
۴) درست است که آموختن این مطالب به فرزندانمان ضروری است، اما هرگز دچار شتاب‌زدگی نشویم. چرا که در این صورت کودکان ما خود را در معرض فشارهای تربیتی ما خواهند دید و خیلی زود از شنیدن این مطالب خسته و کسل خواهند شد.

۵) مطالب حکمت‌آمیز و داستان‌ها را به گونه‌ای برای کودکانمان بگوییم که از شنیدن آنها لذت ببرند و با اشتیاق برای شنیدن آنها لحظه‌شماری کنند. اگر کودکان ما رغبتی برای شنیدن این مطالب ندارند، به جای متهم کردن آنها به بازی‌گوشی و تنبلی، شیوه‌ی گفتاری خود را عوض کنیم.

۶) کودکان ما علاقه‌ی زیادی به شنیدن شعر و داستان دارند. مراقب باشیم که به جای پرکردن ذهنشان از داستان‌ها و اشعار بی‌محتوا، آنها را با اشعار و داستان‌های پرمعنا و زیبا آشنا کنیم.



(۷) برخی از اشعار و کتاب‌های داستانی کودکان، بر اساس فرهنگ مادی‌گرایانه‌ی غرب تدوین شده‌اند. لذا تا جایی که امکان دارد از خرید کتاب‌های متفرقه - که معمولاً رنگ و لعاب خیلی زیبایی هم دارند - خودداری کنیم تا کودکانمان در دام این کتاب‌ها نیفتند. البته اگر لازم شد کتاب خاصی خریداری کنیم، قبل از هر چیز محتوای آن را به یک کارشناس نشان دهیم.



### تکریم

یکی از مهم‌ترین وظایف ما در قبال فرزندان، تکریم شخصیتی آنها است. تکریم شخصیت مهم‌ترین عاملی است که موجب دوری فرزندان ما از هر گونه پستی و تن‌دادن به گناه و معصیت می‌شود.

وقتی فرزندان ما احساس ارزشمندی و کرامت نفس پیدا کردند، در جاده‌ای قرار گرفته‌اند که به تدریج خود را در قلّه‌ای از شخصیت خواهند دید و از آن جایگاه بالا به خود و دنیا می‌نگرند. آنها واقعیت دنیا را - که از پستی و حقارت گرفته شده - خواهند دید و شخصیت و کرامت خود را - که عطیه‌ای الهی است - به جلوه‌های زودگذر و پوچ دنیا نخواهند فروخت.

چنین شخصی خود را بالاتر و بزرگتر از آن می‌بیند که دل به دنیای فانی ببندد. به همین دلیل به تدریج حبّ دنیا که منشأ تمام خطاها است از وجودشان بیرون خواهد رفت و شیفته‌ی فضائل اخلاقی و کرامات معنوی خواهند شد.

اما اگر فرزندان ما کرامت نفس و احساس ارزشمندی خود را از دست بدهند با دنیا که از ریشه‌ی «دُنُو» و پستی است هم‌آغوش شده و به تدریج، آمادگی پذیرش هرگونه پستی و بی‌شخصیتی را به دست خواهند آورد.



با این بیان روشن می‌شود که اگر بتوانیم با امید به الطاف الهی فرزندانمان را در سیر کرامت نفس قرار دهیم، بزرگ‌ترین خدمت را در حق آنها کرده‌ایم و اگر با آنها به گونه‌ای رفتار کردیم که عزت و کرامت نفسشان را از دست بدهند، بزرگ‌ترین خیانت را در حقشان مرتکب شده و عاقباً فرزندان خود خواهیم شد.

### چند نکته: (راه کارها و موانع)

#### ۱. از عزت نفس خود غافل نباشیم

تا زمانی که خود ما به کرامت نفس نرسیده و بویی از آن نبرده باشیم، به سادگی نمی‌توانیم چنین فرزندان تربیت کنیم. به همین دلیل است که اساتید اخلاق و تربیت، زمان مناسب برای تربیت فرزند را چندین سال قبل از تولد او می‌دانند. یعنی ما باید خود به تعادل اخلاقی و رفتاری رسیده باشیم و از گناه و معصیت دور باشیم تا بتوانیم حق تربیتی فرزندانمان را آن‌گونه که باید ادا کنیم.

والدینی که با گناه و معصیت، چوب حراج به کرامت نفس خود می‌زنند، والدینی که قدرت کنترل چشم و زبان خود را ندارند، والدینی که هنوز در دام هوای نفس خود گرفتارند، چگونه می‌توانند فرزندان تربیت کنند که در مسیر کرامت نفس و فضایل اخلاقی گام برداند!

#### ۲. محبت در حق کودک

پیش‌نیاز بعدی برای تربیت کریمانه‌ی فرزندانمان، محبت در حق آنها است. یعنی باید آنها را دوست داشته باشیم و رفتارهای خود را بر مبنای همین محبت قرار دهیم تا در نتیجه بتوانیم برخوردی کریمانه با آنها داشته باشیم.

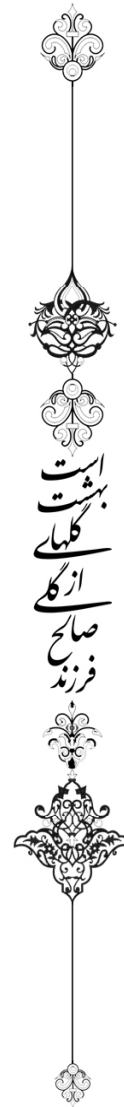
#### ۳. به رسمیت شناختن حقوق کودک

هر چند که فرزندان ما تجربه‌ی خاصی برای زندگی ندارند و باید تحت نظارت دقیق ما بزرگ شوند، اما باید بپذیریم که آنها عضوی از اعضای خانواده‌ی ما هستند و حق دارند جایگاه واقعی خود را در خانه پیدا کنند.

ما باید این حق فرزندانمان را به رسمیت بشماریم و به آنها اجازه بدهیم که در خانه و در کنار والدینشان به راحتی صحبت کنند، سؤال بپرسند، اشکال بگیرند، بازی و شوخی کنند، و بدون این که دغدغه‌ای به خود راه بدهند، کارهای مربوط به خود را با آرامش انجام دهند.

#### ۴. فراهم آوردن بستری امن برای کودک

فرزندان ما خانه و محل زندگی خود را آشیانه و مأمن خود می‌بینند. آنها در کانون گرم خانواده به آرامش می‌رسند و با اطمینان خاطر به بازی و انجام وظایف خود می‌پردازند.



باید بدانیم که کودکان ما با روح لطیف و افکار کودکانه‌ای که دارند به هیچ وجه توان درک و تحمل مشاجرات و اختلاف‌های ما را ندارند. مراقب باشیم که اگر با همسر خود اختلافی داریم، تا جایی که ممکن است، اختلاف خود را نزد کودکانمان مطرح نکنیم و نزد آنها از یکدیگر ایراد نگیریم.

این کار نه تنها موجب می‌شود که کودک ما نسبت به یکی از پدر و مادر یا هر دوی آنها بی‌اطمینان شود و در الگودهی آنها تردید کند، بلکه موجب می‌شود که آشیانه‌ی گرم خود را در معرض خطر تندبادهای اختلاف و دوگانگی والدین دیده و در یک لحظه آروزهای کودکانه‌ی خود را بر باد رفته ببیند.

### ۵. در آغوش گرفتن و بوسیدن فرزند

هر از چند گاهی کودکان خود را در آغوش بگیریم. آنها را به خود بچسبانیم<sup>۱</sup> و صورتشان را ببوسیم. به آنها بگوییم فرزندان خوب و باادبی هستند و از این که چنین فرزندانمان داریم خوشحالیم خدا را شکر می‌کنیم.

۱. تذکر: در صورتی که فرزند دختر است، توجه داشته باشیم که وقتی سن او بالاتر رفت، شایسته نیست که پدر او را در آغوش گرفته یا به خود بچسباند؛ بلکه می‌تواند پیشانی او را ببوسد. همچنین اگر فرزند پسر است، باز هم مادر باید مراقب باشد که با بالا رفتن سن او، فرزندش را در آغوش نگیرد.

### ۶. در محبت به فرزند افراط و تفریط نکنیم

مراقب باشیم که فرزندانمان نسبت به خود «واقع بین» باشند. نه مبتلا به توهم «خود برتری» شوند و نه دچار «خود کم‌بینی» و «حقارت» گردند. به همین دلیل در تعریف از فرزندانمان زیاده‌روی نکنیم و در نکوهش ایشان نیز طوری رفتار نکنیم که استعدادهای درویشان تضعیف گردد. چه این که برخی از والدین آن قدر از فرزندان خود تعریف و تمجید می‌کنند که آنها گمان می‌کنند از دماغ فیل افتاده‌اند. و برخی دیگر با بزرگ جلوه دادن خطاها و اشتباهات فرزندان و زیاده‌روی در سرزنش ایشان، آنها را به موجوداتی دست و پاچلفتی و بی‌مصرف تبدیل می‌کنند.

### ۷. به کودک خطاکار توهین نکنیم

دین مبین اسلام به ما آموخته است که وقتی یک انسان کار زشت و ناپسندی انجام داد، بین آن رفتار زشت و شخصیت او تفکیک قائل شویم. یعنی از رفتار و عمل زشتش متنفر شویم، اما کوچک‌ترین توهینی به شخصیت او نکنیم. با توجه به این مطلب، اگر فرزند ما خطاهایی هر چند بزرگ هم انجام داد، به هیچ وجه اجازه‌ی توهین و لگدمال کردن شخصیت آنها را نداریم و تنها باید رفتار زشتشان را تقبیح کنیم.<sup>۱</sup>

۱. تذکر: گاهی شیطان بیرونی، انسان را فریب می‌دهد. در این صورت می‌توان بین آن شخص و

## ۸. هنگام عصبانیت تصمیم به تنبیه نگیریم

وقتی کودک خطایی انجام داد برخی از والدین با عصبانیت اقدام به تنبیه کودک خود کرده یا این که با الفاظ زشت به شخصیتش توهین می‌کنند. این کار موجب می‌شود که کرامت نفس کودک در معرض تهدید جدی قرار گیرد و لطمه‌ای سنگین به شخصیتش وارد آید. باید مراقب باشیم که هنگام عصبانیت، به هیچ وجه با کودکان خود برخورد نکنیم و به دنبال اصلاح رفتار آنها نباشیم، چرا که در این صورت پیش از آن که به دنبال اصلاح کودک خود باشیم به دنبال خنک کردن دل و فرونشاندن آتش خشم خود خواهیم بود.

## ۹. قدر احساس ارزشمندی فرزندان خود را بدانیم

عزت و کرامت نفسی که فرزند ما دارد، سرمایه‌ی گران‌بهای برای او است که موجب دوری او از هرگونه انحراف و پستی خواهد بود. هنگامی که اشتباهی در کودکمان دیدیم هرگز با الفاظ زشت و رفتار زننده با او برخورد نکنیم. این کار موجب می‌شود که با دست خود فرزندمان را از قلّه‌ی عزت و کرامت به زیر بکشیم و

گناهِش تفکیک قائل شد. یعنی کارش را بد می‌دانیم؛ ولی شخصیتش را لگدمال نمی‌کنیم. اما گاهی انسان در ردای اخلاقی تا جایی پیش می‌رسد که از درون برای خودش شیطانی می‌شود. چنین شخصی در واقع، شخصیتش با گناه یکی شده و به خاطر این اتحاد، علاوه بر گناه و معصیتش، خودش را هم تقبیح می‌کنیم.

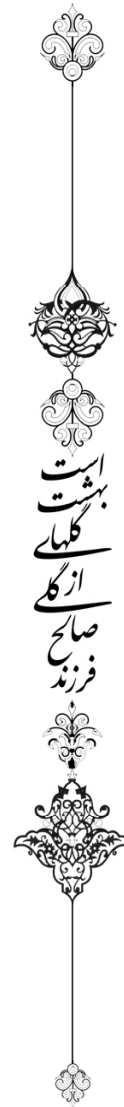
به جای آن که او را تربیت کنیم زمینه‌ی افتادن او در دام خطاها و اشتباهات بیشتر را فراهم آوریم. وقتی فرزند ما خود را دارای عزت و کرامت نفس دید، به شدت مراقب است تا این سرمایه‌ی بزرگ خود را به آسانی از دست ندهد. همین سرمایه، کمک و آفری در مسیر تربیت فرزندمان به ما می‌کند و کار تربیت او را تا حد مطلوبی هموارتر خواهد نمود.

## ۱۰. کودک خطاکار را با خودش درگیر کنیم

بهترین برخورد با کودک در برابر خطاهایش آن است که به گونه‌ای او را متوجه خطایش کنیم تا با خود درگیر شود و با بهره‌گیری از عزت و کرامت نفس خود بتواند تصمیمی جدی برای ترک اشتباهاتش بگیرد. حال اگر در مقابل رفتارهای بد فرزندمان بخواهیم به گونه‌ای افراطی با او برخورد کنیم، در واقع، کودک ما پیش از آن که خود را گناه‌کار ببیند، احساس می‌کند که مورد ظلم و ستم قرار گرفته و با این اندیشه نه تنها بر سر حل مشکلش با خود درگیر نمی‌شود، بلکه در اندیشه‌اش خود را مظلوم و چه بسا طلب‌کار هم خواهد دید.

## ۱۱. از کودک در حدّ خودش انتظار داشته باشیم

سطح انتظارات خود از فرزندانمان را در چارچوب ویژگی‌های سنی و توانمندی‌های آنها قرار دهیم. باید از کودکانمان انتظار



رفتار یک شخص باتجربه و پخته را نداشته باشیم. چرا که در این صورت به خاطر رفتارهای کودکانه‌اش مدام او را در معرض فشار قرار خواهیم داد و همواره بدون علت او را سرزنش خواهیم کرد. مراقب باشیم که توانمندی‌های فرزندانمان را با توانمندی‌های خودمان مقایسه نکنیم تا بتوانیم مطابق با تلاشی که داشته‌اند آنها را تشویق کنیم.



### محبت

خداوند متعال فرزندان ما را همانند همه‌ی انسان‌های دیگر تشنه و شیفته‌ی محبت خلق کرده است. همان‌گونه که فرزندان ما نیازمند به آب، غذا، بهداشت و پوشاک هستند، نیازمند به محبت هم می‌باشند. به همین جهت ما وظیفه داریم کانون خانواده‌ی خود را سرشار از محبت کرده و فضایی عاطفی و صمیمی برای رشد آنان فراهم آوریم.

محبت بهترین و مؤثرترین عامل در تربیت فرزندان ما به شمار رفته است، تا جایی که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«بر تو واجب است که نسبت به فرزندان محبت و دلسوزی داشته باشی.»

همچنین محبت به فرزندان آنچنان برکاتی در زندگی ما خواهد داشت که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«خداوند به بنده‌ی خود رحم می‌کند به خاطر محبت زیادی که به فرزندش دارد.»<sup>۱</sup>





چند نکته

۱. حساست در محبت

برخی از والدین که گویا در قاموس رفتاری خود چیزی به عنوان محبت به فرزند را نمی‌شناسند، حتی از ذره‌ای محبت هم به فرزند خود دریغ می‌ورزند. این والدین گویا دوران کودکی خود را فراموش کرده‌اند که چگونه مشتاق محبت پدر و مادر خود بودند! و حال که خود در جایگاه پدر و مادر قرار گرفته‌اند، به احساسات کودکانه‌ی فرزند خود پشت می‌کنند. روزی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مردی را دیدند که می‌گفت: هرگز کودکی را نبوسیده‌ام! حضرت در واکنش به رفتار این مرد فرمودند:

«این مرد از اهل آتش است.»<sup>۱</sup>

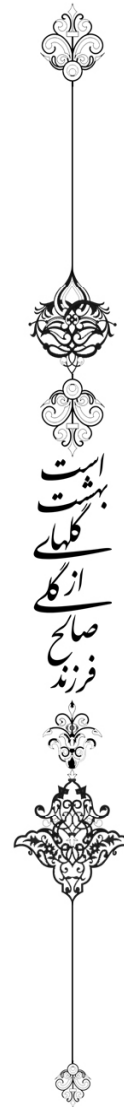
در مقابل، عده‌ی دیگری از والدین در محبت به فرزند خود دچار افراط و زیاده‌روی شده و به گونه‌ی دیگری به او ضرر می‌رسانند. یکی از دوستان جریانی را بدین صورت برایم نقل می‌کرد.

«در یکی از روستاها مردی بود که خیلی در مورد فرزندانش سخت می‌گرفت و با آنها برخوردی سرد و خشن داشت. روزی یکی از کودکانش وارد باغی شد و بدون اجازه‌ی صاحب باغ، از میوه‌ی یکی از درخت‌ها چید. باغبان که جریان را دید کودک را تهدید کرد

که جریان دزدی او را با پدرش در میان خواهد گذاشت. کودک که از پدر وحشت زیادی داشت، از ترس، خود را حلق‌آویز کرد و از دنیا رفت. بعد از مرگ این کودک، پدرش متوجه اشتباهش شد و در تربیت فرزند دیگرش خشونت را کنار گذاشت. منتهی از این باب که «جاهل، یا در افراط است و یا در تفریط!» بدون حساب در حقش محبت کرد تا جایی که فرزند دومش هم به دام اعتیاد افتاد و به گونه‌ی دیگری از دستش رفت!»

۲. کمبود در محبت

کمبود در محبت موجب می‌شود کودکان ما اعتماد به نفس خود را از دست داده و نتوانند شخصیت و عزت نفس خود را حفظ کنند. اگر فرزندان ما سیراب از جام محبت نشوند، و اگر کانون خانوادگی ما نتواند نیازهای عاطفی کودکان ما را برآورده سازد، ممکن است برای جبران این خلأ عاطفی و حقارت درونی، دست به هر کار خطرناک و ناشایستی هم بزنند. چرا برخی از نوجوانان کم سن و سال به سیگار و اعتیاد تمایل پیدا می‌کنند؟ چرا برخی از دخترهای نوجوان در دام جوانان هوس‌باز می‌افتند؟ چرا برخی خودنمایی را پیشه‌ی خود کرده و سعی دارند به گونه‌ای خود را مطرح کنند؟ و هزاران چرای دیگر که می‌توان مهم‌ترین ریشه‌های آنها را در کمبود محبت جستجو کرد.



### ۳. افراط در محبّت

افراط در محبّت، موجب خارج شدن کودکان ما از تعادل رفتاری است. این کودکان نه تنها اعتماد به نفس ندارند، بلکه مسؤولیت‌گریز هم هستند. در این بی‌مسؤولیتی، تفاوتی بین مسؤولیت‌بندگی خداوند و مسؤولیت‌های فردی و اجتماعی وجود ندارد. برخی از این کودکان علاوه بر ضعف ایمان و سستی در انجام عبادت‌های شرعی، تن‌پرور و خودخواه هم می‌باشند و توقع دارند دیگران - مخصوصاً اعضای خانواده - از حقّ خود بگذرند تا در ناز و نعمت بیشتری به سر برند.

الف) یکی از نمونه‌های این محبّت افراطی، داستان پیرزنی است که می‌گفت: «پسری ۱۸ ساله دارم که به هیچ صراطی مستقیم نیست. نه اهل نماز است و نه اهل ادب و نزاکت! وقتی خانه می‌آید توقع دارد من پیرزن، دریست در خدمتش باشم. خدا نکند که غذا مقداری شور یا بی‌نمک باشد. تا می‌تواند کتکم می‌زند و هر چه از دهانش بیرون می‌آید نثارم می‌کند و از خانه بیرون می‌زند. چند ساعت بعد، دوباره به خانه می‌آید و روز از نو و روزی از نو.»

جالب است که وقتی به این مادر گفتم، با فرزندان دیگرتر صحبت کن که او را تحت فشار قرار دهند و به کار بدش اعتراض کنند، احساسات مادرانه‌اش دوباره گل کرد و فقط گفت: «دلم نمی‌آید!»



ب) خانمی می‌گفت: پسری دارم ۲۵ ساله که علّاف و بی‌کار در خانه نشسته است. وقتی به او می‌گویم: بلند شو و دنبال کاری برو، می‌گوید: «تو برایم کار پیدا کن!» بعد هم طلب‌کارانه می‌گوید: «همه-ی پدر و مادرها برای بچه‌هایشان کار پیدا کرده‌اند. شما برای من چه کار کرده‌اید؟!» وقتی هم کاری برایش پیدا می‌کنم یکی دو روز بعد، به بهانه‌ای کارش را ترک می‌کند و دوباره به خانه برمی‌گردد. با سؤالات بیشتری که از این خانم داشتم متوجه شدم این خانم و همسرش با محبّت‌های بی‌جا موجب شده‌اند که فرزندشان نتواند روی پای خود بایستد و دل به دریای مشکلات بسپارد.

### ۴. دختر، عاطفی‌تر است

همه‌ی کودکان ما نیاز به محبّت دارند؛ اما با توجه به ویژگی‌های عاطفی دخترها، آنها عطش عاطفی بیشتری نسبت به پسرها دارند و همین عطش عاطفی می‌طلبد که محبّت بیشتری در حق آنها داشته باشیم. نوع محبّتی که پدر در حق فرزندانش دارد با نوع محبّتی که مادر در حق آنها دارد، متفاوت است. از طرفی، دختر ما دوست دارد دست نوازش پدر را بر سر خود ببیند و سیراب از محبّتش شود. حال اگر پدر از چنین محبّتی در حق دخترش دریغ کند، ممکن است برای جبران این خلأ عاطفی در دام محبّت‌های دروغین دیگران افتاده و شیفته‌ی نامحرم شود.



## ۵. تفاوت نوع محبت به دختر با محبت به پسر

برخی از والدین به اشتباه همان محبتی را که در حق دختر خود دارند در مورد پسر هم به کار می‌گیرند، غافل از این که نوع محبت به دختر با نوع محبتی که به پسر داریم متفاوت است. دختر به لحاظ این که عاطفی‌تر است، محبت بیشتری می‌طلبد در حالی که پسر، عقل‌محور است و باید نوع دیگری از محبت را بچشد. اعمال محبت دخترانه در مورد پسر، موجب سردرگمی و خروج او از تعادل رفتاری می‌شود. چنین پسری نمی‌تواند به سادگی خود را مرد زندگی ببیند و حتی در عبادت‌های خود هم کاهل است. به عنوان نمونه، خانواده‌هایی هستند که چند دختر و پسر دارند. دخترهای این خانواده‌ها اجتماعی، مؤمن و متدین هستند؛ اما پسران آنها غیراجتماعی، بی‌مسئولیت و ضعیف‌الایمانند.

## ۶. محبت، هدفمند باشد

محبت به کودک باید در راستای تربیت کودک باشد؛ این محبت، گاهی اقتضا می‌کند که دست نوازش بر سرش بکشیم، و گاهی هم اقتضا می‌کند که نصیحتش کنیم. گاه اقتضا می‌کند خط و نشان برایش بکشیم، و گاه اقتضا می‌کند که امر و نهی کنیم.

## ۷. معنای زیاده‌روی در محبت

منظور از زیاده‌روی در محبت، محبت زیاد نیست، چرا که در بیان نورانی امام صادق علیه السلام آمده است:

«خداوند متعال به بنده‌ی خود رحم می‌کند به خاطر محبت شدیدی که به فرزندش دارد»<sup>۱</sup>

بلکه منظور، عدم توجه به همه‌ی نیازهای کودک و تمرکز بیش از اندازه به بعضی از مصادیق و جلوه‌های رفتاری، شناختی و عاطفی محبت است. بدین صورت که گمان کنیم محبت صرفاً به معنای نوازش کودک و تحسین اوست، در حالی که محبت مصادیق دیگری هم دارد. ما با محبت، فرزندانمان را نصیحت می‌کنیم. با محبت امر و نهی‌شان می‌کنیم. و حتی با محبت آنها را تنبیه می‌کنیم.

## ۸. محبت بی‌جا، و وابستگی کودک

یکی دیگر از مصادیق افراط در محبت این است که اجازه ندهیم فرزندانمان روی پای خود بایستند و از عهده‌ی کارهای خود بر آیند. عده‌ای از والدین بر این عقیده هستند، اگر خود را در خدمت فرزندانمان قرار دهند و به رغم توانایی فرزندانمان در انجام برخی کارها، خود عهده‌دار انجام این کارها شوند، در حق فرزند خود محبت کرده‌اند. در حالی که چنین کاری محصولی جز «وابستگی» فرزند، و پرتوقع شدن او به بار نمی‌آورد.

۱. کافی، جلد ۶، صفحه ۵۰.

## ۹. عقده‌گشایی در محبّت ممنوع:

برخی از والدین، به دلیل «خاطرات تلخی» که از ناکامی‌های دوران کودکی خود دارند، سعی می‌کنند همه‌ی آرزوهای برآورده نشده‌ی دوران کودکی خود را در حق فرزندانشان محقق سازند و با این کار مرهمی بر عقده‌ها و اندوه‌های خود بگذارند. چنین محبّت‌هایی که برخاسته از نیازهای واقعی فرزندانشان نیست، موجب سقوط آنها در باتلاق عوارض ناشی از محبّت افراطی است. همچنین برخی از مادرها که محبّت چندانی از شوهرشان ندیده و از طرف آنها مورد بی‌مهری شدیدی قرار گرفته‌اند با پناه بردن به کودک خود و ابراز محبّت افراطی در مورد آنها سعی بر آن دارند تا خویشتن را آرام کنند. و حال آن که فرزند خود را به شدت از تعادل رفتاری خارج ساخته و آسیب‌هایی بسیار جدی بر آنها وارد می‌سازند.

## ۱۰. تنبیه کودک، بر اساس محبّت

تمام رفتارهایی که با فرزندمان داریم باید ریشه در اصل محبّت داشته باشد. اگر با محبّت، فرزندمان را تنبیه کردیم، هرگز به دنبال تحقیر شخصیتی او نخواهیم بود. به عبارت دیگر، فرزندان ما نباید در تمامی رفتارهایمان چیزی جز محبّت و تکریم ببینند.

## ۱۱. محبّت، و آشنا کردن کودک با خدا

محبّت واقعی به فرزند به این معنا است که او را دوست داشته باشیم و به گونه‌ای رفتار کنیم تا ضمن این که شیفته‌ی مظاهر دنیوی نمی‌شود، در صراط مستقیم - که راه شناخت و عبودیت خداوند است - قرار گیرد. چنین شخصی به تدریج تحصیل رضای الهی را در اولویت رفتاری خود قرار داده و هرگز رضای خداوند را به خوشایند دیگران نمی‌فروشد تا خود را از زیان‌کاران نبیند. اگر پدر و مادری، فرزندان دلبند خود را در جاده‌های تاریک گمراهی رها کرده و گامی در جهت هدایت آنها برندارند، دوست‌دار واقعی آنها نبوده و نمی‌توانند خود را والدینی با محبّت واقعی معرفی کنند.

## ۱۲. اهتمام معصومین علیهم‌السلام در محبّت به کودک

درست است که عقل هر انسانی او را به محبّت در حق فرزندش فرا می‌خواند، اما از باب اهمیت فوق‌العاده‌ی محبّت به فرزند، معصومین علیهم‌السلام به «شیوه‌های مختلف» ما را تشویق به این امر می‌کنند تا از انجام این وظیفه‌ی انسانی و اسلامی غافل نباشیم.

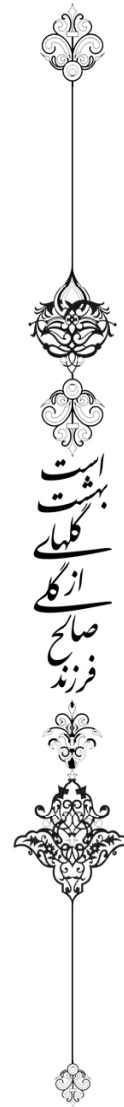
پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

«کسی که فرزندش را ببوسد، خداوند برایش حسنه‌ای می‌نویسد. و کسی که او را خشنود سازد، خداوند در روز قیامت - که همه در حراس هستند - او را خشنود خواهد ساخت.»<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام هم فرمود:

«حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: خدایا! کدام اعمال نزد تو با فضیلت تر است؟ فرمود: محبت به کودکان...»<sup>۱</sup>  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امام حسن و امام حسین علیهما السلام را می‌بوسیدند که مردی گفت: من ده فرزند دارم و هرگز آنها را نبوسیده‌ام! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با شنیدن این سخن آن چنان غضبناک شدند که رنگ صورت مبارکشان سرخ شد. بعد به آن مرد گفتند:

«اگر به خاطر این کارت خداوند رحمت خود را از قلبت جدا کند چه خواهی کرد؟! از ما نیست کسی که به بچه‌های کوچک رحم نکند و به بزرگترها احترام نگذارد.»<sup>۲</sup>



### به همهی در خواست‌های فرزندانمان پاسخ مثبت ندهیم

توجه دقیق به خواسته‌های فرزندانمان، نشانه‌ی عمق محبت ما به آنها است. وقتی فرزندان ما به چیزی نیاز دارند و ما با کمال میل آن را در اختیارشان قرار می‌دهیم، در واقع شخصیت آنها را تکریم کرده‌ایم. به همین دلیل است که آنها از این رفتار ما به خود می‌بالند و احساس غرور می‌کنند.

توجه داشته باشیم که وقتی فرزندانمان خواسته‌هایی از ما دارند، با بی‌اعتنایی از کنار خواسته‌ی آنها نگذریم. بلکه اگر خواسته‌ی او را منطقی دیدیم در اسرع وقت خواسته‌اش را اجابت کنیم و بدون دلیل آن را به تأخیر نیندازیم.

اما اگر خواسته‌های فرزندانمان غیرمنطقی یا زیاده‌خواهانه بود، چه باید کرد؟

آنچه مسلم است این است که پذیرفتن این خواسته‌ها اشتباه محض است. به همین دلیل به هیچ وجه نباید تسلیم فشارهای آنها شویم. اگر به راحتی تسلیم فشارهای کودکان خود شده و به این گونه خواسته‌های آنها جواب مثبت دهیم، صدماتی به فرزندانمان وارد می‌سازیم که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. بحار الأنوار، جلد ۱۰۱، صفحه ۹۷.

۲. بحار الأنوار، جلد ۴۳، صفحه ۲۸۲.

### مشکلات تسلیم شدن در برابر خواسته‌های غیرمنطقی

#### ۱. خروج از تعادل رفتاری:

این کار موجب می‌شود تا به تدریج کودک از تعادل رفتاری خارج شده و گمان کند که ما باید گوش به فرمان او باشیم و هر دستوری که داد بدون چون و چرا اجرا کنیم! چنین فرزندان در واقع، برای خواسته‌های دیگران ارزشی قائل نیستند و با افتادن در دام خودخواهی و تکبر، حاضرند به هر قیمتی که شده به خواسته‌های خود برسند. هر چند که به قیمت آزار و اذیت دیگران تمام شود.

#### ۲. عدم مقاومت در برابر خواسته‌های نفسانی:

اگر هر چه فرزندانمان خواستند بدون توجه به معقول بودن یا نبودن آن برایشان تهیه کردیم در واقع نیروی «نه» گفتن به خواسته‌های نفسانی را از آن‌ها گرفته‌ایم. فرزندان ما همواره در دوراهی عقل و هوای نفس خود قرار خواهند گرفت. این کار موجب می‌شود تا همواره در ستیز بین عقل و نفس، خواسته‌های نفسانی خود را برگزینند و خود را در معرض انحراف و تباهی قرار دهند. افتادن در دام اعتیاد و تن دادن به دوستی‌های خیابانی از جمله انحراف‌هایی است که ممکن است دچار آن شوند.

#### ۳. فرار از مشکلات زندگی:

اگر از هم اکنون در مقابل این گونه خواسته‌های فرزندانمان

نایستیم و بخواهیم همهی توقعات آنها را برآورده کنیم، وقتی وارد جامعه شده و با مشکلات و ناکامی‌های آن مواجه شدند دیگر توانی برای تحمل ناکامی‌های آن ندارند و خیلی زود تسلیم مشکلات خواهند شد. به همین دلیل از مواجهه با مشکلات زندگی شانه خالی می‌کنند و انتظار دارند اینجا هم والدین جاده صاف‌کن زندگی آنها باشند.

مادری می‌گفت: پسر من با اشتیاق خود را برای کنکور آماده می‌کرد. وقتی نتیجه‌ی کنکور به او رسید متوجه شد و نتوانسته از سد کنکور بگذرد و وارد دانشگاه شود. با این شکست پسر من به یکباره دگرگون شد. او نه تنها نماز و روزه‌اش را کنار گذاشت، بلکه چوب حراج به اعتقادات پاکش زد و آنها را از دست داد. او می‌گوید: «اگر خدا، خدا بود چنین سرنوشتی متوجه من نمی‌شد!» هر کاری کردیم که او را دلداری دهیم نشد که نشد! این مادر در میان کلامش به نکته‌ی قابل تأملی اشاره کرد. او گفت: «نمی‌دانم چه کنم! ما تا به حال هر کاری که فرزندان می‌خواستند برایشان انجام می‌دادیم و اجازه نمی‌دادیم غبار سختی بر چهره‌اش بنشیند. حالا مانده‌ام که این پسر چرا به این روز افتاد!»

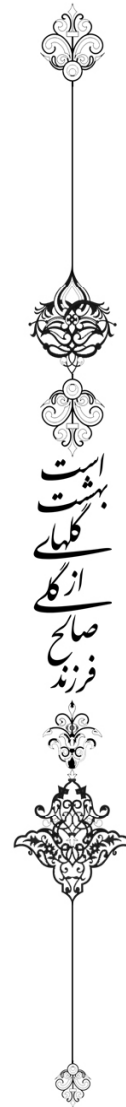
در واقع علت مشکل این پسر خود والدین بودند. این پدر و مادر اجازه ندادند پسرشان مشکلات و سختی‌های روزگار را تحمل کند و بتواند از عهده‌ی آنها برآید. روی همین اساس در مواجهه با اولین



مشکل زندگی که دیگر کاری از والدین ساخته نبود، روحیه‌ی خود را از دست داده و به این روز افتاد.

#### ۴. ناکامی در زندگی:

چنین کودکانی در تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی از جمله ازدواج هم دچار مشکل خواهند شد. اگر چشمشان به کسی بیفتد و به او علاقمند شوند، پاهای خود را داخل یک کفش می‌کنند که حتما باید به او ازدواج کنند و حتی حاضر نیستند به حرف کسی گوش بدهند. وقتی هم احساس کردند با همسرشان مشکل دارند، اولین گزینه‌ای که به نظر مبارکشان می‌رسد طلاق و جدایی است! او گمان می‌کند که انتخاب همسر، همانند خرید عروسک و ماشین است که وقتی خواست بلافاصله برایش فراهم شود و وقتی با مشکل مواجه شد آن را دور بیندازد و یکی دیگر انتخاب نماید!



#### آیا باید کودک خود را در معرض گناه قرار دهیم!؟

عده‌ای بر این باورند که علت آلوده شدن بچه‌ها به گناه و فساد این است که در دوران کودکی در معرض این گناهها نبوده و اکنون که به سن بلوغ رسیده‌اند حریصانه به دام گناه و آلودگی می‌افتند. به همین دلیل نسخه‌ی عجیب و غریبی برای کودکان خود می‌پیچند. آنها می‌گویند کودکان خود را در معرض گناه و فساد قرار دهید تا خودشان بفهمند این کارها زشت است و نباید آنها را انجام دهند. این افراد می‌گویند اجازه بدهید کودکان در مجالس رقص و آواز شرکت کنند و فیلم‌های آنچنانی ببینند. وقتی این صحنه‌ها را در کودکی دیدند، در واقع چشم و دلشان سیر شده و با رسیدن به سن بلوغ، دیگر هیچجانی برای رسیدن به این فسادها نداشته و خود به خود از گناه به دور می‌افتند.

دوران کودکی، دوران آموزش معارف دینی به کودکان است. در این دوران، کودکان ما فطرتی پاک و گوشه شنوا دارند. از دیگر ویژگی‌های این دوران آن است که شهوت و میل جنسی به معنای خاص ندارند و با آرامش بیشتری می‌توانند راه تقوای الهی را پیدا کنند. حال اگر در تربیت دینی او کوتاهی کرده و او را در معرض این گناهها قرار دهیم، چگونه ممکن است با رسیدن به سن نوجوانی و



جوانی که قوای شهوانی آنها فعال شده و در تصمیم‌گیری خود هم تا حدودی مستقل شده‌اند، این کارها را ترک کرده و به سوی عبودیت خداوند قدم بردارد؟!

آیا هیچ عاقلی را پیدا می‌کنید که کودک خود را در معرض انواع میکروب‌ها و ویروس‌ها قرار دهد و بگوید بگذارید خودش انتخاب کند که رعایت بهداشت خوب است؟!

آیا هیچ عاقلی پیدا می‌شود که فرزندش را سر چاه قرار دهد و بگوید بگذار خودش بفهمد که افتادن در چاه خطرناک است؟!

همین والدینی که در مورد دین کودکان خود این‌گونه رفتار می‌کنند، در بسیاری از کارهای دیگر فرزندشان را محدود کرده و اگر اشتباهی انجام دادند به آنها تذکر می‌دهند.

اگر حرف رکیکی زد، بلافاصله به او تذکر می‌دهند.

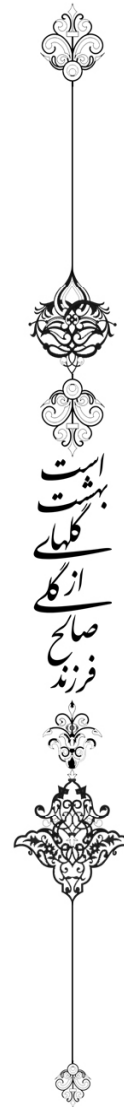
اگر آداب معاشرت را رعایت نکرد، او را آگاه می‌سازند.

اگر نسبت به خودشان بی‌احترامی کرد، در مقابل رفتار او جبهه‌گیری می‌کنند.

این تعارض در رفتار، حاکی از آن است که علت اصلی برای پیچیدن این نوع نسخه‌ها چیزی نیست جز بی‌اعتنایی نسبت به فرامین الهی و تقوای فرزندانشان!

همه‌ی رفتارشناس‌ها بر این باورند که در همان دوران کودکی شخصیت کودکان شکل گرفته و هر چه می‌بینند و می‌شنوند همانند

نقشی که بر روی سنگ حک می‌شود، تا آخر عمر همراهشان خواهد بود. روی همین اساس در دین مبین اسلام آمده است که وقتی فرزندان به دنیا آمد در گوش راستش اذان بگویید و در گوش چپش اقامه. همچنین می‌فرمایند: «اگر پدر و مادر در حضور نوزاد خود عمل زناشویی انجام دهند و نوزاد آنها را ببیند یا این‌که صدایشان را بشنود، رسیدن به رستگاری برای او مشکل‌تر خواهد شد.»<sup>۱</sup>





## امر و نهی

امر و نهی لازمه‌ی تربیت است و بدون در نظر گرفتن آن نمی‌توان حلقه‌ی تربیتی کودک را کامل دید. البته توجه داشته باشیم که افراط و تفریط در امر و نهی، موجب بروز مشکلات فراوانی در کار تربیتی فرزندان ما خواهد شد.

**زیاده‌روی در امر و نهی:** اگر در امر و نهی زیاده‌روی کنیم ممکن است فرزندانمان دچار خودکم‌بینی شده و اعتماد به نفس خود را از دست بدهند. چنین بچه‌هایی جرأت بروز دادن خلاقیت خود را نداشته و دوست دارند به جای آنکه روی پای خود بایستند، دنباله‌رو و تابع دیگران باشند. همچنین با زیاده‌روی در امر و نهی ممکن است کودک به ستوه آمده و والدین خود را موجوداتی آزاردهنده و بی‌منطق ببینند. در چنین شرایطی ممکن است کودک از اطاعت والدین خود شانه خالی کند و مقابلشان بایستند.

### ضرورت توجه به دو نکته:

#### ۱. سلب نکردن آزادی از کودکان:

نباید نسبت به همه‌ی رفتارهای فرزندانمان حساس باشیم. باید بگذارید بچه‌ها قدری آزاد باشند و آزادانه به بازی و فعالیت‌های

دیگر خود پردازند. به هر حال وقتی کودک بازی می‌کند، ممکن است اتاق خود را نامرتب نماید و حتی ممکن است تا حدی لباس خود را هم کثیف کند. در این صورت اگر بخواهیم مدام بالای سر بچه‌ها بایستیم و امر و نهی‌شان کنیم، هم لذت بازی را از آنها گرفته‌ایم، و هم آنها را آماده‌ی قیام علیه خود نموده‌ایم. بهترین راه‌کار این است که بگذاریم بازی کنند؛ اما بعد از بازی به آنها آموزش دهیم اطاقشان را مرتب کنند.

#### ۲. استفادی حداقلی از امر و نهی:

جهت استفاده نکردن از امر و نهی بی‌مورد، می‌توانیم از روش‌های جایگزین استفاده کنیم.

- به جای آن که به فرزندمان بگوییم: «اطاقت را مرتب کن!» بهتر است بگوییم: «عزیزم! بهتر نیست اطاعت را مرتب کنی!» با این روش هم به او گوشزد کرده‌ایم تا وظایفش را انجام دهد، هم آمرانه با او صحبت نکرده‌ایم و هم شخصیتش را مورد تکریم قرار داده‌ایم.
- یکی دیگر از روش‌های جایگزین، ورود به دنیای بازی کودکان است. هنگام بازی با کودک می‌توانیم وظایف کودکانمان را به اسباب بازی‌های او گوشزد کنیم و با امر و نهی کردن عروسکش به او یاد دهیم که باید به وظایف خود عمل کند.



مثلا به عروسکش بگوییم: «اطاقت را مرتب کردی؟ یک عروسک خوب باید اطاق مرتبی داشته باشد.» وقتی کودک ما چنین صحبت‌هایی را می‌شنود می‌آموزد که باید به وظایف خود عمل کرده و در انجام آنها کوتاهی نکند.

• روش دیگر این است که با فرزندانمان برای انجام مسئولیت‌ها مسابقه بگذاریم. مثلا به جای آن‌که بگوییم: «اطاقت را مرتب کن!» بگوییم: «یک مسابقه! بینم کدام یکی از ما اطاقمان را زودتر و بهتر مرتب می‌کنیم؟» بعد شما به اطاق خودتان بروید و فرزند شما هم به اطاق خود می‌رود تا در مسابقه برنده شود. با این روش نه تنها به فرزندمان آموخته‌ایم که به وظایفش عمل کند؛ بلکه انجام مسئولیت را هم برای او شیرین کرده‌ایم.

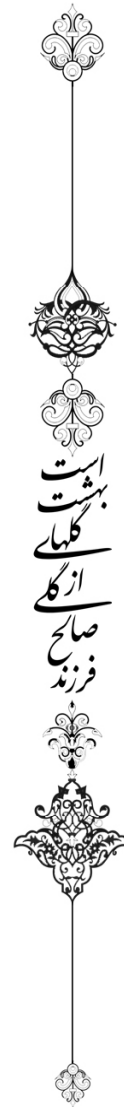
### کوتاهی در امر و نهی:

کوتاهی در امر و نهی کودک هم موجب می‌شود تا بچه‌ها از تعادل رفتاری خارج شده و بدون این که والدین را ناظر بر رفتار خود ببینند دست به هر کاری بزنند و از انجام برخی از کارهای واجب خود غفلت نمایند. همچنین موجب می‌شود تا کودکانمان بد عادت شده و گمان کنند والدین حق هیچ‌گونه اظهار نظری در مورد رفتار آنها را نخواهند داشت. در چنین صورتی وقتی والدین بخواهند در مقابل اشتباهات رفتاری فرزندانشان واکنش نشان دهند و به آنها

تذکر دهند، فرزندان رو در روی آنها ایستاده و به گمان این که والدین پا را از گلیم خود فراتر گذاشته و آزادی آنها را زیر سؤال برده‌اند، با آنها برخورد خواهند کرد!

مادری می‌گفت: پسری دارم که تازه از سربازی آمده است. به پدر پیرش پیله کرده که باید برایم پژو ۲۰۶ بخری! در حالی که ما زندگی متوسطی داریم و پدرش حتی نتوانسته برای خانواده‌ی خود وسیله‌ی نقلیه بخرد. هر چیزی هم می‌خواهد آنقدر پیله می‌کند تا به خواسته‌اش برسد. وقتی در برابر خواسته‌های زیاد طلبانه‌اش مقاومت می‌کنم هر چیزی در اطرافش هست می‌شکند و از خانه بیرون می‌زند. خلاصه مانده‌ام که با او چه کار کنم؟ برادر کوچکش هم که پانزده سال بیشتر ندارد، قدم در جاپای او گذاشته و همانند او رفتار می‌کند. وقتی این خانم ماجرای زندگی خود را بیان می‌کرد به دنبال علت مشکل بودم. لذا در میان سؤالات خود پرسیدم: «پدر در مقابل این رفتار فرزندانش چه واکنشی نشان می‌دهد؟»

او گفت: از همان اوّل هیچ کاری با بچه‌ها نداشت و می‌گفت: نباید بچه را امر و نهی کرد. باید بگذارم خودش متوجه شود!



## مسئولیت‌پذیری

سرتاسر زندگی ما آمیخته با مسئولیت‌هایی است که در قبال پروردگار عالم و دیگران داریم. فرزندان ما باید بیاموزند در زندگی خود مسئولیت‌پذیر باشند تا از عهده‌ی این مسئولیت‌ها به در آیند. اگر ما در تربیت فرزندانمان کوتاهی کنیم و آنها را مسئولیت‌پذیر بار نیاوریم، کودکانمان در آینده نه می‌توانند وظیفه‌ی بندگی خود را انجام دهند، و نه می‌توانند به دیگر وظایف فردی، خانوادگی و اجتماعی خود عمل کنند.

### چند نکته

#### ۱. محبت بی‌جا، مانع حسّ مسئولیت‌پذیری

اگر در محبت به فرزندانمان زیاده‌روی کرده و اجازه ندهیم روی پای خود بایستند، به حسّ مسئولیت‌پذیری در آنها لطمه‌ی شدیدی وارد کرده‌ایم. پرنده‌ای که به صورت غریزی مسئولیت پرورش جوجه‌ی خود را به عهده می‌گیرد، تمام توان خود را به کار می‌گیرد تا از آنها مراقبت کامل داشته باشد. این پدر و مادر مهربان که تمام وقت خود را صرف غذا دادن به جوجه‌های خود می‌نمایند، وقتی احساس می‌کنند وقت آن رسیده که آنها مستقل باشند و روی پای

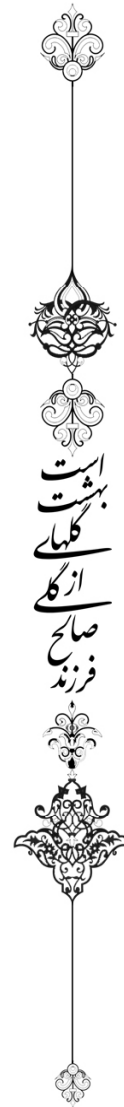
خود بایستند، آنها را از آشیانه به بیرون انداخته تا پرواز کنند و خود در جستجوی غذا برآیند. برخی از والدین تا این حد هم بیش صحیحی در مورد فرزندانشان ندارند و بر این گمانند که کودکانشان تا آخر عمر باید وابسته بمانند.

#### ۲. واگذاری مسئولیت به کودکان

ما باید به تدریج و با در نظر گرفتن توانمندی فرزندانمان، کارهایشان را به خودشان واگذار کنیم. پوشیدن لباس و جوراب، مرتب کردن کمد، جمع‌آوری وسایل شخصی و اسباب‌بازی‌ها از کارهایی هستند که باید به فرزندانمان بیاموزیم و به تدریج به آنها واگذار نماییم. البته توجه کنیم مسئولیت‌هایی که انجام آن دقت خاصی می‌طلبد، به یکباره به فرزندانمان نسپاریم. چون ممکن است کودکان ما گمان کنند آنها را دوست نداریم و این کار به خاطر بی‌توجهی به آنها است. مسئولیت‌هایی که به فرزندانمان می‌سپاریم باید متناسب با رشد شناختی، اجتماعی، روانی و معنوی کودکانمان باشند.

#### ۳. کمک گرفتن از کودک در کارهای خانه

شایسته است که - هر چند به صورت تصنعی - به کودکانمان اجازه دهیم تا در انجام برخی از کارهای خانه سهیم شوند. به عنوان مثال وقتی بار سنگینی برمی‌دایم از کودک خود بخواهیم که دست



خود را به بار بگیرد و وانمود کنیم که او هم در انجام کار سهم خوبی داشته است. با این کار علاوه بر آن که به او شخصیت و احساس ارزشمندی داده‌ایم، به او آموخته‌ایم تا در آینده نسبت به کارهای خانه، فردی مسئولیت‌پذیر باشد.

#### ۴. نظارت بر حسن انجام مسئولیت

وقتی کاری را به فرزندانمان سپردیم، بر حسن انجام آن نظارت داشته باشیم تا آن را به بهترین وجه ممکن انجام دهد. اگر کودکانمان، ما را ناظر بر انجام وظایف خود نبینند، ممکن است در انجام آنها کوتاهی کرده و عادت کنند مسئولیت‌های خود را به صورت ناقص انجام دهند همچنین اگر فرزندانمان در انجام وظایفشان کوتاهی کردند، به آنها تذکر دهیم و اجازه ندهیم دوباره چنین کاری انجام دهند.

#### ۵. عادت ندادن کودک به گرفتن پاداش

دقت داشته باشیم که برای انجام مسئولیت‌های فرزندانمان به صورت مکرر به آنها پاداش ندهیم. اگر چنین کاری انجام دهیم کودکان ما به جای عادت به مسئولیت‌پذیری، مشتاق گرفتن پاداش می‌شوند. به عبارت دیگر، استفاده از پاداش‌های کلامی و گاه غیرکلامی اشکالی ندارد، منتهی نباید تشویق‌ها پی‌درپی و یکنواخت صورت گیرد؛ چرا که در این صورت، انگیزه‌های درونی کودک

خاموش شده و به جای تقویت حس مسئولیت‌پذیری، به باج‌گیری خو پیدا خواهد کرد.

#### ۶. تشویق کودک برای جبران کارهای ناقص

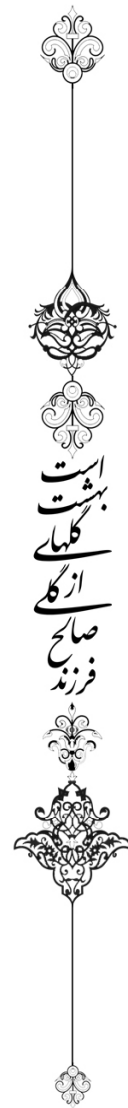
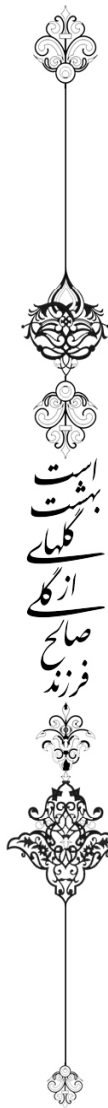
وقتی فرزندانمان مسئولیت خود را به صورت کامل انجام ندادند، از خودشان بخواهیم کارشان را تکمیل کنند و هرگز به جای آن‌ها کارشان را به اتمام نرسانیم.

#### ۷. اقدام به موقع در واگذاری مسئولیت به کودک

برخی از والدین با اذعان به واگذاری مسئولیت به فرزندانشان، خیلی دیر اقدام به این کار می‌کنند. آنها با این توجیه که فرزندشان هنوز آمادگی انجام مسئولیت‌های خود را ندارد، همچنان کارهایش را انجام می‌دهند. توجه داشته باشیم که اگر طریقه‌ی پوشیدن لباس را در شش سالگی به فرزندانمان نیاموزیم، آموختن این کار در نه سالگی هیچ فایده‌ای نخواهد داشت و نمی‌تواند او را به سوی مسئولیت‌پذیری سوق دهد. اگر مرتب‌کردن وسایل شخصی را از همان زمان طفولیت که گوش به فرمان ما است به او نیاموزیم، دیگر نمی‌توانیم به راحتی او را قانع به انجام مسئولیت‌هایش نماییم.

#### ۸. آشنا کردن کودک با مسئولیت‌های اصلی خود

هر یک از زن و شوهر در قبال خانه و خانواده‌ی خود مسئولیت دارند و باید مسئولیت خود را به بهترین وجه ممکن ایفا کنند. وقتی



حضرت علی علیه السلام با حضرت زهرا علیها السلام ازدواج کرد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این مسئولیت‌ها را بین آنها تقسیم کردند.

در این تقسیم‌بندی کارهای بیرون از منزل را به دامادشان و کارهای داخل خانه را به دخترشان سپردند. ما هم باید فرزندانمان را به گونه‌ای تربیت کنیم که با مسئولیت‌های اصلی خود آشنا باشند و بتوانند به نحو شایسته آن را انجام دهند. به همین دلیل فرزندان خود را متوجه وظیفه‌ی اصلی خود کرده و آنها را طوری تربیت کنیم که آمادگی لازم برای انجام این وظایف را داشته باشند. به تدریج کودکانمان را با مسئولیت‌هایی که در آینده با آن مواجه می‌شوند آشنا کنیم تا هنگام برخورد با این مسئولیت‌ها با آن بیگانه نباشند. به گونه‌ای با فرزندانمان را آموزش دهیم که دخترهای ما قبل از ازدواج کدبانویی با تجربه برای خانه باشند و پسرهای ما هم بتوانند از عهده‌ی کارهای بیرون از خانه برآیند.

## ۹. مسئولیت‌پذیر بودن والدین

یکی از مهم‌ترین روش‌های مسئولیت‌آموزی به کودکان، یادگیری مشاهده‌ای و الگویی از والدین است. بنابراین، والدینی که خود در انجام مسئولیت‌هایشان سستی می‌ورزند توفیق چندانی در مسئولیت‌پذیر کردن کودکان خود نخواهند داشت.

## ۱۰. الگودهی صحیح به کودکان

همان‌گونه که گفته شد فرزندان ما در مسئولیت‌هایی که در زندگی آینده‌ی خود به عهده می‌گیرند تا حد زیادی والدین را الگوی رفتاری خود قرار می‌دهند. از طرفی در برخی از خانواده‌ها بنا بر دلیل خاصی جای مسئولیت‌های زن و مرد عوض شده یا این که زن و مرد در حوزه‌ی مسئولیت‌های یکدیگر ورود پیدا کرده‌اند.

به عنوان مثال در خانه‌ای که مادر در کنار پدر کار می‌کند، طبیعی است که پدر هم متقابلاً نیمی از کارهای خانه را انجام دهد. یا در خانه‌ای که پدر فوت کرده یا قدرت کار کردن ندارد، ممکن است مادر مجبور باشد علاوه بر انجام وظیفه‌ی مادری، کارهای بیرون از خانه را هم به عهده گیرد. وقتی فرزندان ما در چنین خانه‌ای رشد کنند، ممکن است تصور کنند این وظیفه‌ی همسرشان است که همه‌ی این کارها را انجام دهد. چنین تصویری می‌تواند زمینه‌ی اختلافات خانوادگی و ظلم به همسر را فراهم آورد.

روی همین اساس ضرورت دارد چنین والدینی فرزندانمان را کاملاً توجیه کرده و وظایف عرفی و طبیعی را به آنها یادآور شوند و حتی به مرور از آنها بخواهند تا برخی از آن وظایف را انجام دهند.<sup>۱</sup>

۱. تذکر: درست است که هر یک از زن و مرد وظایفی دارند؛ اما این مطلب بدان معنا نیست که اعتنایی به وظیفه‌ی طرف مقابل نداشته باشد و با او همکاری نداشته باشد. لذا وقتی مرد وارد خانه می‌شود، پسندیده است تا حد امکان کمک‌کار همسر خود بوده و در انجام وظایف منزل، او را یاری رساند. جهت کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه مطالعه‌ی کتاب «آیین همسرداری» نوشته‌ی آیت‌الله ابراهیم امینی توصیه می‌شود.



## نماز

پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند:

«نماز، ستون دین است.»<sup>۱</sup>

با توجه به این روایت، جایگاه نماز در میان سایر اعمال واجب کاملاً روشن است. از این روایت معلوم می‌شود که اگر کسی اهل نماز نبوده و یا کاهل نماز باشد، در واقع ستون دینش دچار تزلزل شده و خیمه‌ی دینش فرو می‌ریزد. به همین دلیل است که در روز قیامت و هنگام بررسی اعمال، ابتدا از نمازش می‌پرسند تا اگر نمازش قبول شد، مابقی اعمال خوبش را هم ملاحظه کنند؛ اما اگر قبول نشد دیگر نیازی به بررسی دیگر اعمال صالحش نبینند؛ چرا که شخص بی‌نماز ایمان ندارد و عمل بدون ایمان، همانند لامپ بدون برق است که نورانیت و فایده‌ای ندارد. همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام هم در باب اهمیت نماز فرمودند:

«نماز، دژی محکم در برابر یورش‌های شیطان است.»<sup>۲</sup>

با این مقدمه‌ی کوتاه روشن شد که نماز تا چه اندازه در زندگی ما و فرزندانمان مؤثر است و اگر فرزندان ما نسبت به نماز بی‌اعتنا

باشند، در واقع نه تنها سلاخی در برابر هجوم شیطان ندارند، بلکه در آخرت هم از زیان‌کاران خواهند بود. حال جای هیچ‌گونه تردیدی باقی نمی‌ماند که اگر در مورد تحصیلات و آداب اجتماعی فرزندانمان حساسیت داریم، به طریق اولی باید در مورد نماز ایشان حساس بوده و به دنبال راه‌کاری مناسب برای محبوب کردن نماز در دل و جان فرزندانمان باشیم.

یکی از اشتباهاتی که والدین عزیز در مورد نماز فرزندانمان مرتکب می‌شوند این است که گمان می‌کنند تا فرزندانمان به سن تکلیف نرسیده‌اند لازم نیست حساسیتی در مورد نماز آنها داشته باشند. حتی برخی از آنها به غلط بر این باورند که تشویق کودکان به نماز نه تنها مفید نیست، بلکه موجب دل‌سردی آنها هم می‌شود!

این نوع نگرش به نماز، فوق‌العاده خطرناک است؛ چرا که وقتی فرزندانمان با نماز بزرگ نشدند و از همان دوران کودکی با آن انس نگرفتند، ممکن است در اوایل بلوغ به عنوان تکلیفی سخت و مشقت‌بار به آن بنگرند و مدام در پی آن باشند که یا با شتاب نمازشان را بخوانند و یا آن را رها کرده و پشت گوش اندازند. به عبارت دیگر شاکله‌ی رفتاری فرزندان ما در همان دوران کودکی شکل می‌گیرد. به همین دلیل باید نماز را که از مهم‌ترین اعمال واجب است در همان دوران به آنها بیاموزیم و آنها را به خواندنش تشویق کنیم تا با این فریضه‌ی الهی بزرگ شوند و هنگام تکلیف با

۱. مستدرک الوسائل، جلد ۷، صفحه ۱۶.

۲. «الصلاة حصن من سطوات الشيطان.» غررالحکم، حدیث ۳۳۴۳.

آن بیگانه نباشند.

پس همه‌ی ما وظیفه داریم از همان دوران کودکی، به فکر نماز فرزندانمان باشیم و برنامه‌ای برای مأنوس کردن آنها به نماز پی‌ریزی نماییم.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«از سن هفت سالگی، فرزندانان را به نماز عادت دهید.»<sup>۱</sup>



## راه کارهای عملی در تشویق کودکان به نماز

### گام اول - توجه والدین به نماز

برای ترغیب کودکان به نماز، باید خودمان توجه داشته باشیم که نماز در رأس اعمال واجب قرار دارد و آن را در اولویت کارهای خود قرار دهیم. والدینی که توفیق چندانی در اقامه‌ی نماز ندارند و آن را در اولویت کاری خود قرار نمی‌دهند، نمی‌توانند مربی فرزندان باشند که باید نماز را در سرلوحه‌ی اعمال خود قرار داده و با نماز زندگی کنند.

### گام دوم - دوست داشتن کودک

اگر در زندگی خود کسی را دوست داشته باشیم، ممکن است به خاطر او به همه‌ی چیزهایی که به نحوی با او ارتباط دارد علاقمند شویم؛ و نیز اگر از کسی متنفر و منزجر باشیم، امکان دارد به خاطر تنفری که از او داریم، از هر چیز دیگری که ما را به یاد او می‌اندازد متنفر شویم.

اگر با رفتارهای نادرست خود، کودکانمان را از خود منزجر کنیم، ممکن است آنها از همه‌ی کارهای ما و از آن جمله نماز و عبادت‌مان متنفر شده و از آنها دوری کند. کما این که اگر آنها را دوست داشته باشیم و به آنها محبت کنیم، آنها هم با میل و اشتیاق

۱. «مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ.» مستدرک الوسائل، جلد ۱۴، صفحه ۲۸۸.

بیشتری به تقلید از کارهای ما بر می آیند و سعی می کنند همانند ما رفتار کرده و به نماز و عبادت نزدیک تر شوند. پس، کودکانمان را دوست داشته باشیم و به آنها محبت کنیم. در این صورت آنها هم وقتی نماز را به عنوان یک ارزش و یک اولویت در زندگی ما ببینند، دوست دارند همانند ما نماز بخوانند و با خداوند انس بگیرند.

### گام سوم - تقویت حسّ مسؤولیت پذیری

علت کوتاهی برخی از جوانان و نوجوانان ما در نماز، فرا نگرفتن حسّ مسؤولیت پذیری و عادت به فرار از مسؤولیت در دوران کودکی است.<sup>۱</sup> بنابراین، شایسته است که همواره مسؤولیت هایی به عهده ی کودکانمان بگذاریم تا از همان دوران کودکی بیاموزند مسؤولیتی دارند و باید مسؤولیتهای خود را با دقت انجام دهند.

### گام چهارم - تقویت عشق و علاقه ی درونی کودک نسبت به نماز

آنچه که بیش از نماز خواندن کودکان خردسال ما اهمیت دارد، تقویت عشق و علاقه ی آنها به نماز است. بنابراین، باید به گونه ای رفتار کنیم که پیوسته شیرینی نماز در کام آنها بماند و نباید با افراط و زیاده روی خود، باعث شویم که به نماز به عنوان کاری سخت و

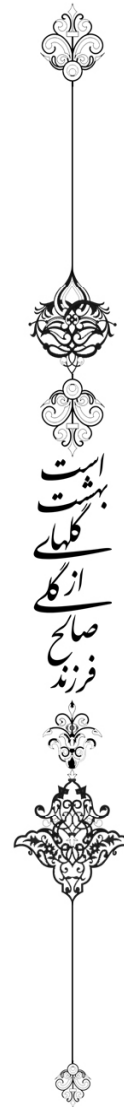
۱. در مشاوره های اخلاقی، که برخی از والدین از بی نمازی فرزندانشان و تبلی آنها در خواندن نماز گلایه دارند، متوجه می شویم که مهم ترین علت کوتاهی فرزندانشان در نماز، کوتاهی والدین در تقویت نکردن حسّ مسؤولیت پذیری آنها است.

طاقت فرسا نگاه کنند. مخصوصاً والدینی که موفق به خواندن نمازهای نافله هستند باید مراقب باشند که فرزندشان پا به پای آنها همه ی نمازهای واجب و نافله را نخواند و بیش از اندازه خود را به زحمت نیندازد.<sup>۱</sup>

### گام پنجم - دور کردن فشارهای روانی از کودک

در این گام باید به این اصل مهم پایبند باشیم که نماز نخواندن کودک خردسال ما کاری زشت نیست، چرا که هنوز به سنّ تکلیف نرسیده است؛ اما نماز خواندنش کاری بسیار زیبا و قابل تحسین است. بدین معنا که اگر کودک ما به خاطر شیطنتهای کودکانه گاهی نماز نخواند به او با دید منفی نگاه نکنیم؛ اما وقتی که نماز خواند محبت خود را در حق او بیشتر کنیم. ثمره ی توجه به این اصل آن است که کودک ما برای نماز خواندن، خود را در معرض فشارهای روانی نخواهد دید، لذا با اختیار و اشتیاق به سوی نماز گام برمی دارد.

۱. روزی دختر خانمی به مرکز مشاوره مراجعه کرد و گفت: «پدرم سخت گیری زیادی در مورد نماز ما دارد. این پدر، هر روز صبح بالای سر ما می ایستد و سعی می کند با فحش و ناسزا هم که شده ما را برای نماز صبح بیدار کند! سخت گیری های پدر باعث شده که من و برادرم به کلی از نماز متنفر شویم. تا جایی که نمازهای دیگر خود را تا حد امکان نمی خوانیم و اگر روزی پدر به مسافرت برود، آن شب را با خیال راحت می خوابیم و نماز صبح هم نمی خوانیم.» این دختر خانم با اذعان به این که نماز وظیفه ی دینی، و ستون دین است می گفت: «از روی لجاجت هم شده دوست ندارم نماز بخوانم.»





### گام ششم - تشویق کودک برای شکوفا کردن انگیزه‌های درونی<sup>۱</sup>

کودکانمان را در این مسیر همواره تشویق کنیم. این تشویق‌ها باید به گونه‌ای باشند که اشتیاق درونی کودک را روز به روز به نماز بیشتر کند تا با خواندن نماز احساس غرور و عزت نفس کند. تشویق کودکمان به نماز باید در جهت شکوفا کردن انگیزه‌های درونی آن‌ها باشد. بدین معنا که آن‌ها را به خاطر نمازشان تکریم کرده و ارزش کارشان را به آن‌ها گوشزد کنیم و به آن‌ها بگوییم: «نماز، تشکر از خدا بوده و نشانه‌ی بندگی ما محسوب می‌شود.»

همچنین کودکانمان را به خاطر انجام این فریضه‌ی الهی ببوسیم و برخی اوقات از کار خوبشان نزد دیگران تعریف کنیم. در این تشویق‌ها باید در انتخاب کم و کیف آن، ظرفیت کودکمان را در نظر بگیریم تا با تشویق‌های بیش از اندازه آستانه‌ی رضایت‌مندی او را بالا نبریم. همچنین مراقب باشیم که این نوع تشویق‌ها - مخصوصاً هدیه دادن و زیاد کردن پول تو جیبی - با فواصل زمانی زیاد و به صورت غیر منظم صورت گیرد، تا موجب شرطی شدن او نشود. از تشویق‌هایی که تاکنون از آن نام برده شد در اصطلاح به

۱. توجه: «تشویق کودک» باید همانند عناوین دیگر به صورت مستقل مطرح می‌شود؛ اما از باب اهمیت موضوع نماز و مصداقی شدن مطالب آن، موضوع «تشویق کودک» در ذیل عنوان «نماز» مطرح گردید. لذا مسائلی که در این قسمت مطرح می‌شود مختص به موضوع نماز نبوده و شامل همه‌ی تشویق‌هایی می‌شود که در حق کودک خود داریم.

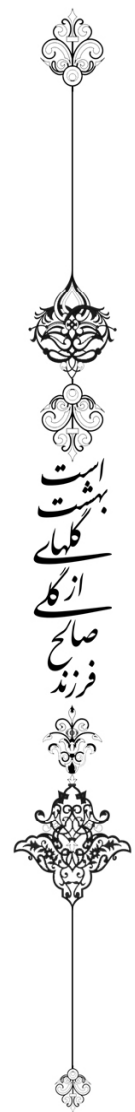
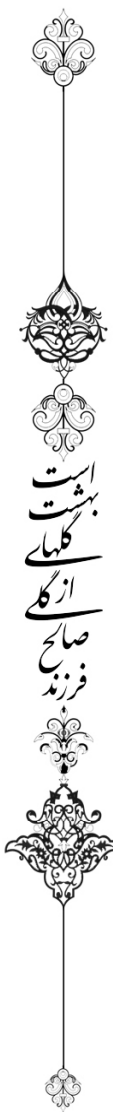
«تشویق‌های بیرونی» یاد می‌شوند. این تشویق‌ها باید به گونه‌ای باشند که کودک را به سوی تشویق‌های درونی و احساس لذت درونی سوق دهند.<sup>۱</sup>

### گام هفتم - آشنا کردن کودک با فلسفه‌ی نماز

با در نظر گرفتن مقتضای سنّی کودکانمان، فلسفه و هدف از نماز را به آنها توضیح دهیم. استفاده از «شیوه‌های مستقیم» در تشویق کودک اشکالی ندارد؛ اما استفاده از «شیوه‌های غیر مستقیم» در آموزش فلسفه‌ی نماز می‌تواند کارایی بیشتری داشته باشد.

به کودکانمان بگوییم که خداوند چه نعمت‌هایی به ما عطا فرموده و نیز به آنها بیاموزیم که در برابر هر هدیه‌دهنده‌ای زبان به تشکر باز کنند و با بی‌تفاوتی از کنار کار آنها نگذرند. به عنوان مثال از او

۱. تشویق‌ها به دو دسته‌ی «تشویق‌های درونی» و «تشویق‌های بیرونی» تقسیم می‌شوند. اگر تشویق به گونه‌ای باشد که از بیرون برای شخص ایجاد انگیزه شود، به آن تشویق بیرونی می‌گویند و اگر به گونه‌ای باشد که از درون ایجاد انگیزه شود، به آن تشویق درونی گویند. «خرید جایزه»، «افزودن بر مبلغ پول تو جیبی»، «تعریف از شخص در نزد دیگران» و «اظهار محبت»، همگی از مصادیق تشویق‌های بیرونی هستند؛ اما «حسن پرستش»، «حسن زیبایی دوستی»، «شکر مُنعم» و «میل به پیشرفت» از نمونه‌های تشویق‌های درونی به شمار می‌آیند. بهترین کاری که یک مربی می‌تواند انجام دهد این است که سعی کند انگیزه‌های درونی شاگرد خود را شکوفا نماید و چنانچه از تشویق‌های درونی هم استفاده می‌کند، هدفش رسیدن شاگرد به تشویق‌های درونی است. استفاده‌ی گسترده و بی‌هدف از «تشویق‌های بیرونی» بدترین خیانت در حق کودک بوده و موجب می‌شود تا فرصت شکوفایی «انگیزه‌های درونی» از او گرفته شود.



بخواهیم چند مورد از نعمت‌های خداوند را بشمارد. وقتی این کار را کرد نعمت چشم را به او گوشزد کنیم. بدین صورت که چشمانش را ببندیم و به او بگوییم برخی از کارها را با چشم بسته انجام دهد. اسباب بازی‌هایش را سر جای خودش بگذارد. اتاق را مرتب کند. نقاشی بکشد و برخی کارهای دیگر. در این لحظات است که کودک ما آهسته، آهسته قدر چشم و میزان ارزش آن را بهتر می‌داند و می‌داند که چیزی جای چشم را نمی‌گیرد.

در این صورت به فرزندمان می‌گوییم: عزیزم! فقط یکی از نعمت‌های خداوند همین چشم است که فوق‌العاده ارزش داشته و قابل قیمت‌گذاری نیست. آیا شایسته نیست که با نماز از این خدای بزرگ و مهربان تشکر کنیم؟ به نظر شما کسانی که این همه نعمت را می‌گیرند و حاضر نیستند نماز بخوانند چگونه انسان‌هایی هستند؟

### گام هشتم - همکاری اعضای خانواده در اقامه نماز

نماز جماعت خانوادگی علاوه بر آن که یاد نماز را در کانون خانواده زنده نگاه داشته و در مقایسه با نماز فرادی ثواب فراوانی دارد، یکی از بهترین کارها در تحکیم روحیه معنوی خانواده هم می‌باشد. کار گروهی موجب می‌شود تا سختی کار کمتر شده و جای خود را با شیرینی و حلاوت آن عوض کند. بچه‌ها هم با مشاهده

این کار رغبت بیشتری به نماز نشان داده و با علاقه‌ی بیشتری به این کار روی آوردند.<sup>۱</sup>

### راه کاری عملی برای نماز صبح

نماز صبح مهم‌ترین دغدغه برای والدین و نیز کودکان تازه به تکلیف رسیده است. برخی از والدین اهمیتی برای نماز صبح بچه‌ها قائل نمی‌شوند که این کار منجر به نهادینه‌شدن بی‌اهمیتی به نماز در روحیه‌ی کودک می‌شود و نیز برخی دیگر به گونه‌ای کودک خود را برای نماز بیدار می‌کنند که هر شب با دلهره‌ی نماز صبح به خواب می‌رود. در رابطه با نماز صبح کودکان توجه به مراحل ذیل ضروری است:

### گام اول: تمرین قبل از سن تکلیف

قبل از رسیدن کودک به سن تکلیف، او را تشویق کنیم که گاهی

۱. شرکت در نماز جماعت یکی از بهترین راه‌ها برای تشویق کودکان به نماز است. مراقب باشیم که در مسجد احترام و شخصیت کودکان را حفظ کرده و کاری نکنیم که خاطره‌ی بدی از نماز در ذهنشان بماند. درست است که می‌فرمایند: «کودکان را در مسجد راه ندهید.» اما اولاً: منظور هر کودکی نیست؛ بلکه منظور کودکانی هستند که پاکی و نجاست را رعایت نمی‌کنند و نظم مسجد را به هم می‌ریزند. و ثانیاً: وقتی بچه‌ها وارد مسجد می‌شوند اجازه نداریم به آن‌ها بی‌احترامی کنیم. برخورد بد با کودکان منجر می‌شود تا ضمن این که از مسجد متنفر شوند به تبع آن از نماز و ارتباط با خدا هم دوری کنند. در کتاب شریف کافی (جلد ۳، صفحه‌ی ۴۰۹) آمده است که روزی از امام باقر (علیه‌السلام) در مورد بچه‌هایی سؤال شد که در صفوف نماز جماعت قرار می‌گیرند. حضرت فرمودند: «آن‌ها را به صف‌های عقب‌تر نرانید؛ بلکه بزرگتری میان آن‌ها فاصله بیندازد. «لَا تُؤَخِّرُوهُمْ عَنِ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ وَفَرَّقُوا بَيْنَهُمْ.»



اوقات برای نماز صبح بیدار شود و نماز خود را بخواند. در عوض در طول روز هم از کار خوبش قدردانی کنیم و به او بگوییم که خدا تو را بیشتر دوست دارد چون می بیند برای نماز صبح از خواب بیدار شدی و با او صحبت کردی.

### گام دوم: بیان ارزش نماز صبح

نماز صبح در مقایسه با نمازهای دیگر از ارزش خاصی برخوردار است. اولین مزیت نماز صبح این است که در ساعتی از ساعت‌های بهشتی خوانده می‌شود. به کودکانمان بگوییم به نظر شما موقع خواندن نماز صبح - بین الطلوعین - جزء روز است یا جزء شب. کودک قاعدتا جوابی می‌دهد و ما می‌گوییم: هنگام اقامه‌ی نماز صبح نه جزء روز است و نه جزء شب. بلکه از ساعت‌های بهشتی است.<sup>۱</sup> مزیت دیگر نماز صبح: همیشه گروهی از ملائکه‌ی خداوند در روی زمین هستند. نماز ظهر و عصر را ملائکه‌ی روز می‌بینند و نماز مغرب و عشاء را ملائکه‌ی شب. اما نماز صبح در وقتی اقامه می‌شود که ملائکه‌ی شب در حال ترک کردن زمین هستند و ملائکه‌ی روز در حال آمدن به زمین؛ به همین دلیل نماز صبح را هر دو گروه از ملائکه می‌بینند.<sup>۲</sup>

۱. کافی، جلد ۸، صفحه ۱۲۲.

۲. استبصار، جلد ۱، صفحه ۲۷۵، حدیث ۶.

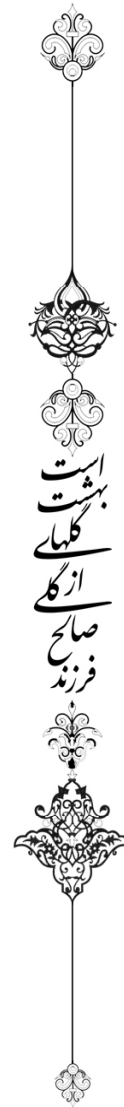
### گام سوم: تنظیم زمان خواب

برنامه‌ی خواب کودک را طوری تنظیم کنیم که تا دیر وقت بیدار نباشد و برای خواب به موقع به رختخواب رود.

### گام چهارم: طریقه‌ی بیدار کردن کودک

هنگام بیدار کردن کودک برای نماز، ظرافت خاصی لازم است. برخی از والدین که از یک سو نماز صبح کودکان دغدغه‌ی مهمی برای آنهاست و از سوی دیگر صبر و حوصله‌ی لازم را برای بیدار کردن کودک ندارند، به گونه‌ای کودک را از خواب بیدار می‌کنند که بیش از هر چیز، خاطره‌ای تلخ از نماز صبح در ذهنش باقی می‌ماند. توجه داشته باشیم که استفاده از الفاظ دستوری و صدای بلند برای بیدار کردن کودک، موجب اضطراب و نگرانی او است. برای بیدار کردن کودک باید از عبارتهای عاطفی و لحنی آرامش‌بخش استفاده کرد. در بعضی مواقع لازم است پدر یا مادر کنار فرزند بنشینند و با نوازش کردن و یا ماساژ دادن به بیداری فرزند خود کمک کنند. ضمناً خوب است در روزهای اول سجاده یا جانماز را برای کودک پهن و آماده نماییم و یا اگر دختر است چادر او را در کنار سجاده آماده کنیم.

یکی از دوستان می‌گفت: ماه‌های اولی که دخترم به سن تکلیف رسیده بود، صبح‌ها بالای سرش می‌رفتم و به آرامی نوازشش می‌



## روزه

روزه عبادتی است که کودکان ما سالی یک ماه با آن مواجه می‌شوند. فضای معنوی ماه مبارک رمضان، آن قدر محسوس است که حتی کودکانمان هم قادر به درک آن هستند. اما علی‌رغم زیبایی ماه مبارک رمضان، برخی از کودکان ما، خاطره‌ی چندان خوشی از این ماه ندارند. حتی بعضی از بزرگترها هم وقتی به خاطرات دوران کودکی خود مراجعه می‌کنند، تصدیق می‌نمایند که در ایام ماه مبارک رمضان، روزهای سختی را پشت سر می‌گذاشتند.

در ماه رمضان همه‌ی اعضای بالغ خانواده مشغول عبادت خود می‌شوند و تا حدّ زیادی از کودکان خود غافل می‌شوند. کودکان ما که تا روز قبل، پدر و مادر را پای سفره‌ی صبحانه و ناهار می‌دیدند، به یکباره خود را تنها می‌بینند و متوجه می‌شوند که باید به تنهایی غذا بخورند. این موضوع امری است که برای آنها ناپسند است. همچنین والدین روزه‌دار، که گرسنه و تشنه هستند، نشاط روزهای گذشته را نداشته، و توان پاسخ‌گویی به همه‌ی نیازهای فرزند خود را ندارند.



کردم. بعد که بیدار می‌شد با مهربانی از او می‌خواستم که برای نماز صبح بلند شود. همچنین جهت تشویق او به بیدار شدن، به خاطر علاقه‌ای که به شربت عسل داشت، از قبل مقداری شربت عسل درست می‌کردم تا بیدار شدن او از خواب شیرین، با شیرینی دیگری همراه شده و تلخی آن از بین برود. دخترم به همین روش از خواب بیدار می‌شد و نماز صبح خود را می‌خواند تا این‌که به تدریج عادت کرد و خود برای نماز صبح بیدار می‌شود.

و اما اگر دیدیم کودک از خواب بیدار نمی‌شود، بیش از اندازه به او فشار نیاوریم و با رفتارهای نادرست او را آزار ندهیم. در عوض تشویقش کنیم که قبل از نماز ظهر، قضای نماز صبحش را بخواند و با تعریف فضایل نماز صبح او را تشویق کنیم تا سعی کند برای نماز صبح روز بعد از خواب بیدار شود.



## راه کار عملی برای تشویق کودک به روزه

روزه عبادتی شیرین، و تقویت‌کننده‌ی روحیه‌ی اعتماد به نفس در انسان است. روزه موجب می‌شود تا اراده‌ی انسان در مواجهه با هوای نفسانی قوی‌تر شده و در برابر شیطان راحت‌تر بایستد. والدین می‌توانند با مهر و محبت، کودک خود را به نحوی در روزه‌ی ماه رمضان شریک کنند تا نه تنها فرزندشان در ماه رمضان احساس تنهایی نکند، بلکه خود را همراه پدر و مادر و دیگر بزرگ‌ترها در این عبادت بزرگ شریک ببیند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«برای روزه‌دار دو نوع شادی و فرح هست. یکی شادی هنگام افطار، و دیگری شادی در هنگام لقای پروردگار.»<sup>۱</sup>

شادی و نشاطی که در هنگام افطار به روزه‌دار وعده داده شده برای او محسوس است. توجه داشته باشیم که می‌توانیم برنامه‌ی روزه‌ی فرزندانمان را طوری تنظیم کنیم که پایان آن در هنگام افطار باشد. فایده‌ی ویژه‌ی این کار آن است که فرزندانمان با اشتیاق در آراستن سفره‌ی افطار همکاری کرده و هنگام اذان مغرب، همانند ما پای سفره‌ی افطار می‌نشینند و افطار خود را در آن لحظات ملکوتی و آسمانی باز می‌کنند.

۱. کافی، جلد ۴، صفحه‌ی ۶۵.

## چند نکته

### ۱. آماده کردن کودک برای گرفتن روزه

یکی دیگر از مهم‌ترین فوائد این روزه آن است که کودکان ما به تدریج آمادگی روزه‌داری را پیدا می‌کنند تا وقتی به سن تکلیف رسیدند، با این عبادت الهی بیگانه نباشند و خود را از برکات آن محروم نکنند.

### ۲. در نظر گرفتن توان جسمی کودک

در مورد کم و کیف روزه، توان جسمی کودک خود را در نظر بگیریم تا صدمه‌ای به سلامتی او وارد نشود و با تحمل گرسنگی طاقت‌فرسا از روزه‌گریزان نشود. بچه‌هایی که سن کمی دارند می‌توانند دو یا سه ساعت به افطار مانده روزه‌ی خود را شروع کنند. بچه‌هایی که توان بیشتری دارند می‌توانند بعد از صرف ناهار روزه بگیرند، و کودکانی هم که توان بالاتری دارند، بعد از میل صبحانه یا احياناً سحری، تا ظهر روزه می‌گیرند و بعد از صرف ناهار دوباره تا افطار روزه‌ی خود را ادامه می‌دهند.

### ۳. همراهی با کودکان هنگام صرف غذا

هنگام صرف صبحانه و ناهار، سعی کنیم کنار فرزندانمان بنشینیم تا غذای خود را با میل و اشتیاق بیشتری صرف کرده و خود را پای سفره‌ی غذا تنها نبینند.



#### ۴. تشویق کودک به روزه

می‌توانیم برای روزه گرفتن فرزندانمان از تشویق‌های درونی و بیرونی ۱ استفاده کنیم. مثلاً می‌توانیم قبل از فرا رسیدن ماه رمضان از ارزش روزه، فوائد و ثواب آن برای کودک خود بگوییم. همچنین می‌توانیم از تشویق‌های بیرونی هم نهایت استفاده را ببریم و با دادن پول و هدیه به فرزندانمان آنها را به گرفتن روزه تشویق نماییم.

توجه داشته باشیم که به علت مقطعی بودن روزه‌ی ماه مبارک رمضان در یک ماه سال، برخی از اشکال‌هایی که برای تشویق‌های بیرونی بیان شده است - مانند شرطی شدن فرزند - در کودکان کم سن و سال ما ایجاد نگردد.

#### ۵. آموختن فلسفه‌ی روزه به کودک

هر چه سن کودک ما بیشتر شد و از نظر عقلی در مرتبه‌ی بالاتری قرار گرفت، به تدریج تشویق‌های بیرونی را کم‌رنگ‌تر کرده و کم‌کم کودک خود را متوجه فلسفه‌ی اصلی روزه که همان رسیدن به تقوی و اطاعت از دستور الهی است سوق دهیم.

#### ۶. چشاندن شیرینی عبادت در کام کودک

توجه داشته باشیم زمانی در تربیت دینی فرزندانمان موفق هستیم که بتوانیم او را با عبادت مأنوس کنیم. به عبارت دیگر صرف گرفتن

چند روز روزه به خودی خود چندان اهمیتی ندارد؛ بلکه آنچه اهمیت دارد این است که با پرهیز از افراط و تفریط شیرینی عبادت را در کام او بگنجانیم. برای رسیدن به این هدف باید اجازه دهیم خودش تصمیم بگیرد که روزه می‌گیرد یا نه! هر چند که ما باید او را یاری کنیم تا بتواند بهترین تصمیم را بگیرد و در این راه با اقدامات تشویقی به او کمک کنیم.



۱. جهت توضیح بیشتر به بحث «راهکارهای عملی برای تشویق کودکان به نماز» مراجعه فرمایید.

### خمس

هر مسلمانی باید برای خود سال خمسی داشته باشد. حقیقت خمس این است که زمین و آنچه در زمین است از آن حضرت بقیة الله عزله است. روی همین اساس است که باید هر ساله در آمد خود را محاسبه کنیم و خمس آن را که سهم امام زمان عجل الله فرجه است به مرجع تقلید خود تقدیم کنیم تا از طرف امام زمان عجل الله فرجه در جهت مصالح دین مصرف نماید. غالب علما هدیه را هم از اموری می دانند که اگر مازاد بر نیاز باشد و سر سال خمسی زیاد بیاید به آن خمس تعلق خواهد گرفت. در وجوب خمس فرقی بین مکلف و غیر مکلف نیست. یعنی اگر کودک شما که هنوز به سن تکلیف نرسیده در آمدی دارد، باید خمس آن را پرداخت نماید.

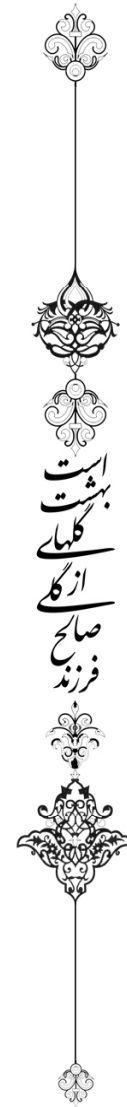
### راه کار عملی برای تشویق کودک به پرداخت خمس

می توانیم با ظرافت، فرزند خود را متوجه وجوب پرداخت خمس کرده و او را برای پرداخت خمس آماده کنیم. لذا باید ضمن قرار دادن سال خمسی برای او، تشویقش کنیم تا هر ساله خمس خود را پرداخت نماید. این کار می تواند با اقدامی نمادین هم صورت گیرد تا خاطره ی پرداخت خمس در ذهن کودک ماندگارتر شود. یعنی بعد از توجیه کودک و جدا کردن مال خمس از اموالش، او را به دفتر مرجع

تقلید یا هر عالمی که خمس خود را به او می دهیم ببریم تا با دست خودش این خمس را تقدیم کند و رسید خمس خود را دریافت نماید.

### چند نکته

۱. برای این که در سال های بعد موضوع خمس کودکان فراموش نشود، می توانید سال خمسی او را مطابق با سال خمسی خود قرار دهید تا هر ساله به اتفاق فرزندتان برای پرداخت خمس اقدام کنید.
۲. اگر در یکی از سال ها به فرزندتان خمسی تعلق نگرفت، بهتر است مبلغی به او بدهید تا هر ساله تجربه ی پرداخت خمس را تکرار کند و از ثواب و برکت آن بی نصیب نگردد.
۳. شما هر قدر هم به کودک خود از فلسفه ی خمس بگویید، باز هم ممکن است مقداری دل چرکین باشد و نتواند بپذیرد که پولش را به این راحتی ها از دست می دهد. برای جبران این مطلب خوب است او را تکریم کنید و تحت عنوان هدیه، پول پرداختی را در حق فرزندتان جبران کنید.
۴. یکی از مراجع تقلید قم می فرمودند: روزی پدری با فرزندش آمد در حالی که قلکی در دست داشت. این کودک همان جا قلکش را شکست و ضمن شمردن پولها، خمس آن را تقدیم

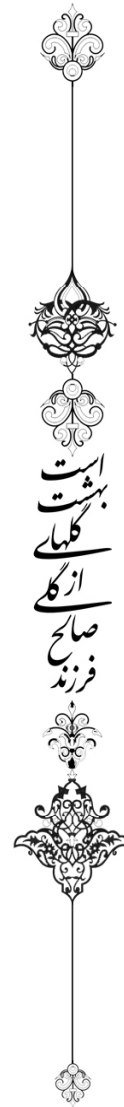


کرد. این موضوع خیلی جالب بود که دیدم پدر کودک نسبت به تربیت دینی و تدین فرزندش حساس است و خود کودک هم با اشتیاق و طیب نفس پولها را پرداخت می‌کند.

## حجاب

هر چند که با برخی از مانتوها هم می‌شود حجاب خود را رعایت کرد، اما حجاب کامل فقط با چادر به نمایش گذاشته می‌شود.<sup>۱</sup> روی همین اساس باید با کودکان دختر خود طوری رفتار کنیم که در نهایت، چادر را به عنوان حجاب و پوشش برتر بپذیرند و خود را

۱. چادر در مقایسه با مانتو مزیت‌هایی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود: مانتو مدام در معرض تغییر و تبدل است؛ اما چادر این گونه نیست. توجه داشته باشیم که اوایل مانتو تا روی پا بود و به گونه‌ای آزاد بود که حجم بدن تا حد زیادی مشخص نبود. به تدریج طول آن کوتاه و کوتاه‌تر شد و از طرفی هم تنگ‌تر. تا جایی که امروزه از روی پا هم فراتر رفته و می‌رود تا تبدیل به یک بلوز شود! از طرفی رنگ آن هم تغییرها زیادی کرده. اما چادر این گونه نیست. چادر از همان اول چادر بوده و الان هم چادر است بدون این که در رنگ و نوع آن تغییری پیدا شده باشد. اگر دخترهای ما اهل چادر شوند، خیالشان راحت است که با تغییر مد، هرگز در حجابشان تغییری ایجاد نمی‌گردد؛ اما کسی که به مانتو رو می‌آورد در واقع سوار بر موجی می‌شود که هر سال او را به سمت و سویی می‌برد بدون این که خود بداند عاقبتش به کجا ختم می‌شود! رنگ چادر هر چند سیاه است اما با دقت بیشتر متوجه می‌شویم که رنگ سیاه، رنگ وقار و متانت است و موجب می‌شود تا نامحرم به سوی او توجه کمتری داشته باشد؛ اما مانتو رنگ‌های مختلفی دارد که همین رنگ‌ها هیچ وقت اثر رنگ سیاه را نداشته و به اندازه‌ی رنگ چادر بازدارندگی ندارد. تفاوت دیگر این است که چادر آویخته است و تا حد مطلوبی اندام زن را از دید نامحرم حفظ می‌کند ولی مانتو این گونه نیست که نمی‌تواند به اندازه‌ی چادر، حجم بدن را از دید نامحرم مخفی نگاه دارد.





مزین به این حجاب اسلامی کنند. اگر دقت داشته باشید، هر دختری دوست دارد به نوعی خود را بپوشاند. این میل، ریشه در ویژگی‌های فطری و درونی آن‌ها دارد که پوشش بیشتر را کمال خود می‌دانند. رفتار نادرست با حجاب دختر باعث می‌شود تا به تدریج از این میل فطری دور شده و قدم در عرصه‌ی دیگری بگذارد.

### راه کار عملی

#### ۱. آشنا کردن کودک با روسری

در ابتدا برای کودک روسری تهیه کنیم و آن را در اختیارش قرار دهیم. کودک با اشتیاق روسری را در دست می‌گیرد و سعی می‌کند آن را سر کند. هنگام بیرون رفتن از منزل سعی کنیم روسری را بر سر کودک کنیم تا با همین هیأت از منزل بیرون رود. روسری باید به گونه‌ای باشد که کودک ما بتواند هر موقع احساس خستگی کرد به راحتی آن را از سر بیرون آورده و مشغول بازی شود.

#### ۲. آشنا کردن کودک با چادر

وقتی کودک یاد گرفت روی پای خود بایستد و راه برود، چادری رنگی برای او تهیه کرده و در اختیارش قرار دهیم. کودک که مادر خود را با چادر می‌بیند در واقع کمال خود را در پوشیدن این چادر می‌بیند؛ لذا هنگام بیرون رفتن، دوست دارد همانند مادر خود با همین لباس رسمی از منزل خارج شود و از این که خود را در زئی

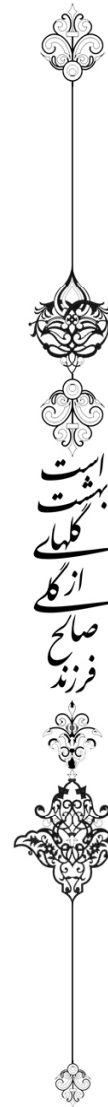
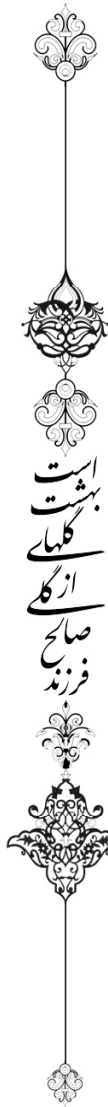
بزرگ‌ترها می‌بیند احساس لذت نماید.

این چادر باید سبک و راحت باشد تا کودک درون آن احساس ناخوش‌آیندی نداشته باشد و با اختیار خود چادر را روی سر نگاه دارد و هر وقت هم دوست داشت، آن را کنار گذاشته و مشغول بازی شود. روی همین اساس تا قبل از سن بلوغ، نه تنها استفاده از چادر ملّی و چادر عربی توصیه نمی‌شود، بلکه استفاده از آن را مضرّ هم می‌دانیم. چون باعث می‌شود که کودک، درون آن گرفتار شده و نتواند عادت به گرفتن چادر و پوشاندن اختیاری خود پیدا کند.

#### ۳. لباس بدن نما ممنوع!

دختر دوست دارد لباس‌های زیبایی بر تن داشته باشد. این لباس زیبا می‌تواند لباس زیرین کودک باشد. منتهی توجه داشته باشیم که لباس او در عین زیبایی و راحتی به گونه‌ای نباشد که اندام کودک از زیر آن نمایان باشد. پوشیدن این نوع لباس‌ها ممکن است باعث شود تا به تدریج حیای کودک کم‌رنگ شده و از پوشش خود بکاهد.

البته هرگز منظورم این نیست که در نوع پوشش با کودک سه ساله همانند یک دختر هشت ساله برخورد کنیم؛ بلکه منظورم این است که در عین حالی که لباس بچه باید راحت باشد، به گونه‌ای نباشد که در عرف متشرعین جلف و بدن نما تلقی شود.



#### ۴. تشویق کودک به پوشیدن روسری

وقتی سن دختر بیشتر شد در مورد روسری او قدری حساس شویم و به او بگوییم که تا جایی که ممکن است روسری را کنار نگذارد. این کار موجب می‌شود تا به تدریج روسری را به عنوان لباس دائمی خود در برابر نامحرم انتخاب نماید. توجه داشته باشیم که این کار در صورتی عملی خواهد شد که کودک با میل و اشتیاق آن را انتخاب نماید. ما فقط مشوق او هستیم و طوری رفتار می‌کنیم که وقتی کودک را با روسری دیدیم با تشویق‌های خود به او احساس خوبی دست دهد و باور کند که این لباس، لباس رسمی او است.

#### ۵. تشویق کودک به پوشیدن چادر

وقتی کودک به پوشیدن روسری عادت کرد، به تدریج همین کار را در مورد چادر او شروع می‌کنیم. این روند باید به گونه‌ای باشد که کودک ما هنگام ورود به دبستان کاملاً به روسری و چادر عادت کرده باشد تا آمادگی کامل را داشته باشد که به محض رسیدن به بلوغ<sup>۱</sup> برای همیشه چادر بپوشد و آن را کنار نگذارد.

#### نمونه‌ی عینی:

خانمی می‌گفت: دو دختر دارم یکی سیزده ساله و دیگری ده ساله. در مورد دختر دوم به همین منوال عمل کردم که به حمد الله

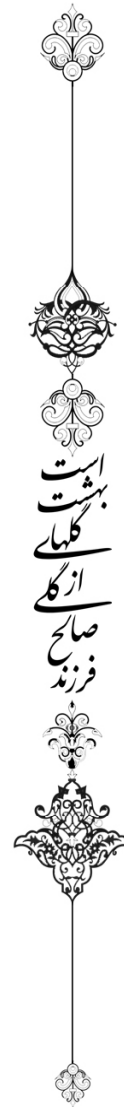
۱. سن تکلیف برای دخترخانم‌ها تمام شدن ۹ سال قمری، و ۸ سال و ۸ ماه و ۲۸ روز شمسی است.

نتیجه گرفتیم؛ ولی در مورد دختر اول متأسفانه کوتاهی کردم. در مورد چادر او کاری انجام ندادم و بدون اینکه او را تشویق به پوشیدن چادر کنم، گذاشتم تا خودش انتخاب کند. دوران ابتدایی را با مانتو سپری کرد و حالا که سیزده ساله است احساس می‌کنیم که پوشش او مطابق با شأن خانواده و فامیل نیست. هر کاری می‌کنیم دیگر زیر بار نمی‌رود و حاضر نیست چادر بپوشد.

#### تذکر

#### ۱. واکنش مناسب به سلقیه‌های غیر دینی

ممکن است برخی از آشنایان که آگاهی درستی از شیوه‌های تربیت اسلامی ندارند، به این کار شما اعتراض کرده و بخواهند با ذکر تجربه‌های شخصی خود بخواهند شما را از این کار منصرف کنند. اما شما توجه داشته باشید که حجاب و عفاف امری نیست که به یکباره به دست آید و عنوان ساده‌ای هم نیست که والدین در مورد آن کوتاهی کرده و اقدامی در مورد فرزندانشان نداشته باشند. درست است که برخی از دخترخانم‌ها بدون این که از والدین کمک بگیرند، حجاب را انتخاب می‌کنند، اما باید بپذیریم که حجاب و عفاف آن قدر بی‌اهمیت نیست که آن را صرفاً به انتخاب خود کودک واگذار کنیم و خود در مورد آن کاری انجام ندهیم! همچنین در جواب این افراد بگویید: حجاب و عفاف مهم‌تر است یا بهداشت؟! اگر کسی



بهداشت را رعایت نکند نهایتاً چند روزی بیمار می‌شود؛ اما اگر کسی حجاب و عفاف را رعایت نکند، علاوه بر آن که ممکن است در دنیا خود و خانواده‌ی خود را بی‌اعتبار نماید، در آخرت هم بازخواست خواهد شد. حال چگونه است که بهداشت را صرفاً به انتخاب خود کودک نمی‌سپاریم و به او در مورد مسواک دندان و کارهای دیگر تذکر می‌دهیم اما در مورد حجاب که به مراتب مهم‌تر از بهداشت است این گونه بی‌تفاوت هستیم؟!

## ۲. دور کردن کودک از ساحل عفاف

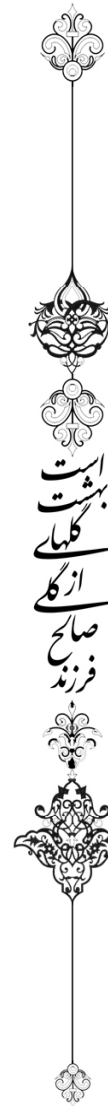
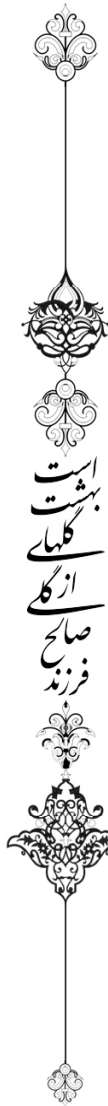
برخی از والدین به علت ناآگاهی به گونه‌ای با کودک خود رفتار می‌کنند که او را از ساحل بندگی خدا دور می‌کنند. وقتی پدر و مادر به کودک با دید عروسک نگرسته و هنگام بیرون رفتن از منزل لباس‌های غیر متعارف و جلف بر اندامش می‌پوشانند در این صورت هرگز نباید توقع داشته باشند که چنین دختری با رسیدن به سن بلوغ به یکباره این لباس‌ها را کنار گذاشته و دختری عفیف و محجبه شود. پدر و مادر باید به گونه‌ای معقول با فرزندان خود رفتار کنند که در واقع روز به روز او را به ساحل بندگی خداوند نزدیک‌تر نمایند تا این که وقتی کودک به سن تکلیف رسید راه خود را هموار بیند و به سادگی قدم در ساحل بندگی خدای متعال قرار دهد.

## ۳. پاسخگویی به میل آراستگی در دختر

هر دختری دوست دارد زیبایی خود را به نمایش بگذارد و با پوشیدن لباس‌های متنوع و زیبا جلوه‌گری خود را افزون‌تر نماید. اما توجه داشته باشیم که محلّ پاسخ‌گویی به این میل طبیعی، کوچه و خیابان و در انظار نامحرم نیست؛ بلکه محل آن در خانه و در میهمانی‌های زنانه است. بنابراین، ضرورت دارد که به این نیاز کودکانمان پاسخ‌گویی و با در نظر گرفتن سن آنها لباس‌های زیبایی برایشان خریداری نماییم. اگر از این کار غفلت نماییم و راه پاسخ‌گویی به این نیازها را برایش همواره نکنیم، ممکن است به تدریج از حجاب و عفاف دور شده، و به دنبال پاسخ‌گویی به این عطش، خود را در برابر نامحرم بیاراید.

## ۴. تبیین فلسفه‌ی حجاب و عفاف<sup>۱</sup>

با در نظر گرفتن ویژگی سنی کودکانمان فلسفه‌ی حجاب را با آنها بازگو نماییم. به آنها بگوییم که حجاب حکم الهی است و کسی که حجاب خود را رعایت می‌کند، علاوه بر بهره‌مندی از نعمت‌های معنوی، در زندگی دنیایی هم آرامش بیشتری داشته و از گزند بسیاری از مشکلات رهایی می‌یابد. به عنوان مثال به دخترمان بگوییم دو عدد موز بیاورد. به او بگوییم یکی از آنها را پوست بکند و به



۱. جهت توضیح بیشتر به همین کتاب و ذیل عنوان «واکسیناسیون عقیدتی» مراجعه فرمایید.

دیگری دست نزنند. بعد از گذشت چند ساعت به او بگوییم که موزها را بیاورد. چه می‌بینیم؟

موزی که پوست کنده شده خراب شده؛ ولی موز دیگر سالم است.

حالا از دخترمان بپرسیم که به نظر شما چرا این موز خراب شد؟ و چرا موز دیگر سالم ماند؟ بعد که دختر فهمید که علت خراب شدن موز، جدا شدن از پوستش است، به او بگوییم:

دخترم! در واقع این پوست حجاب موز است که باعث شده سالم بماند. اگر شما هم حجاب خوبی داشته باشید، ایمان سالم و خوبی پیدا می‌کنید اما اگر خدای ناکرده از پوست حجاب بیرون بیایید، خیلی زود ایمانت خراب می‌شود.

مطلب بعد این که: کسی که ایمانش خراب شود نزد خداوند ارزشی ندارد، همان گونه که موز خراب شده برای ما ارزش ندارد.

## تربیت جنسیتی

برخی از والدین که در آرزوی داشتن فرزندی از جنس دختر یا پسر به سر می‌برند، وقتی نوزاد تازه به دنیا آمده‌ی خود را غیر از آنچه می‌خواستند می‌بینند، باز هم در توهم داشتن فرزندی از جنس دلخواه به سر می‌برند و دوست دارند در نوع رفتار خود با این فرزند آرزوی خود را محقق کنند. به عنوان مثال اگر فرزندشان دختر است، لباس پسرانه تن او کرده، موهایش را کوتاه می‌کنند و مجبورش می‌کنند تا به بازی‌های پسرانه دل خوش کند. و اگر پسر است او را به زی‌ دخترانه در می‌آورند، موهایش را بلند می‌کنند و همانند پسرها، رفتاری خشن با او دارند و با خرید اسباب بازی‌های پسرانه دوست دارند سیمای یک پسر را در چهره‌ی دخترانه‌اش ببینند.

**برخی از آسیب‌های توجه نکردن به جنسیت فرزند:**

### ۱. بحران هویت

بچه‌هایی که با این الگوی نادرست بزرگ شوند، به دلیل این که در رفتار دیگران خود را غیر از آنچه هستند می‌بینند، به تدریج دچار نوعی سردرگمی و بحران هویت می‌شوند.

## ۲. همجنس‌گرایی

این نوع کودکان ممکن است به جای توجّه به جنس مخالف، متمرکز در جنس موافق شوند و به نوعی همجنس‌گرا شوند. همجنس‌گرایی نوعی بیماری روانی است که موجب بی‌رغبتی او به ازدواج و بروز حساسیت‌های جنسی نسبت به جنس موافق گردد. (توجه داشته باشید که منظور از عبارت «توجّه به جنس مخالف»، روابط غیر صحیح دو جنس مخالف نیست؛ بلکه منظور، همان حسّی است که در ذهن هر کس، نسبت به جنس مخالف وجود دارد که در بستر ازدواج به آن پاسخ گفته می‌شود).

## ۳. بروز روحیه‌ی مردانه در دختر!

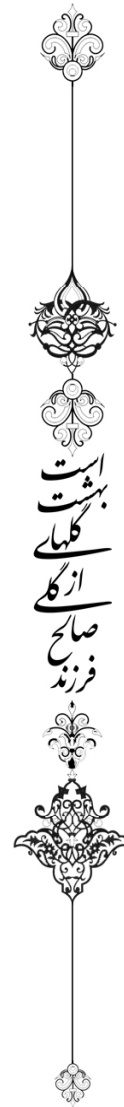
اگر کودک شما دختر باشد، در آینده، نمی‌تواند همسر خوبی برای شوهرش باشد و با طنازی و عشوه‌گری فضای خانواده را سرشار از صمیمیت نماید. همچنین چنین شخصی علاوه بر ناتوانی در شوهرداری، در محبت مادرانه به فرزندانش هم دچار مشکل می‌شود. این شخص بیش از آن که خود را همسری برای شوهر و مادری برای فرزندش ببیند، در اندیشه‌ها و آرزوهای مردانه روزگار خود را سپری می‌کند و دوست دارد زمام امور منزل را به دست گرفته و در اصطلاح، مادرسالار شود. به همین دلیل، اداهای مردانه در آورده و افتخار خود را در حضور در فضاهای مردانه می‌بیند. اصولاً چنین

افرادی ارزش چندانی برای جنسیت خود قائل نیستند و ارزش واقعی را در مرد بودن و مردانه زیستن می‌دانند!

## ۴. بروز روحیه‌ی زنانه در پسر!

اگر کودک شما پسر باشد، در آینده نمی‌تواند همسر خوبی برای خانم خود باشد و با جدیتی که یک زن از شوهرش انتظار دارد، مدیریت خانواده را به عهده گیرد. چنین شخصی علاوه بر ناتوانی در همسرداری، در رفتار پدرانه نسبت به فرزندانش هم دچار مشکل می‌شود. و فرزندانش پیش از آن که او را الگویی رفتاری برای خود ببینند، از وجود چنین پدری اظهار شرم می‌کنند و احساس می‌کنند که این پدر نمی‌تواند تکیه‌گاه مناسبی برای آنها باشد.

چنین شخصی علاوه بر ناکامی در همسرداری و تربیت فرزند، در محیط جامعه و محیط کار به شدت دچار مشکل شده و توان مواجهه با مشکلات ناشی از آنها را در خود نمی‌بیند. چنین افرادی معمولاً توان کاریابی و انتخاب شغل ندارند و دوست دارند به جای آن که تکیه‌گاه همسر و فرزندانشان باشند، به آنها تکیه کنند و بار زندگی را به دوش آنها بیندازند.



## بازی با کودک

بازی لازمه‌ی دوران کودکی و شکوفاننده‌ی استعدادهای کودک ما است. بازی باعث می‌شود که کودک ما خلاقیت بهتری پیدا کند و در حین بازی علاوه بر شناخت محیط اطراف خود، طریقه‌ی تعامل با دیگران و استفاده‌ی صحیح از وسایل زندگی را هم فرا گیرد. ضرورت بازی در دوران کودکی تا حدی است که حتی ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام که از هرگونه عیب و نقص منزّه بوده و در میان مخلوقات از جهت کمالات وجودی، همتایی ندارند هم در دوران کودکی، مشغول به بازی می‌شدند.

### برخی از فوائد

#### ۱. بهانه‌ای برای ارتباط با کودک

برای برقراری ارتباط صمیمانه با کودک باید به دنبال راهی باشیم تا ضمن حفظ اقتدار رفتاری خود در مقابل فرزند، از جایگاه خود قدری پایین‌تر بیاییم تا کودک در کنار ما احساس راحتی کند و ما را دوستی صمیمی و مهربان برای خود ببیند. بازی بهترین بهانه برای برقراری این ارتباط صمیمانه است. وقتی کودک ببیند که ما هم وارد عالم

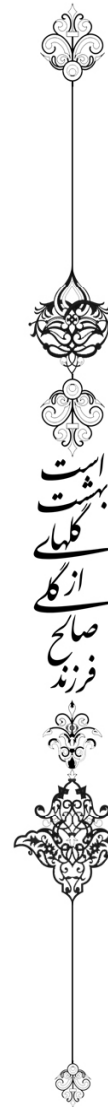
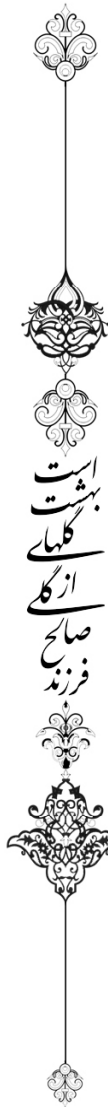
کودکانه‌ی او شده‌ایم و برای فضای تخیلی‌اش ارزش قائلیم، متقابلاً او نیز این محبت ما را پاسخ می‌گوید و سعی می‌کند مطیع ما باشد.

#### ۲. کشف اخلاق درونی کودک و آموزش اصول اخلاقی

هنگام بازی ممکن است فرزندان ما هیجان‌زده شده و رفتارهای ناپسندی از خود نشان دهند. رفتارهایی چون تمسخر دیگران، دروغ و کلک‌بازی. این رفتارها، رفتارهایی نیست که در بازی شکل بگیرند. بلکه بازی موجب بروز و کشف اخلاق درونی آنها می‌شود. اگر کودکان ما اهل دروغ باشند، حین بازی آن را نشان می‌دهند. اگر خودخواه و خودمحور باشند، حین بازی سعی دارند همیشه حق را به خود بدهند و از طرف دیگران نپذیرند. اگر با فرزندانمان بازی کنیم، به راحتی می‌توانیم به آنها آموزش دهیم که هنگام بازی اصول اخلاقی را رعایت کنند.

#### ۳. شکل‌دهی فرهنگ مسؤلیت‌پذیری در کودک

فرهنگ تعامل صحیح و عادلانه با دیگران و طریقه‌ی انجام صحیح مسؤلیت‌های کاری، فردی و اجتماعی در فضای بازی شکل می‌گیرد؛ همان‌گونه که فرهنگ بی‌عدالتی و خودمحوری هم می‌تواند ریشه در نوع بازی‌های کودک داشته باشد. وقتی کودکان ما بیاموزند در بازی راستگو باشند هر چند که به ضررشان تمام شود، وقتی بیاموزند با دیگران با عدالت و انصاف رفتار کنند، وقتی بیاموزند در



هنگام بازی به کسی توهین نکنند، وقتی بیاموزند که حین بازی به مسئولیت خود عمل کنند و وقتی خود را «مقید به قوانین» بازی کنند، در این صورت آراسته به اخلاق خوب شده و می‌آموزند که در شئون دیگر زندگی هم این گونه رفتار کنند.

#### ۴. آموزش نظم و قانون‌مندی

توجه داشته باشیم که ضمن بازی می‌توانیم به فرزندانمان بیاموزیم که قوانین را رعایت کنند و از کسی توقع نداشته باشند که به خاطر آنها قانون را زیر پا بگذارد. به همین منظور قوانین بازی را رعایت کنید و اگر کودک خواست در حقیقت قانونی نادیده گرفته شود، چنین کاری را انجام ندهید.

#### تذکر مهم:

- توان جسمی و فکری کودکان ما بسیار پایین‌تر از ما است. به همین دلیل اگر بخواهیم در بازی با آنها توان جسمی و فکری خود را به رخشان بکشیم، گذشته از آن که لذت بازی کودکانه را از آنها می‌گیریم، اعتماد به نفس آنها را هم تضعیف کرده‌ایم. به همین دلیل باید مراقب باشیم که در بازی با کودکان همیشه خود را قهرمان میدان نبینیم؛ بلکه گاهی هم به آنها فرصت بدهیم تا ما را شکست بدهند و احساس پیروزی کنند.<sup>۱</sup>

۱. تذکر: این شکست‌ها هم نباید ترحم‌گونه باشد؛ چرا که در این صورت، کودک احساس خوبی

- اگر کودک سؤال یا معنایی از ما پرسید، به جای آن که سریع به سؤالش جواب داده و بگوییم سؤالش خیلی ساده بود! در جواب دادن به سؤالش قدری تأمل کنیم و بعد طوری جواب سؤالش را بدهیم که احساس کند سؤالش مهم بوده و ما هم از یافتن پاسخ سؤال او احساس خوبی داریم.
- اگر با فرزندمان کشتی می‌گیریم توجه داشته باشیم که وقتی دست و پای او را گرفته و همه‌ی راه‌ها را به رویش می‌بندیم، به شدت احساس ناراحتی کرده و در معرض فشار روانی شدید قرار می‌گیرد. پس هنگام کشتی، سعی کنیم تنها یک دست او را بگیریم و بگذاریم با دست دیگر از خود دفاع کرده و توان جسمانی خود را به نمایش بگذارد.

نداشته و گرفتار مشکل خواهد شد.

## اسباب بازی

بازی، بهترین کار کودکان ما و اسباب بازی هم وسیله‌ی کار آنها است. توجه داشته باشیم همان گونه که اسباب بازی مناسب، کودک ما را در مسیر رشد و ترقی قرار می‌دهد، اسباب بازی نامناسب هم می‌تواند موجب توقّف کودک ما شده و حتّی ممکن است زمینه‌ی انحراف‌های گوناگون را برای او فراهم آورد.

### چند نکته:

#### ۱. کوتاهی نکردن در خرید اسباب بازی مناسب

عده‌ای از والدین، بدون جهت در خرید اسباب بازی مناسب برای کودکان کوتاهی می‌کنند. توجه داشته باشیم که مهم‌تر از پول، شکوفا شدن استعدادهای درونی فرزندانمان و حفظ عزّت و شخصیت آنها است.

اگر به اندازه‌ی کافی برای فرزندانمان اسباب بازی نخریم، ممکن است دوران کودکی خود را در حسرت داشتن اسباب بازی‌هایی که در دست دیگران می‌بینند بگذرانند و همواره در معاشرت با آنها احساس حقارت کنند. پس شایسته است که در حدّ توان و شأن خود، اسباب بازی‌های مناسبی برای فرزندانمان خریداری کنیم.

## ۲. اسباب بازی و تهاجم فرهنگی

اسباب بازی نقش به‌سزایی در تربیت فرزند ما و همچنین جهت‌دهی فکری او ایفا می‌کند. دنیای غرب هم از این تأثیر غافل نبوده و در ساخت برخی از عروسک‌ها و اسباب بازی‌ها همین تأثیرگذاری را لحاظ کرده است.

در واقع، غرب دنیاگرا، به وسیله‌ی اسباب بازی عقاید بی‌پایه‌ی خود را به کودکان ما آموزش می‌دهد و سعی می‌کند فرهنگ بزرگ و دنیاپرستی خود را به کودکان معصوم ما تلقین کند. عروسک باربی و عروسک‌های رقاصه و موزیکال، از نمونه‌های عینی این کار ضدّ اخلاقی هستند. پس، هنگام خرید اسباب بازی دقّت لازم را داشته باشیم.

## ۳. مراقبت از اسباب بازی

گاهی کودکان ما در نگهداری از اسباب بازی‌های خود دقّت لازم را به خرج نداده و بدون جهت آنها را خراب می‌کنند. در این صورت دقّت داشته باشیم که کم‌دقتی در مراقبت از اسباب بازی در روحیه‌ی فرزندانمان نهادینه نشود و موجب بی‌مبالاتی آنها در استفاده‌ی صحیح از وسایل شخصی خود نگردد.

در چنین مواقعی - مخصوصا اگر فرزندانمان این کار را تکرار کرد - باید به او تذکّر دهیم و بلافاصله برایش اسباب بازی نخریم تا این که





قدر وسیله‌ی خود را بهتر دانسته و با خود تصمیم بگیرد که دیگر کم‌دقتی نداشته باشد.

#### ۴. بهترین اسباب بازی‌ها

محبت در حق فرزند، به این نیست که اسباب بازی‌های گران قیمت و تجملاتی برای او بخریم؛ بلکه محبت به این است که اسباب بازی‌هایی برای کودکمان تهیه کنیم که بیش از هر چیز در رشد و شکوفایی استعدادهای او مفید باشند.

بهترین اسباب بازی آن است که قوه‌ی تخیل و تفکر کودک ما را شکوفا کرده و بتواند با آن جذاب‌ترین بازی‌ها را داشته باشد. گاهی اوقات بچه‌ها با یک چوب معمولی چنان بازی‌های شیرینی می‌کنند که با اسباب بازی‌های گران قیمت چنین نمی‌کنند.

#### ۵. تمرین سخاوت

کودکانمان را تشویق کنیم تا سخاوتمندانه اسباب بازی‌های خود را در اختیار هم‌بازی‌های خود قرار دهند و با یکدیگر بازی کنند. متأسفانه برخی از والدین که مبتلا به حساست و تنگ‌نظری هستند، با بی‌توجهی به عوارض ناشی از آن، کودک خود را از این کار خوب منع می‌کنند. این کار والدین موجب می‌شود که کودکانشان به تدریج متمرکز در خود و خواسته‌های خویشان شده و برای دیگران و خواسته‌های آنها اهمیتی چندانی قائل نشوند.

البته توجه داشته باشیم چنانچه هم‌بازی‌های کودکمان در بازی با اسباب بازی‌ها دقت لازم را ندارد و به آنها آسیب می‌رسانند، فقط اسباب بازی‌های ظریف و حساس را از دسترس آنها دور کنیم تا کودکان ما بتوانند با دیگر اسباب بازی‌های خود از مهمانشان پذیرایی کنند.

#### ۶. تعمیر اسباب بازی

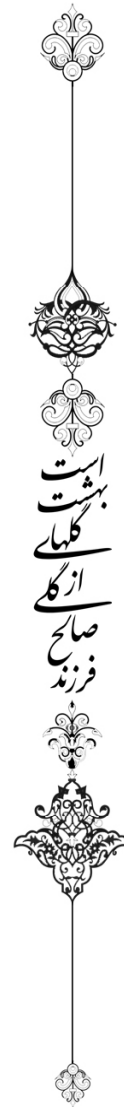
به فرزندانمان بیاموزیم که اسباب بازی‌های کهنه و قدیمی خود را تعمیر و ترمیم کنند و دوباره آنها را مورد استفاده قرار دهند. این کار فوایدی دارد که به سه نمونه از آنها اشاره می‌شود:

(۱) کودکانمان به صورت غیر مستقیم در نگهداری از اسباب بازی‌های خود تشویق می‌شوند و یاد می‌گیرند از نعمت‌هایی که در اختیار آنها قرار داده می‌شود حداکثر استفاده‌ی مفید را داشته باشند.

(۲) فرزندانمان طریقه‌ی نگهداری و تعمیر اسباب بازی‌های خود را می‌آموزند.

(۳) موجب ازدیاد محبت فرزندمان به ما و همچنین تکریم شخصیت آنها است.

گاهی اوقات کودکان ما از برخی اسباب بازی‌های خود خاطرات خاصی دارند که به هیچ نحوی حاضر به کنار گذاشتن آنها نیستند. دختر بچه‌ای را دیدم که علی‌رغم داشتن عروسک‌های بسیار زیبا،



بیشترین وقت بازی خود را با عروسک کهنه و زوار در رفته‌اش سپری می‌کرد. حال وقتی شما به جای دور انداختن این عروسک به او کمک کنید تا عروسکش را تعمیر کند و لباس جدید برایش بدوزید، در این صورت هم برای خواسته‌اش ارزش قائل شده‌اید و هم کاری کرده‌اید که شما را بیشتر دوست داشته باشد و به شما اعتماد نماید.

### ۷. زیاده‌روی در خرید اسباب‌بازی

برخی از والدین در خرید اسباب‌بازی برای کودک، گرفتار افراط و اسراف شده و بیش از حد نیاز برایش خرید می‌کنند. وقتی داخل اتاق این نوع بچه‌ها می‌شویم، با کلکسیون‌های مختلف از انواع اسباب‌بازی‌ها، ماشین‌ها و اسباب‌بازی‌های دیگر مواجه می‌شویم. این نحوه نگرش به اسباب‌بازی کودک، خطرات خاصی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

#### الف - بهره‌نبردن از اسباب‌بازی

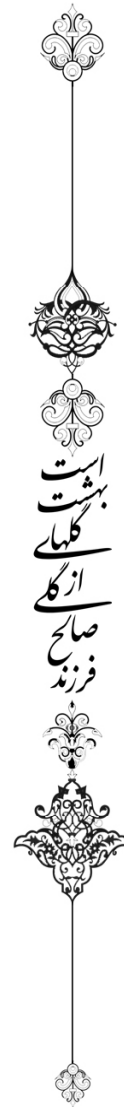
وقتی کودک ما با اسباب‌بازی خود بازی می‌کند، قوه‌ی تخیل خود را به کار گرفته و با استفاده از آن، بازی‌های مختلف و متنوعی را ابداع می‌کند. او می‌آموزد که چگونه با اسباب‌بازی‌های خود بازی جذابی داشته باشد. وقتی از یک بازی خسته شد با به کار گیری فکر و تخیل خود

شیوه‌ی دیگری را به کار می‌گیرد و مدتی هم با آن شیوه به بازی می‌پردازد. همه‌ی این اتفاقات زمانی رخ خواهد داد که کودکان ما متمرکز در اسباب‌بازی خود شوند. اما وقتی والدین، کودک خود را غرق در انواع و اقسام اسباب‌بازی‌ها می‌نمایند، در حقیقت، فرصت تمرکز روی اسباب‌بازی خاص را از او گرفته‌اند.

کودک ما با به دست آوردن اسباب‌بازی جدید، اسباب‌بازی قدیمی را رها می‌کند و مشغول بازی با اسباب‌بازی جدید می‌گردد. همین که می‌خواهد با آن انس بگیرد، اسباب‌بازی دیگری چشم او را روشن می‌کند و خلاصه هر از چند روزی خود را با اسباب‌بازی جدیدی سرگرم می‌کند. با تلمبار شدن اسباب‌بازی‌ها، کودک ما سر در گم می‌شود که بالأخره با کدام یک بازی کند و روی کدام یک از آنها متمرکز گردد. همین مسأله‌ی ساده باعث می‌شود که کودک همه‌ی اسباب‌بازی‌های خود را رها کرده و بگوید این اسباب‌بازی‌ها را دوست ندارم. والدین دلسوز، اما ناآگاه! به گمان این که هنوز نتوانسته‌اند نیاز کودک خود به اسباب‌بازی را فراهم آورند برای حل مشکل، باز هم دست به خرید اسباب‌بازی جدیدی می‌زنند!

#### ب - تنوع طلبی منفی

با خرید بیش از اندازه‌ی اسباب‌بازی، کودک ما دچار تنوع‌طلبی افراطی می‌شود. نهادینه شدن این امر برای آینده‌ی کودک ما بسیار



خطرناک است. تا جایی که، دوستان خود را خیلی زود از دست می‌دهد و نمی‌تواند برای مدتی طولانی وسایل شخصی خود را نگه دارد و از آنها استفاده کند. چنین کودکی وسایل زندگی خود را پیش از آن که خراب و غیر قابل استفاده شوند دور می‌اندازد و به دنبال خرید وسایل دیگری می‌رود. علاوه بر این، در زندگی خود نیز به بسیاری از مشکلات دیگر مبتلا خواهد شد.

### ج - اسراف

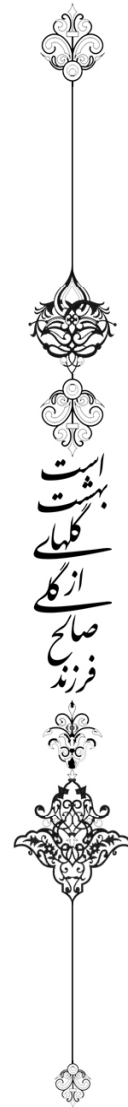
هر چند که کودکان ما برای بازی نیاز به چند نوع اسباب‌بازی دارند؛ اما وقتی دیدند که چند برابر نیاز واقعی آنها برایشان اسباب‌بازی خریده‌ایم، به تدریج عادت می‌کنند تا در سایر نیازهای زندگی خود هم این گونه رفتار کنند.

### د - تجمل‌گرایی

کودکی که در اطرافش پر از اسباب‌بازی‌های لوکس و گران‌قیمت است، دیگر به اسباب‌بازی‌های ساده و ارزان‌قیمت توجهی ندارد و با آنها نمی‌تواند بازی کند. این کودک به تدریج که بزرگ‌تر می‌شود در سایر نیازهای زندگی خود هم به دنبال مدل‌های لوکس و گران‌قیمت خواهد بود.

### هـ - تحقیر دیگران

کودکی که بیش از نیاز خود اسباب‌بازی داشته باشد، ممکن است



از حالت تعادل رفتاری خارج شده و هم سن و سالان خود را که نسبت به او اسباب‌بازی‌های کمتری دارند، حقیر و کوچک بشمارد و به آنها با دیدی متکبرانه نگاه کند. این دید موجب می‌شود تا نتواند مهارت‌های ارتباطی خود را قوی کند؛ لذا هم در گزینش دوست با مشکل مواجه می‌شود و هم دیگران از او فراری می‌شوند.

### ۸. اسباب‌بازی‌های ویترونی

اسباب‌بازی وسیله‌ی بازی کودک است. پس اگر می‌خواهیم اسباب‌بازی کودک را در ویترونی منزل نگاه داشته و او را در حسرت بازی با آن نگاه داریم، بهتر است که اصلاً چنین اسباب‌بازی‌هایی را خریداری نکنیم و باعث اذیت و آزار فرزندمان نشویم. واقعیت این است که برخی از والدین به جای آن‌که برای فرزندان‌شان اسباب‌بازی بخرند، به دنبال پاسخ‌گویی به حس «تجمل‌گرایی» خود هستند. به عبارت دیگر هدف آنها از خرید اسباب‌بازی، بازی کردن فرزند نیست؛ بلکه هدف آنها این است که خود و فرزندانشان به خاطر داشتن این اسباب‌بازی‌ها بر دیگران فخرفروشی کنند!

### ۹. اسباب‌بازی‌هایی که دیگران می‌خرند

توجه داشته باشیم که گاهی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و دیگر اقوام نزدیک، اتاق کوچک فرزند ما را پر از اسباب‌بازی‌های مختلف

## بازی‌های مشارکتی و رقابتی

بازی‌های گروهی فرزندان ما به دو گروه «بازی‌های مشارکتی» و «بازی‌های رقابتی» تقسیم می‌شوند. با توجه به این که فرزندان ما در زندگی خود گاهی با دیگران مشارکت دارند و گاهی هم رقابت، ضروری است تا جهت آمادگی برای ورود به این دو حوزه، از هر دو نوع بازی بهره‌مند شوند.

در بازی‌های مشارکتی فرزندان ما می‌آموزند تا برای رسیدن به هدف واحد با دیگران تعامل دوستانه داشته باشند. می‌آموزند تا نقش خود را به خوبی ایفا کرده و برای نقش دیگران هم احترام قائل شوند. فرزندان ما می‌آموزند که موفقیت دیگران، موفقیت آنها است و باید علاوه بر انجام مسئولیت خود، به دیگران هم کمک کنند تا مسئولیت‌هایشان را به خوبی انجام دهند.

غفلت از این بازی‌ها ممکن است موجب شود فرزندانمان در تعاملات اجتماعی خود دچار مشکل شوند و به جای آن‌که همراه خوبی برای همکاران خود باشند، مانع تلاش آنها شده و راه موفقیت آنها را ببندند. در بازی‌های رقابتی حس اعتماد به نفس در فرزندانمان تقویت می‌شود و آنها می‌آموزند تا رفتار صحیحی در برابر شکست و پیروزی داشته باشند و در مواجهه با هر یک از آنها از حالت تعادل رفتاری خارج نشوند.



می‌کنند. در این صورت می‌توانیم حقیقت موضوع را به آنها بگوییم و بگوییم که کودکمان به اندازه‌ی کافی اسباب‌بازی دارد. و اگر هم زمانی نیاز به اسباب‌بازی داشت ملاک‌های اسباب‌بازی‌هایی که کودک شما می‌تواند با آنها بازی کند به آنها بدهید تا هر نوع اسباب‌بازی را برای فرزندان شما نخرند.

البته توجه داشته باشیم که اگر یکی از اقوام به کودکمان اسباب‌بازی نامناسبی هدیه داد، ضمن تشکر از او، در اولین فرصت مناسب اسباب‌بازی را از دسترس فرزندمان دور کنیم تا دچار مشکلات ناشی از آن نشود.

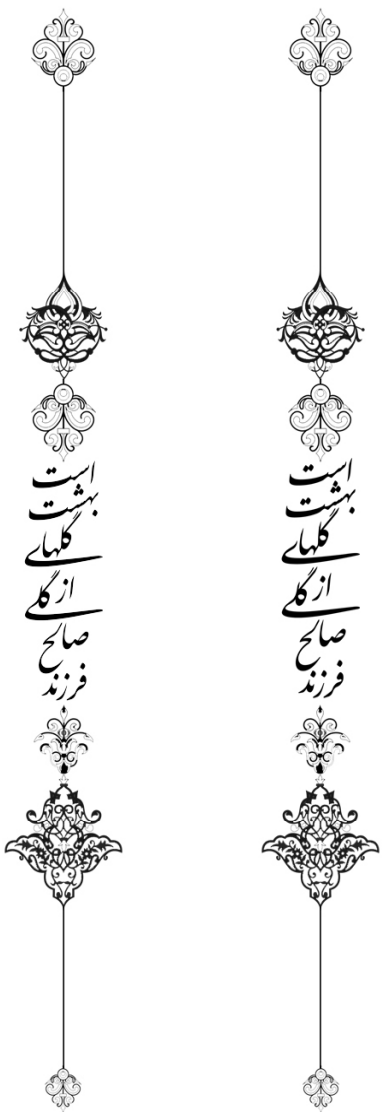


اگر فرزند ما تحمل پیروزی را نداشته باشد با یک پیروزی، خود را گم کرده و متکبرانه طرف مقابل را به تمسخر می‌گیرد. و اگر تمحل شکست را نداشته باشند، با یک شکست، افسرده و ناامید شده و خود را تحقیر شده می‌پندارد. به همین دلیل از رقابت با دیگران دوری می‌کند و خود را از بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی محروم می‌کند.

**توجه:**

متأسفانه در کشور ما اغلب بازی‌ها، بازی‌های رقابتی است و کودکان تا حدود زیادی نسبت به بازی‌های مشارکتی بیگانه هستند. به همین دلیل وظیفه‌ی ما است تا فرزندان خود را با بازی‌های مشارکتی بیشتر آشنا کنیم و آنها را ترغیب نماییم تا با آن بازی‌ها بیشتر انس بگیرند.

ما می‌توانیم با کمی دقت، بازی‌های رقابتی را تبدیل به بازی‌های مشارکتی کنیم. به عنوان مثال برای بازی‌های رقابتی می‌توانیم تعدادی سیب یا پرتقال را در یک طرف اتاق بگذاریم و به بچه‌ها بگوییم یکی یکی سیب‌ها را به آن طرف اتاق ببرند و توی زنبیل بیندازند. در انتها هم هر کس سیب بیشتری برد، به عنوان برنده‌ی بازی معرفی می‌شود. طریقه‌ی مشارکتی کردن این بازی آن است که یک زنبیل مشترک برای آنها بگذاریم و بگوییم اگر در مدت سه دقیقه همه‌ی سیب‌ها را درون زنبیل ریختید، هر دو برنده هستید!



**بازی‌های رایانه‌ای**

بازی‌های رایانه‌ای از بازی‌هایی است که فرزندان ما با آنها درگیر هستند.

کارشناسان بر این باورند که این بازی‌ها فوایدی دارد. فوایدی چون: «بالا رفتن هماهنگی میان چشم و دست»، «افزایش اعتماد به نفس» و «رشد خلاقیت و قوه‌ی تخیل».

اما اعتیاد به این بازی‌ها و نیز بی‌دقتی در انتخاب نوع بازی، می‌تواند مشکلات فراوانی را پیش روی فرزندان ما قرار دهد.

دنیای غرب برای سیطره یافتن بر کشورهای مختلف و استعمار آنها، از راه‌های مختلفی استفاده می‌کند. یکی از این راه‌ها، تسلط بر افکار مردم آن کشورها است. وقتی مردم کشوری، مانند غربی‌ها فکر کردند و مانند آنها زندگی کردند در واقع کشور خود را دو دستی تقدیم آنها کرده و اختیار کار خود را به آنها سپرده‌اند. یکی از ابزارهای غرب برای تسلط بر نسل جوان و مخصوصاً کودکان، طراحی و ساخت برخی از «بازی‌های رایانه‌ای» است. پس سعی کنیم در مواجهه با این بازی‌ها با دقت بیشتری عمل کنیم.

چند نکته

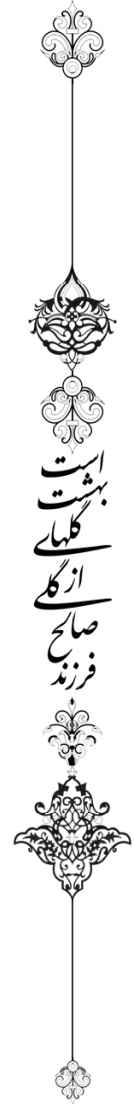
۱. بکشید تا امتیاز بگیرید!

وقتی فرزندان ما بر بازی مسلط شده و هر کس و هر چیزی که جلو روی آنها قرار دارد، می‌کشند و از بین می‌برند، جا دارد این سؤال را مطرح کنیم که چرا فرزندان ما اقدام به این کشتار می‌کنند؟! بازی کامپیوتری در واقع هدف از کشتار را خودش مشخص می‌کند. هدف از کشتار، گرفتن امتیاز و رفتن به مرحله‌ی بعدی است. یعنی بکشید تا بالا بروید. اگر در مسیر موفقیت گام برمی‌دارید، هر شخص، فکر و اندیشه‌ای که جلو روی شما قرار گرفت آن را کنار بزنید و در انجام این کار حتی لحظه‌ای هم تأمل نکنید!

۲. بازی با لباس دشمن!

در زمان جنگ تحمیلی، بچه‌ها تفنگی در دست می‌گرفتند و به اصطلاح جنگ بازی می‌کردند. آنها خود را در جبهه‌ی اسلام و ایران می‌دیدند و دشمن فرضی خود را در جبهه‌ی کفر و نفاق. بعد هم به او حمله می‌کردند تا باطل را از بین ببرند و اسلام را به پیروزی برسانند. اما در بازی‌های کامپیوتری فرزندان ما سربازان آمریکایی هستند و در لباس آنها می‌جنگند. حال با که می‌جنگند؟! با هر کسی که مقابل آنها بایستد!

به عبارت دیگر در برخی از بازی‌های کامپیوتری فرزندان ما



مقابل فرهنگ اسلامی، ایرانی ما قرار می‌گیرند و سعی دارند آن را از بین ببرند تا به امتیاز بالاتری دست یابند. توجه داشته باشیم که چنین فاجعه‌ای را در برخی از اسباب‌بازی‌های جنگی که منقش به پرچم یا آرم‌های ارتش آمریکا است می‌توان مشاهده کرد!

۳. حمله به نمادهای اسلامی!

برخی از طراحان بازی‌های کامپیوتری پا را فراتر گذاشته و در خود بازی «نمادهای اسلامی» را مقابل فرزندان ما قرار می‌دهند تا آنها را هدف قرار دهیم. تکرار این کارها در فرزندان ما موجب می‌شود تا در دنیای واقعی هم خود را مقابل دین و اسلام ببینند و سعی کنند با آن مبارزه کنند.

۴. دوری از دنیای واقعی

فرزندان ما در دنیای مجازی بازی‌های رایانه‌ای، هر دستوری بدهند اجرا می‌شود و کسی نمی‌تواند از اجرای دستور آنها تمرّد کند. اعتیاد به این بازی‌ها موجب می‌شود تا فرزندان ما به تدریج از دنیای واقعی فاصله گرفته و غرق در دنیای مجازی شوند. آنها گمان می‌کنند در دنیای واقعی هم باید همان اتفاق بیفتد و هر دستوری که می‌دهند و هر تصمیمی که می‌گیرند باید اجرا شود. این مسأله موجب می‌شود تا فرزندانمان دچار توهم و در نتیجه تعارض شوند. و دست آخر که با مشکلات زندگی مواجه شدند، مبتلا به دست‌پاچگی و افسردگی گردند.

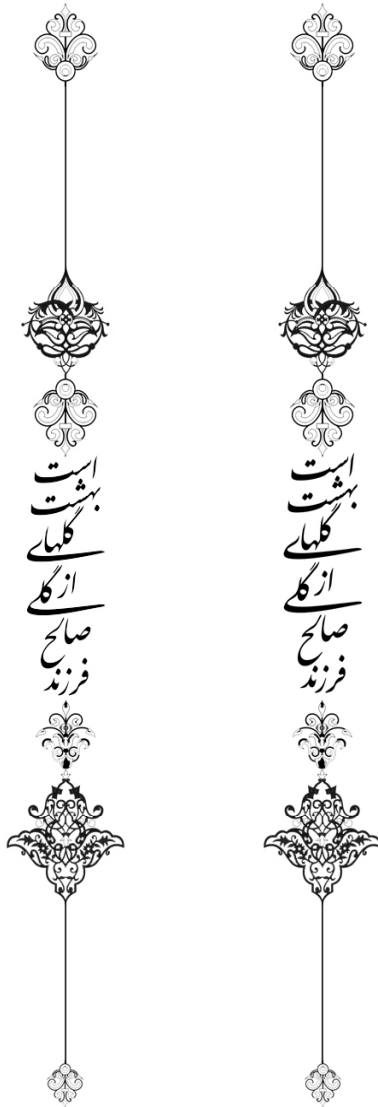
۵. ورود به عالم توهم

بازی‌های کامپیوتری به جای اینکه بچه‌ها را وارد دنیای عقل و خرد کند، در عالم توهم و خیال‌بافی نگاه می‌دارد. در این صورت کاملاً سطحی‌نگر شده و مبتلا به احساسات نا به جا می‌گردند. توجه داشته باشیم که تنها عامل اصلی برای پذیرش دین در وجود بشر، عقل و خرد است و بزرگترین خیانت دنیای غرب به بشریت، تضعیف قوه‌ی تعقل، و تقویت قوه‌ی توهم در آنها است. روی همین اساس است که می‌بینیم برخی از بچه‌ها به طور مرموزی غیر منطقی و دین‌گریز شده و از اطاعت دستورات الهی سر باز می‌زنند.

۶. مانعی برای خلاقیت

هیجان بالا و جذابیت این بازی‌ها از یک طرف و یگه‌تازی بازی‌کن از طرف دیگر، موجب می‌شود تا فرزندان ما بازی‌های رایانه‌ای را به بازی با هم‌سالان خود ترجیح دهند و از مزایای بسیار زیاد بازی با هم‌سالان خود محروم شوند. لذا اگر فرزندانمان را به این بازی‌ها بسپاریم، سعی می‌کنند همه‌ی وقت خود را صرف این بازی‌ها کرده و جز این بازی‌ها به چیز دیگری نیندیشند. این امر موجب می‌شود تا فرزندانمان از کارهای مهمتر باز مانده خلاقیت‌های آن‌ها شکوفا نشود.

حکایت این بازی‌ها در مقایسه با بازی‌های دیگر، حکایت «پفک»



و «نان و پنیر» است. خودتان قضاوت کنید! اگر سر سفره‌ی صبحانه، در یک طرف «پفک» و در طرف دیگر «نان و پنیر» بگذاریم، کودک ما دست خود را جلو کدام یک از آنها دراز می‌کند؟! آیا آن‌ها این توانایی را دارند که پفک را کنار بزنند و دست به سوی نان و پنیر ببرند؟ مسلماً این گونه نیست. پس اگر برای فرزندانمان بازی‌های مناسب رایانه‌ای تهیه کرده‌ایم، حتماً زمان استفاده از آن را هم برای کودک مشخص کنیم و اجازه ندهیم که بیش از حد پای رایانه بنشیند.

۷. زیانهای دیگر

تکبر و خودمحوری، انزوای اجتماعی، عدم تحرک و تنبلی، از بین رفتن احترام به بزرگترها، خشونت و عصبیت، زورگویی و انحصارطلبی و رعایت نکردن حریم‌های اجتماعی از دیگر زیان‌های اعتیاد به بازی‌های رایانه‌ای است.

### تنبیه

تنبیه یکی از ابزارهای تربیتی است که بدون در نظر گرفتن آن، ممکن است کار تربیت فرزند ما با مشکل مواجه شود و در مسیر تربیت او در بن بست قرار گیریم. توجه داشته باشیم که هنگام در نظر گرفتن «تشویق» و «تنبیه»، تشویق، نقش اصلی را ایفا می کند و از تنبیه، فقط به عنوان دارو و آن هم در مواقع بسیار استثنایی استفاده می شود.

فرو گذاشتن چشم‌ها به علامت ناراحتی، نگاه معنادار به کودک، بی توجهی به کودک برای مدتی کوتاه، قهر کردن، اخراج کودک به اتاق دیگر و دست آخر تنبیه بدنی، همگی می توانند از مصادیق تنبیه به شمار آیند.

### هدف از تنبیه

هدف از تنبیه، تحقیر شخصیت کودک نیست. ما به هیچ عنوان اجازه نداریم شخصیت فرزندمان را خرد کرده و عزت نفس او را از پایمال کنیم؛ بلکه هدف از تنبیه، قرار دادن کودک در بستری است تا بتواند به تعادل رفتاری و شخصیتی برسد. تنبیه باعث می شود که فرزند در شرایطی که از تعادل رفتاری خارج شده مقدراری تحت



فشار قرار گیرد. کودک ما در اثر این فشار از درون با خودش درگیر می شود و در اثر فشاری که متحمل می شود، می تواند تصمیم درستی برای راه و روش خود بگیرد و کارهای اشتباه خود را کنار بگذارد. برخی از والدین بدون در نظر گرفتن هدف اساسی از تنبیه کودک، گمان می کنند تنبیه وسیله ای برای خنک کردن دل و ابراز خشم نسبت کار زشت فرزند است. این نگرش به تنبیه به هیچ وجه صحیح نبوده و در دراز مدت صدمات جبران ناپذیری در روحیه ی فرزند ما به جای خواهد گذاشت.

### چند نکته:

#### ۱. تنبیه زیاد، نشانه ی عجز است

والدینی که تنبیه را در اولویت کار تربیتی خود قرار می دهند، یا این که به وفور از آن استفاده می کنند، بیش از هر چیز به عجز و ناتوانی خود در تربیت صحیح فرزند اعتراف کرده اند. این والدین که صبر و حوصله ی لازم برای تربیت فرزند خود را ندارند، با توسل به زور، قرار دادن کودک در فشارهای روانی، و حتی تنبیه کودک در صدد آن هستند تا خیلی زود به نتیجه ی دلخواه خود در تربیت فرزندانشان دست یابند.

فرزندان این والدین به خاطر نجات از این فشارها، به صورت کاملاً تصنعی خود را کودکانی با ادب جلوه می دهند، اما در درون





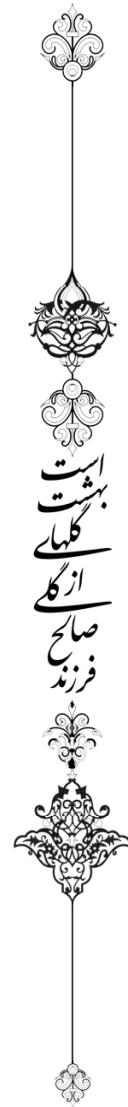
خود نه تنها انگیزه‌ای برای کنار گذاشتن کارهای زشت و ناپسند نمی‌بینند، بلکه در تلاشند تا به دور از چشم والدین، فرصتی به دست آورند تا دوباره اقدام به کارهای اشتباه گذشته کنند و بیش از این در حسرت انجام این کارها نمانند.

### ۲. در رسیدن به اهداف تربیتی عجله نکنیم

یکی از دلایل متوسل شدن زود هنگام والدین به تنبیه و فشارهای ناشی از آن، کم حوصلگی آنها در تربیت فرزند و میل به دستیابی سریع به نتیجه‌ی تربیتی دلخواه در حق فرزند است. خوب است به این مطلب توجه کنیم که تربیت اصولی، زمان‌بر و طولانی‌مدت است و هرگز نباید انتظار داشت که در کوتاه مدت به همه‌ی اهداف تربیتی دست یافت. بیشتر اهدافی که در ظرف زمانی بسیار کوتاه به نتیجه می‌رسند، به دلیل این که پشتوانه‌ی استواری ندارند، مقطعی و زودگذر بوده و همانند ساختمانی می‌شوند که بدون توجه به اصول مهندسی، بر روی شن و ماسه بنا شده باشد.

### ۳. تنبیه برای تربیت است

هدف از تنبیه، تربیت کودک است، نه وسیله‌ای برای ابراز خشم و خنک کردن دل! تنبیهی که برخاسته از غضب باشد، نه تنها اثر چندانی، بر روی کودک ندارد، بلکه موجب بروز صدمات جبران‌ناپذیری در رفتار فرزندان خواهد شد.



### ۴. تنبیه یا تحقیر؟!

تنبیه با تحقیر کودک کاملاً متفاوت است. غرض ما از تنبیه، تحقیر کودک نیست؛ ما به هیچ عنوان اجازه نداریم کودک را تحقیر کرده و شخصیت و عزت نفسش را زیر سؤال ببریم. روی همین اساس باید از تنبیه کودک جلو چشم دیگران به شدت اجتناب کرده و هنگام تنبیه از الفاظی که دال بر بی‌احترامی و تحقیر شخصیتی است استفاده نکنیم.

### ۵. علت تنبیه

اگر کودک را تنبیه می‌کنیم، باید علت تنبیه شدن خود را بداند تا ضمن آن که خود را بی‌گناه و مظلوم نمی‌بیند، در صدد رفع مشکل خود بر آید. پس قبل از تنبیه اصول خانواده را به صورت شفاف به او گوشزد کنیم و مطمئن شویم که منظورمان را به خوبی فهمیده است. همچنین این کار موجب می‌شود تا والدین خود را ظالم و پرخاشگر ندانسته و تصور نکنند که آنها او را دوست ندارند. البته توجه داشته باشیم که کودک به خاطر هر کاری که به نظر ما اشتباه است مستحق تنبیه نیست؛ بلکه تنها جایی می‌تواند مستحق تنبیه باشد که با عقل خود زشتی آن کار را درک کرده و یا این که قبلاً در مورد ترک آن کار با او صحبت کرده باشیم.

۶. تنبیه حدّ اقلی

تا زمانی که امکان دارد با محبت و صحبت منطقی با فرزندانمان رفتار کنیم و آنها را متوجه اشتباهشان نماییم هرگز از ابزار تنبیه استفاده نکنیم هر چند که این تنبیه در حدّ یک نگاه معنادار باشد. اگر لازم شد که آنها را تنبیه کنیم، مراقب باشیم که از حدّ اقل ابزار تنبیهی استفاده کنیم و بدون جهت از ابزارهای سخت‌تر استفاده نکنیم.

۷. در نظر گرفتن ظرفیت کودک

اگر لازم شد برای مدّتی با فرزندمان صحبت نکنیم و یا او را به اتاقی دیگر بفرستیم<sup>۱</sup> حتما ظرفیت او را در نظر بگیریم و بیش از اندازه به این کار ادامه ندهیم. چرا که در این صورت یا ممکن است کودک ما به شرایط جدید عادت کند و کار ما بدون نتیجه بماند، و یا ممکن است که کودک صدمه‌ی عاطفی شدیدی ببیند و مشکل پیچیده‌تر شود.

۸. تنبیه، دارویی است که عوارض دارد

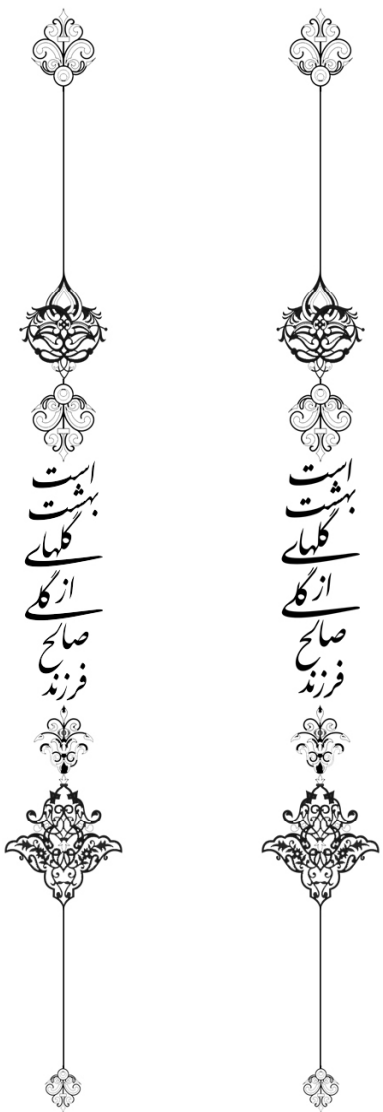
توجه داشته باشیم که در تنبیه بدنی، نباید صدمه‌ای به جسم کودک وارد کنیم. تنبیه بدنی همانند دارویی حسّاس و ویژه است که

۱. با خاموش کردن چراغ و انجام کارهای دیگر، اتاق تبعید کودک را ترسناک نکنید، چرا که برای کودک مشکل دیگری ایجاد می‌کند. از سویی این اتاق، محلّ مناسبی برای تفریح او هم نباید باشد چرا که به جای خلوت با خود و تمرکز بر روی اشتباهاتش، مشغول بازی و خوش‌گذرانی خواهد شد.

دارای عوارض جانبی هم می‌باشد. روشن است که در استفاده از چنین دارویی باید دو اصل مهم مورد توجه قرار گیرد؛ اول این که تا یقین نکنیم برای اصلاح کار کودکمان راه دیگری نیست نباید از آن استفاده کنیم. دوم این که با توجه به عوارض آن، نوع استفاده باید در حدّ اقل ممکن بوده و زیاده‌روی نکنیم.

۹. برخی از عوارض تنبیه بی‌مورد

- الف) موجب از بین رفتن شخصیت و عزّت نفس کودک ما می‌شود. در چنین مواردی کودک ما خود را موجودی کوچک، خوار و توسری‌خور می‌بیند که آمادگی پذیرش هر نوع ذلّت و خواری را دارد.
- ب) موجب بروز ترس و دلهره در فرزند و از بین رفتن اعتماد به نفس او می‌شود.
- ج) این تنبیه موجب می‌شود تا کودک ما خودش را مظلوم و والدینش را ظالم ببیند. نتیجه‌ی چنین بینشی در فرزند ما این است که در واقع به جای آن که با درون خود درگیر شود و کار زشتش را کنار بگذارد، به دنبال تقویت حسّ نفرت و انتقام‌جویی رفته و حتی با لج-بازی به کار زشتش ادامه دهد.
- د) در صورتی که فرزند به تنبیه عادت کند، کارهای خلاف او جز با شیوه‌ی تنبیه، قابل اصلاح نخواهد بود. و در این جا ما فرصت استفاده از شیوه‌های ملایم را از دست خواهیم داد.



## پول توجیبی

یکی از اموری که در تربیت فرزندان ما نقش دارد، موضوع پول توجیبی است. فرزندان ما از جهات مختلفی نیاز به پول توجیبی دارند. توجه به فوائد پول توجیبی و نیز توجه به چگونگی پرداخت پول و مدیریت هزینه کردن آن از اموری است که باید دقت زیادی روی آن داشت.

### چند نکته:

#### ۱. پول توجیبی و ضرورت آن

اگر برای کودکان مان خوراکی می‌خریم، نباید تصور کنیم که دیگر نیازی به پول توجیبی ندارند. کودکان ما دوست دارند خودشان به مغازه بروند و خوراکی دلخواهشان را از آنجا بخرند. اگر این کار را انجام ندهیم، ممکن است پول مورد نیاز خود را از راه‌های غیر اخلاقی فراهم آورند و در این صورت علاوه بر آموختن دزدی و دروغ‌گویی، مبتلا به ولخرجی و زیاده‌خواهی هم خواهند شد.

#### ۲. پول توجیبی و عزت نفس

فرزندان ما در مدرسه و در راه مدرسه با دوستانشان معاشرت دارند. این دوستان ممکن است تصمیم بگیرند برای خود خوراکی



خاصی را بخرند و در کنار هم آن را بخورند. در این صورت فرزندان ما که از گرفتن پول توجیبی محروم شده، یا ممکن است هر بار خود را سربار یکی از دوستانشان کرده و عزت نفسشان را به باد دهند و یا ممکن است خجالت‌زده از جمع دوستان کناره‌گیری کرده و به انزوا کشیده شوند. حتی امکان دارد فرزندان ما راه سوّمی را انتخاب کنند و آن دزدیدن پول از خانه است که تبعات آن هم کمتر از دو مورد قبلی نیست.

#### ۳. پول توجیبی و آشنایی با پول

کودکان ما از همان ابتدا باید با پول آشنا شوند و بتوانند طریقه‌ی استفاده‌ی صحیح از آن را بیاموزند. فرزندان ما باید بیاموزند که در هزینه‌کردن پول زیاده‌روی نکرده و مازاد بر نیازشان را پس‌انداز کنند. برخی از بچه‌ها به محض این که پولی به دست می‌آورند یک روزه تمام آن را صرف عیش و نوش خود کرده و برای روزهای دیگر خود چیزی نمی‌گذارند. این اخلاق نه تنها در میان این کودکان، بلکه در میان برخی از بزرگسالان هم دیده می‌شود که هنر پس‌انداز پول را از کودکی نیاموخته و آن را خرج امور بیهوده می‌کنند.

#### ۴. پول توجیبی و مقدار آن

علاوه بر این که در پرداخت پول توجیبی مبتلا به افراط و تفریط نمی‌شویم، باید از متوسط پول توجیبی دانش‌آموزان مدرسه‌ی

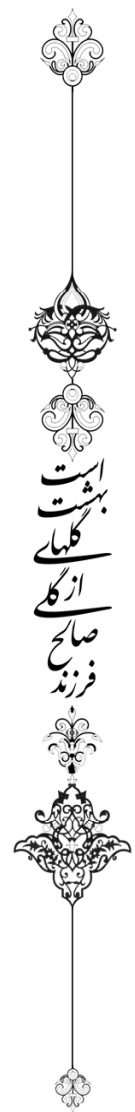
فرزندمان هم مطلع باشیم تا با در نظر گرفتن آن، به فرزندمان پول توجیبی بدهیم. اگر پول توجیبی فرزندان ما خیلی کمتر از پولی باشد که دانش‌آموزان دیگر به مدرسه می‌آورند، ممکن است آنها نزد دوستان خود تحقیر شوند و اگر هم پول توجیبی آنها خیلی بیشتر از مقداری باشد که دانش‌آموزان دیگر به مدرسه می‌آورند ممکن است علاوه بر بالا رفتن آستانه‌ی رضایت‌مندی و سطح توقع، به «خودپسندی» و «تکبر» مبتلا شوند. علاوه بر آن، ممکن است برخی از دانش‌آموزان فرصت‌طلب به طمع پول فرزندانمان با آنها طرح دوستی ریخته و مشکلاتی برایشان فراهم آورند.

### ۵. پول توجیبی و نظارت والدین بر هزینه‌ها

روی پول‌ها و پس‌انداز و دخل و خرج فرزندانمان نظارت داشته باشیم تا بدانیم پول توجیبی خود را در چه راه‌هایی مصرف می‌کنند و با پس‌انداز خود چه می‌کنند. اگر متوجه شدیم که در خریدهای خود دچار اشتباه شده‌اند، آنها را راهنمایی کنیم.

### ۶. پول توجیبی و مدیریت هزینه‌ها

چون فرزندان ما در ابتدا درک صحیحی از پس‌انداز ندارند، و ممکن است یکباره پول‌های خود را خرج کنند، باید به صورت روزانه به آنها پول بدهیم. اما به تدریج که درک بهتری پیدا کردند، پول روزانه را تبدیل به پول هفتگی کنیم تا بتوانند مدیریت هزینه



کردن آن را بیاموزند. و بعد که بزرگتر شدند می‌توانیم پول را دو هفته یکبار و بلکه ماهی یکبار به آنها بدهیم. توجه داشته باشیم که اگر فرزندان پول‌های خود را زودتر از موقع هزینه کردند، به هیچ وجه پول اضافه‌ای به آنها ندهیم تا با چشیدن سختی بی‌پولی، مجبور شوند در هزینه‌های بعدی خود مدیریت بهتری داشته باشند.

### ۷. پول توجیبی و تشویق به پس‌انداز

جهت تشویق فرزندانمان به پس‌انداز، می‌توانیم حساب پس‌اندازی برای آنها باز کنیم و به ازای هر مقدار پس‌اندازی که دارند، مقداری هم به آنها هدیه بدهیم.

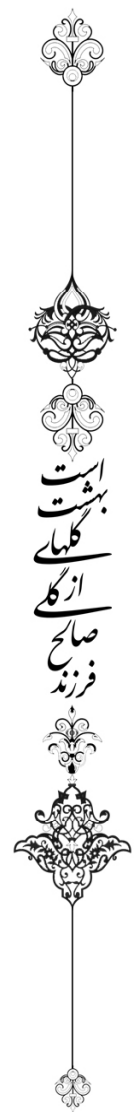
### ۸. پول توجیبی و جلوگیری از مال‌اندوزی

همان‌گونه که بی‌انضباطی در هزینه کردن پول مضر است، پس‌انداز و مال‌اندوزی بیش از حد هم صدمات خاص خود را خواهد داشت.

عده‌ای از مردم، از پول فقط پس‌انداز آن را آموخته و از جمع‌آوری آن لذت می‌برند. این‌گونه افراد وقتی هم ازدواج می‌کنند، همسر و فرزندان خود را در مضیقه قرار داده و دوست دارند حساب بانکی خود را انبوه‌تر ببینند. بنابراین، باید همان‌گونه که به کودکانمان پس‌انداز کردن را می‌آموزیم، به همان صورت هم هزینه کردن پول را آموزش دهیم. برای این منظور به کودکانمان توصیه کنیم که مقداری از



پول خود را حتما هزینه کرده و همه‌ی آن را پس‌انداز نکنند. علاوه بر این، تشویق کودک به صدقه و احسان به نیازمندان هم راه‌گشای خوبی برای دور افتادن آنها از این دام بزرگ است.<sup>۱</sup>



### لحاجت‌های کودکان

گاهی در کوچه، خیابان و حتی مهمانی‌ها، با بچه‌هایی مواجه می‌شویم که برای رسیدن به خواسته‌های خود به شدت گریه و زاری راه می‌اندازند و با فریادزدن و نشستن بر روی زمین و حتی کوبیدن سر خود به دیوار، سعی می‌کنند تا والدین را تسلیم خود کرده، به خواسته‌های خود دست یابند. این رفتار کودک نشان‌دهنده‌ی اشتباهات تربیتی والدین می‌باشد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

#### ۱. توجه به خواسته‌های منطقی کودک

وقتی کودک ما خواسته‌های منطقی خود را مطرح می‌کند، سعی کنیم در اولین فرصت ممکن، به خواسته‌ی او رسیدگی کنیم. به عنوان مثال وقتی کودک سه ساله از مادر تقاضای آب می‌کند، مادر باید همه‌ی کارهای خود را زمین گذاشته و آب را در اختیارش قرار دهد. ممکن است مادر بگوید: «یک ربع صبر کن تا آب بیاورم!» اما توجه ندارد که مرور زمان برای کودکان، بسیار کندتر از بزرگترها است، و نمی‌توان انتظار داشت که کودک بتواند یک ربع صبر کند و چیزی نگوید.<sup>۱</sup>

۱. توجه داشته باشیم که با بالا رفتن سن کودک، باید با در نظر گرفتن ظرفیت کودک، صبر و خویشتن‌داری را هم به او آموزش دهیم.

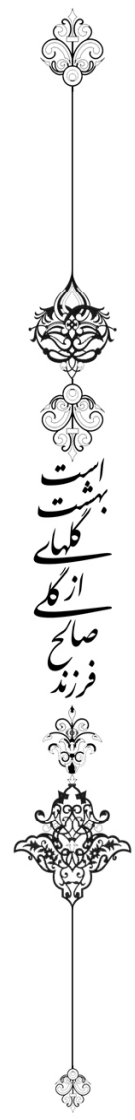
۱. خانمی می‌گفت: «ما در شهری که زندگی می‌کنیم کسی را نداریم و شوهرم هم شغل آزاد دارد. او از ساعت شش صبح از خانه بیرون می‌رود و یازده شب به خانه برمی‌گردد. من تمام روز را منتظر می‌نشینم تا به خانه بیاید، اما گویا شوهرم جز پول به چیز دیگری نمی‌اندیشد. مدام می‌گوید باید کار کنیم تا زندگی خوبی داشته باشیم! شوهرم فقط پس‌انداز می‌کند و حتی حاضر نیست متقبل هزینه‌های ضروری خانه شود. نمی‌دانم زندگی برای پول جمع‌کردن است، یا پول برای زندگی کردن؟!».

۲. آسیب بی‌توجهی به خواسته‌های منطقی

اگر به این نوع خواسته‌ها به سرعت رسیدگی نشود، کودک به تدریج صدای خود را بلند و بلندتر خواهد کرد تا زودتر به خواسته‌اش برسد. در نهایت هم والدین مجبور می‌شوند خواسته‌اش را برآورده کنند. وقتی والدین این گونه رفتار کردند، کودک، برای ابراز نیازهای بعدی خود تصمیم می‌گیرد به جای آن که با آرامش خواسته‌اش را مطرح کند از همان ابتدا میان‌بر رفته و با صدای بلند، خواسته‌اش را مطرح نماید!

۳. برآورده نکردن خواسته‌های غیرمنطقی کودک

اگر کودک ما خواسته‌ی نا به جایی را مطرح کرد و از ما انتظار داشت تا خواسته‌اش را برآورده کنیم، به هیچ وجه تسلیم اصرار او نشده و خواسته‌اش را برآورده نکنیم. بلکه با صبر و حوصله با او بگوییم: «عزیزم! این چیزی که شما می‌خواهی من نمی‌توانم انجام دهم؛ پس، اصرار هم نکن!» وقتی کودک ما مطمئن شد که به هیچ وجه حاضر به برآورده کردن حاجتش نیستیم، بعد از مدتی کلنجار رفتن با خود، خسته می‌شود و دیگر چنین خواسته‌ای را مطرح نمی‌کند. البته در مورد کودکانی که در سنین پایین‌تر هستند، بهتر است به گونه‌ای رفتار کرد که ذهنشان منصرف به کار دیگری شده و خواسته‌ی غیر منطقی خود را از یاد ببرند.



۴. آسیب‌های برآورده کردن خواسته‌های غیرمنطقی

اگر برخی از مواقع - هر چند به بهانه‌ی تشویق - تسلیم خواسته‌های غیرمنطقی او شدیم در می‌یابیم که می‌تواند با اصرار و خواهش، و یا حتی با گریه و خودزنی، در والدین خود نفوذ کرده و به خواسته‌اش برسد. بنابراین، همچنان به لجاجت خود ادامه می‌دهد.

دو تذکر:

- (۱) استفاده از تنبیه بدنی در چنین مواقعی بسیار مضر است. متأسفانه برخی از والدین که در عمل به مسائل ذکر شده کوتاهی می‌کنند، جهت کنترل رفتار فرزندانشان، دست به تنبیه بدنی زده و به شدت او را کتک می‌زنند. چنین رفتاری علاوه بر آن که کودک را لجوج‌تر می‌کند، موجب تضعیف عزت نفس او هم می‌شود.
- (۲) گاهی اوقات علت این گونه رفتارها در کودکان، ارتباطی با تربیت والدین ندارد؛ بلکه صرفاً ریشه‌ی آن در مشکل بیش‌فعالی کودک است. به همین دلیل، والدین باید به محض مشاهده‌ی علائم این مشکل، به روانپزشک مراجعه کرده و مشکل او را حل کنند.



### مال حرام

یکی از عوامل مؤثر در تربیت کودک، لقمه‌ی حلال است. رزق حلال به زندگی ما و فرزندانمان برکت می‌دهد و موجبات خشنودی خداوند را فراهم می‌آورد. با رزق حلال، فرندانمان راه رستگاری را در پیش روی خود هموارتر دیده و زمینه‌ی رسیدن به کمال برای آنها فراهم‌تر می‌گردد.

کسب حلال چنان اهمیتی دارد که در روایات آمده است: «کسی که در طلب روزی حلال است همانند مجاهد در راه خدا بوده و نُه جزء از ده جزء عبادت را به دست آورده است.» امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کسب حرام اثر خود را در ذریه‌ی انسان به جای خواهد گذاشت.»<sup>۱</sup>

یکی از آثار لقمه‌ی حرام، بی‌اعتنایی فرزندان در پذیرش حق و حقیقت است. وقتی شکم کسی انباشته از مال حرام شد، تاریکی آن همه‌ی وجودش را فرا گرفته و حاضر است به آبروی خود و خانواده‌اش چوب حراج بزند اما ذره‌ای از خواسته‌های نفسانی خود

۱. وسائل الشیعه، جلد ۱۷، صفحه‌ی ۸۲.

کوتاه نیاید.

کم نیستند فرزندانی که به دلیل خوردن مال حرام، همه‌ی زحمات والدین خود را نادیده گرفته و در جاده‌های گمراهی و ضلالت افتاده‌اند.

کم نیستند فرزندانی که به خاطر خوردن مال حرام، همچون گرگی به جان والدین خود افتاده و روزگار را به کام آنها سیاه کرده‌اند. تا جایی که والدین آنها خود را در محمصه‌ای گرفتار می‌بینند که نه راه پس دارند و نه راه پیش. نه می‌توانند او را رها کنند و نه می‌توانند با او زندگی کنند!

همچنین به کودکانمان بیاموزیم که در زندگی خود به مال حرام نزدیک نشده، و در رفتار خود مراقب حقوق دیگران باشند. وقتی قصد دارند به وسایل شخصی دیگران دست بزنند اول از صاحبش اجازه بگیرند و هنگام استفاده از وسایل دیگران هم مراقب باشند که به نحو صحیحی از آن استفاده کنند.

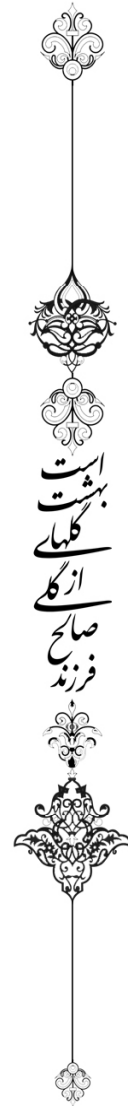
دوری جستن از مال حرام مستلزم توجه به دو چیز است: «خداترسی» و «احترام به حقوق دیگران». اگر بتوانیم این دو امر را در کودکانمان تقویت کنیم، تا حدّ زیادی موفق شده‌ایم در دوری جستن از مال حرام به او یاری رسانیم.



## تکبر و خودخواهی

یکی از مهم‌ترین معضلاتی که در مراکز مشاوره با آن برخورد می‌کنیم، موضوع تکبر و خودخواهی است. خودخواهی موجب می‌شود تا انسان «نفس خود» را محور اصلی دانسته و برای «دیگران» ارزشی قائل نباشد. انسان خودخواه، با شعار «همه‌ی عالم فدای یک تار موی من!» با دیگران برخورد می‌کند. چنین کسی وقتی بر کسی مسلط شد، آن‌چنان بی‌رحمانه با او رفتار می‌کند که گویی با دشمن دیرین خود مواجه شده، و زمانی هم که به دیگران محبت کند، هدفی جز رسیدن به نفع شخصی و بهره‌برداری از آن‌ها ندارد.

والدین، یکی از مهم‌ترین علت‌های آلودگی انسان به این رفتار ناصحیح هستند. رفتارهای غلط و آشنا نبودن با شیوه‌های صحیح تربیتی موجب می‌شود تا فرزندان‌شان به تکبر و خودمحوری گرایش پیدا کرده، و با رفتار خود، دیگران را آزار دهند. روی همین اساس، والدین وظیفه دارند کودک خود را از خودخواهی و تکبر دور کرده و با ایثار و فداکاری آشنا سازند. توجه بیش از حد به کودک و اعطای امتیازهای نادرست به او موجب می‌شود تا خود را مستحق آن رفتارها دانسته و گمان کند بر دیگران برتری و شرافت دارد. پس اگر دوست داریم به فرزند خود محبت کنیم، به گونه‌ای عمل نکنیم که از



تبادل رفتاری خارج گردد. برخی از محبت‌ها قبل از آن‌که خدمتی به فرزند باشد، خیانت در حق او بوده و موجب می‌شود تا همین والدین، اسیر و گرفتار دستان زیاده‌خواه فرزند خود شوند.

## نمونه‌ی عینی

مادری می‌گفت: بعد از بیست و پنج سال خون دل خوردن و تحمل مشقت مستأجری، خانه‌ی کوچکی تهیه کردیم و در آن ساکن شدیم تا این‌که پسر بزرگ شد. او بدون توجه به واقعیت‌های زندگی و مشقت فراوان پدر، پاهایش را در یک کفش کرد که باید خانه را بفروشیم تا برای او سرمایه‌ی کار فراهم کنیم!

آن مادر می‌گفت: خیلی پسر را دوست دارم و نمی‌دانم چه کار کنم. از یک طرف فروش خانه برای ما ممکن نیست و از طرف دیگر می‌ترسم برای پسر عزیزم اتفاقی بیفتد!

بعد ادامه داد: جریان ازدواجش هم این‌گونه بود که دختری را پسندید و گفت: «شما چه قبول کنید و چه قبول نکنید، من این دختر را می‌خواهم.» بعد هم ازدواج کرد و رفت! حالا باز هم دست بردار نیست. مدام پیله کرده که شما خانه را باید بفروشید تا من به زندگی خودم توسعه بدهم.<sup>۱</sup>

۱. محبت بی‌جا و آشنا نکردن کودک با ایثار و تواضع از مهم‌ترین علت‌های بروز مشکل برای این خانواده است. توجه بفرمایید با وجود این که این پسر چنین رفتار متکبرانانه‌ای در حق والدین



چند نکته

۱. الگودهی به کودک

کودکان ما قبل از هر چیز از رفتار ما تصویربرداری می‌کنند و در اغلب این رفتارها همانند ما می‌شوند. اگر دوست داریم فرزندانمان متواضع و به دور از تکبر داشته باشیم باید در تلاش باشیم تا خود از این صفت رذیله دور باشیم. روی همین اساس باید رفتار خود با دیگر اعضای خانواده را بر اساس ایثار و گذشت قرار داده و به صورت عملی به کودکانمان بیاموزیم که این‌گونه زندگی کنند.

۲. محبت‌های در دسر ساز

برخی از والدین هنگام صرف غذا یا تنقلات، مقداری از سهم خود را به کودکان می‌دهند. این کار فی‌نفسه کار خوبی است؛ اما باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر آن که نشان‌دهنده‌ی عمق محبت شما به کودک است، درسی عملی برای او باشد تا سعی کند خود نیز در زندگی، اهل گذشت بوده و به خاطر دیگران از سهم خود بگذرد؛ منتهی توجه داشته باشیم که کم‌دقتی و تکرار بیش از حد این کار، کودک را دچار توهم خود برتر بینی نماید. در این صورت کودک پا

خود دارد و در مواجهه با آنها رعایت احترام و ادب را نمی‌کند، باز هم مادر حاضر نیست برای مدتی با او سر و سنگین رفتار کند تا دست از زیاده‌خواهی خود بکشد. او مدام می‌گوید: «بسر مرا دوست دارم و نمی‌خواهم ناراحتی او را ببینم!».

را از گلیم خود فراتر نهاده و گمان می‌کند این کار وظیفه‌ی شماست و او باید حقی بالاتر از دیگران دارا باشد تا جایی که اگر به زیاده‌خواهی‌های او اعتنا نکنید، به شدت اعتراض کرده و همانند کسی که حق مسلمش غصب شده، مقابل شما خواهد ایستاد.

۳. بچه‌های یکی یک دانه

بچه‌های یکی یک دانه‌ای که با هزار نذر و نیاز به دنیا آمده‌اند، ممکن است در معرض محبت‌های غیر متعارف والدین قرار گیرند. توجه داشته باشیم که توجه بیش از حد به آن‌ها ممکن است آن‌ها را مبتلا به غرور و خودبینی کرده و از تعادل رفتاری خارج نماید.

۴. کودکانی که از ویژگی خاصی برخوردارند

مراقب بچه‌هایی که از ویژگی‌های خاصی برخوردار هستند باشیم. مانند: «زیبایی»، «شیرین‌زبانی»، «تیزهوشی» و «فرزند آخر بودن».

برخی از والدین که چنین فرزندان دارند، عدالت را کنار گذاشته و بین فرزندان‌شان تبعیض قائل می‌شوند. این رفتارهای غیر عادلانه علاوه بر آن‌که موجب بُروز حسّ تنفّر و در نتیجه جدایی بین فرزندان می‌شود؛ موجب می‌گردد که کودک شما بدون توجه به حق دیگران و بدون این‌که احترامی برای آن‌ها قائل باشد، انتظار داشته باشد که مردم در خدمتش بوده و در مقابل خواسته‌هایش سر تعظیم



### ۶. صدقه و ایثار مال

حقیقت صدقه، دل کندن از مال دنیا و ایثار آن به دیگری است. برای این که کودکانمان با این عبادت آشنا شوند، گاهی اوقات صدقات خود را به دست آن‌ها بدهیم تا با دست خود در صندوق-های صدقات بیندازند. همچنین با شمردن فواید صدقه و با ذکر مشکلات مستمندان، آن‌ها را تشویق نماییم که در این عبادت الهی سهمی داشته باشند.



بر زمین بگذارند. این گونه افراد - به دلیل زیاده‌خواهی خود - قدرت تعامل صحیح با دیگران را از دست داده و با رفتارهایشان خود را به انزوا می‌کشانند. آن‌ها غالباً زندگی خود را در حالت قهر و آشتی با دیگران سر می‌کنند و بیش از هر چیز خود را در سختی و عذاب قرار می‌دهند.

### ۵. خواسته‌های نابه‌جای کودک

اگر فرزندان ما انتظار حق بیشتری داشته و گمان کردند که باید بیش از دیگر اعضای خانواده استفاده کنند، به هیچ وجه تسلیم خواسته‌ی آن‌ها نشده و به شیوه‌ی صحیح به آن‌ها تذکر دهیم. شخصی نقل می‌کرد هنگام صرف تنقلات، فرزندم با نشانه‌ی ناراضایتی به بشقاب خود نگاه می‌کرد و - با وجود این که سهمش به اندازه بود - نسبت به کم بودن سهمش اعتراض داشت. او می‌گفت برای این که به او بفهمانم حقیقت کارش چیزی جز «خودخواهی» نیست، او را مورد تفقد قرار داده و بیش از نیمی از سهم خود را به او دادم! کودک با دیدن این منظره متوجه زشتی کارش شده و با شرمندگی از کارش پشیمان شد. ماندگاری خاطره‌ی تلخ این رفتار در ذهن کودک هم موجب شد تا دیگر چنین تقاضایی نداشته باشد.



## آداب اجتماعی

ادب در گفتار و رفتار بهترین زینت برای کودکان محسوب شده و نشانه‌ی کمال عقل و بالندگی آن‌ها است. شخص باادب ظرافت در گفتار و رفتار دارد و به همین دلیل می‌تواند با دیگران معاشرت خوبی داشته باشد. مهم‌ترین نکته‌ای که در تربیت کودک باید مد نظر قرار گیرد، آموزش ادب است.

امام سجاده علیه السلام در رابطه با حقوق فرزند می‌فرماید:

«موظف هستی فرزندان را با آداب و اخلاق پسندیده پرورش دهی.»

همچنین امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید:

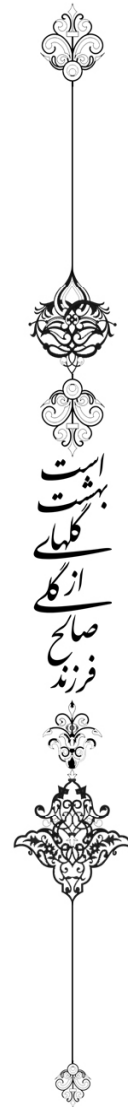
«بخشش و تفضل هیچ پدری به فرزندش، بهتر از عطیه‌ی ادب و تربیت پسندیده نیست.»<sup>۱</sup>

جهت مزین شدن کودک به آداب اجتماعی توجه به نکات ذیل ضروری است:

### ۷. آموزش سلام و گشاده‌رویی

به کودکانمان بیاموزیم که با دیگران با گشاده‌رویی برخورد کرده و به آن‌ها سلام کنند. طبیعی است که در ابتدای کار وقتی با دیگران برخورد می‌کنند ممکن است سلام کردن را فراموش کنند یا این‌که

۱. مستدرک الوسائل، جلد ۱۵، صفحه ۱۶۴.



روی حس بازی‌گوشی یا به خاطر خجالت‌زدگی، به آن‌ها سلام نکنند. به همین دلیل خوب است با صبر و حوصله به آن‌ها یادآوری کنیم تا به تدریج به این کار عادت کنند.

### ۸. آموزش خوش آمد گویی به مهمان

به کودکانمان بیاموزیم که با مهمان‌های محرم دست بدهند و به آن‌ها خوش آمد گویند. در این صورت هم قبل از آمدن میهمان به آن‌ها یادآور شویم که هنگام ورود میهمان چگونه رفتار کنند. و وقتی هم میهمان وارد شد، برای این‌که به خجالت خود غلبه کند به او بگوییم: عزیزم! به میهمان‌ها دست نمی‌دهی؟! به آن‌ها بگو خوش آمدید! البته لازم به ذکر است که نباید روی بچه فشار روانی وارد شود. کودک ممکن است در ابتدا به کلی از انجام این کار سر باز زند. در این صورت هیچ نوع واکنش منفی از طرف ما نباید ببیند. منتهی به دور از چشم میهمان خوب است به او بگوییم: «عزیزم! از این‌که پیش میهمان باادب بودی خیلی خوشحالم. منتهی چقدر خوب بود که سلام می‌کردی و به او خوش آمد می‌گفتی!».

### ۹. آموزش پذیرایی از مهمان

وقتی میهمان به خانه می‌آید قدری از کار پذیرایی میهمان را به کودکانمان بسپاریم تا ضمن این‌که احساس ارزشمندی پیدا می‌کند، در تقویت رفتار اجتماعی خود هم گام مهمی برداشته باشد.

۱۰. آموزش صحبت در جمع

به کودکانمان اجازه دهیم تا جلو جمع صحبت کرده و مطالب خود را به راحتی مطرح نمایند. توجه داشته باشیم که یکی از علتهای صحبت نکردن کودکان در میان جمع، ترس از اشتباه و واکنش والدین به اشتباهات گفتاری آنهاست. به همین دلیل اگر اشتباهی در رفتار و گفتارشان مشاهده کردیم، هرگز با الفاظ تند و سرزنش‌های تحقیر آمیز، آنها را در معرض فشارهای روانی قرار ندهیم؛ بلکه با لطیف‌ترین عبارتها او را متوجه اشتباهش نماییم. لازم به تذکر است که تا جایی که شده باید این تذکر در حضور مهمان و هم سن و سالان او نباشد؛ بلکه می‌توانیم این تذکر را در اتاق دیگر یا به صورت در گوشی با او مطرح نماییم.

۱۱. آموزش آداب غذا خوردن

غذا خوردن برای خود آدابی دارد که مزین شدن کودک ما با این آداب ثمرات خوبی را به همراه دارد. به عنوان مثال به آنها بیاموزیم سر سفره مؤدبانه نشسته و احترام برکت الهی را حفظ کنند. هنگام غذا خوردن به نحوه‌ی غذا خوردن دیگران نگاه نکنند و غذای خود را هم با عجله میل نکنند. غذا را کم حساب نکنند و به خاطر نوع غذا به مادر بی‌احترامی نکنند. لقمه‌ها را کوچک بردارند و هنگام غذا خوردن، غذا را روی زمین و کنار بشقاب نریزند.



۱۲. آموزش همسایه‌داری خوب

اغلب خانه‌ها به گونه‌ای است که ایجاد سر و صدا در یک خانه موجب آزار و اذیت همسایه‌ها خواهد شد. بنابراین، به کودکانمان بیاموزیم که صدای وسایل صوتی تصویری را تا حدی بلند نکنند که برای همسایه‌ها ایجاد اذیت و آزار کند. اگر در طبقه‌ی زیرین ما کسی زندگی می‌کند، طوری قدم برداریم که برای آنها ایجاد مزاحمت نکند.

۱۳. آموزش تبریک و تسلیت‌گویی به آشنایان

یکی از جلوه‌های زیبای زندگی اجتماعی این است که نسبت به خوشی‌ها و ناخوشی‌های دیگران بی‌تفاوت نباشیم. اگر خیری به آنها رسید به آنها تبریک بگوییم و اگر مصیبتی برای آنها رخ داد، به آنها تسلیت بگوییم. در ابتدا سعی کنیم وقتی که قصد داریم به خاطر خرید منزل، ماشین و امثال آن به نزدیکان خود تبریک بگوییم از قبل با فرزندانمان هم هماهنگ کنیم تا آنها هم تبریک بگویند. وقتی سن بچه‌ها بیشتر شد به آنها بیاموزیم که در مصیبت‌ها هم به دیگران تسلیت بگویند و با آنها ابراز همدردی نمایند.

تذکر:

۱. مقایسه‌ی کودک با دیگران

هرگز نباید کودکانمان را با کودکان دیگر مقایسه کنیم؛ این کار

علاوه بر آن که موجب شعله‌ور شدن آتش حسادت و دشمنی در درونشان می‌گردد، باعث می‌شود کارهای شایسته‌ی خود را، نه برای مزین شدن به زینت‌های اخلاقی، بلکه برای جبران تحقیر خود و رسیدن به شخص مورد مقایسه انجام دهند.

### ۲. انتظار بیش از توان کودک

فراموش نکنیم که فرزندان ما کودک هستند. همان گونه که کودکان برای صحبت کردن، دوره‌ی طولانی مدتی را سپری می‌کنند، همان گونه که به تدریج راه رفتن خوب را یاد می‌گیرند، آداب اجتماعی را هم به تدریج و با آزمایش و خطاهای بسیار فرا خواهند گرفت. لذا از همان اوّل کودکان خود را کودک ببینیم و از آنها توقع رفتاری سنجیده و حساب شده نداشته باشیم.

اگر کودکی فرزندان خود را فراموش کنیم، یا از دیدن رفتارهای غیر متعارف او آشفته می‌شویم و یا این که از تربیت اجتماعی او ناامید شده و از این کار مهم دست می‌کشیم.

### ۳. زیاده‌روی در آموزش

اگر کودکانمان در آمدن میهمان احساس ناراحتی کردند و خود را در فشار دیدند باید بدانیم که در آموختن این آداب اجتماعی قدری زیاده‌روی کرده و او را تحت فشار قرار داده‌ایم. پس، در نوع رفتار خود تجدید نظر کنیم.



### احترام به بزرگ‌ترها

احترام به بزرگ‌ترها از جمله رفتارهایی است که قبل از دین، عقل هر انسانی آن را کاری پسندیده می‌داند و ترک آن را هم نشانه‌ی بی‌ادبی و پستی شخص می‌شمارد. یکی از مهم‌ترین علّت‌های بی‌ادبی کودکان در حقّ بزرگ‌ترها، بی‌اهمیتی والدین نسبت به آموزش این امر مهم است. جهت آموزش این امر مهم به کودکان توجه به نکات ذیل ضروری است:

#### ۱. احترام متقابل

اگر توقع داریم که کودکان به بزرگ‌ترها احترام بگذارند باید دقت داشته باشیم که بزرگ‌ترها به آنها توهین نکرده و احترامشان را حفظ کنند. روی همین اساس باید با کودکانمان محترمانه رفتار کنیم و مراقب رفتار دیگران هم با آنها باشیم. اگر متوجّه شدیم که به کودکانمان بی‌احترامی می‌کنند، با ظرافت به آنها تذکر دهیم که چنین کاری نکنند.

#### ۲. الگودهی به کودک

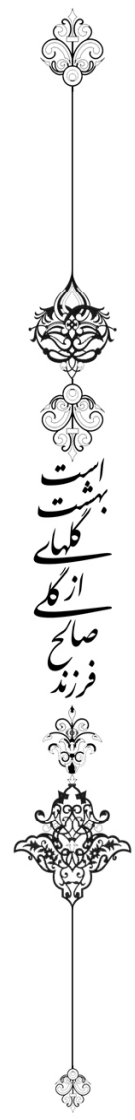
خودمان احترام دیگران را حفظ کرده و با الفاظ تحقیرآمیز دیگران را مخاطب خود قرار ندهیم. این کار علاوه بر آن که گناه است، کودک ما را هم با چنین رفتاری آشنا می‌سازد.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«به پدران خود نیکی کنید تا فرزندان شما در حقّتان نیکی کنند.»<sup>۱</sup>  
 این روایت گویای این حقیقت مهم است که کودکان ما کاملاً از رفتار ما الگو می گیرند. اگر ما به بزرگتر از خود احترام بگذاریم و با آنها محترمانه رفتار کنیم، فرزندانمان هم می آموزند تا در برابر بزرگترها چنین رفتاری داشته باشند. توجه داشته باشیم که اگر احترام والدین خود را حفظ نکنیم، به صورت غیر مستقیم به فرزندانمان آموخته ایم که بزرگترها احترام ندارند. اگر فرزند ما چنین مطلبی را آموخت، به خود ما هم به عنوان بزرگتر، احترامی قائل نبوده و حرمت ما را حفظ نخواهند کرد.

**۳. والدین احترام یکدیگر را حفظ کنند**

یکی از علّت های بی احترامی فرزند در حق والدین، حرمت شکنی خود والدین است. باید دقت داشته باشیم که عیوب همسرمان را نزد کودک بازگو نکنیم و نزد کودک از همسرمان شکایت نکنیم. حتی اگر همسرمان کارهای نادرستی انجام می دهد تا جایی که ممکن است اشتباهاتش را از دید کودک خود پپوشانیم تا حرمت او نزد فرزند از بین نرود و به او به دید شخصی منفی ننگرد. در عین حالی که با کودک مهربان و صمیمی هستیم یاید مراقب باشیم که این



صمیمیت موجب نشود که کودک احترام ما را حفظ نکرده و به این رفتار بد عادت کند.

**۴. از دیگران بدگویی نکنیم!**

غیبت و تهمت را از زندگی خود کنار بگذاریم و عملاً به کودکان بیاموزیم که دیگران محترم هستند و ما هرگز اجازه نداریم به شخصیت آنها توهین کرده و یا این که عیوب آنها را آشکار کنیم. با توجه به این مطلب ممکن است کودکان از دیگران بدگویی هایی داشته باشد. از دوست خود، همسایه و حتی معلّم. اینجا است که ما باید به او یادآور شویم که هرگز از دیگران بدگویی نداشته باشد و بدی های آنها را پیش کسی بازگو نکند.

تذکر: ممکن است برخی از کسانی که فرزندان ما با آنها معاشرت دارند خطاهایی انجام دهند که بازگو نکردن آنها از طرف کودکانمان موجب بروز صدماتی جدی در اخلاق و رفتارشان شود. لذا باید هنگام نهمی کودکانمان از غیبت و بدگویی دیگران به آنها بگوییم که این کار در صورتی زشت است که بدون جهت باشد. اما اگر فکر می کنید که رفتار بد شخصی به شما ضرر می زند و موجب می شود تا شما هم مبتلا به این رفتارهای بد شوید در این صورت باید مشکل را با ما در میان بگذارید تا برای حل مشکل به شما کمک کنیم.

لازم به ذکر است که اگر کودکانمان از کسی غیبت کردند نباید با

۱. بحارالأنوار، جلد ۷۴، صفحه ۶۵، حدیث ۳۱.

آن‌ها با تندی رفتار کنیم، چرا که آن‌ها قبح چنین کاری را نمی‌دانند و هنوز در مرحله‌ی آموزش هستند. از طرفی اگر برخورد تندی داشته باشیم، آن‌ها از ترس برخوردهای بعدی از گفتگوی صمیمی با ما سر باز می‌زنند و اگر هم کسی رفتار ناشایستی با آن‌ها داشت از ترس واکنش ما، آن رفتارها را با ما بازگو نخواهند کرد.

**۵. بزرگترها را با احترام خطاب کنند!**

ممکن است ما به خاطر صمیمیتی که با هم سن و سالان خود داریم، آن‌ها را با نام کوچک و یا بدون به کار بردن الفاظ تکریمی خاص صدا بزنیم. در چنین صورتی ممکن است فرزندمان هم با تاسی از ما آن‌ها را این گونه خطاب کنند. پس باید به آن‌ها بگوییم که اگر ما این گونه با هم صحبت می‌کنیم به خاطر ویژگی سنی ما است اما شما که کوچک‌تر از ایشان هستید نمی‌توانید با ایشان این گونه صحبت کنید، بلکه باید از کلماتی که دال بر احترام است استفاده کنید.

**۶. بزرگترها احترام خود را حفظ کنند**

اگر بزرگترها بیش از اندازه سر به سر کودکانمان بگذارند، ممکن است کودکانمان احترام آن‌ها را حفظ نکرده و رفتار نامناسبی با آنها داشته باشند. در این صورت - اگر امکان دارد - از یک طرف، آن شخص را متوجه نوع کارش کنیم و از طرف دیگر، به فرزندمان هم

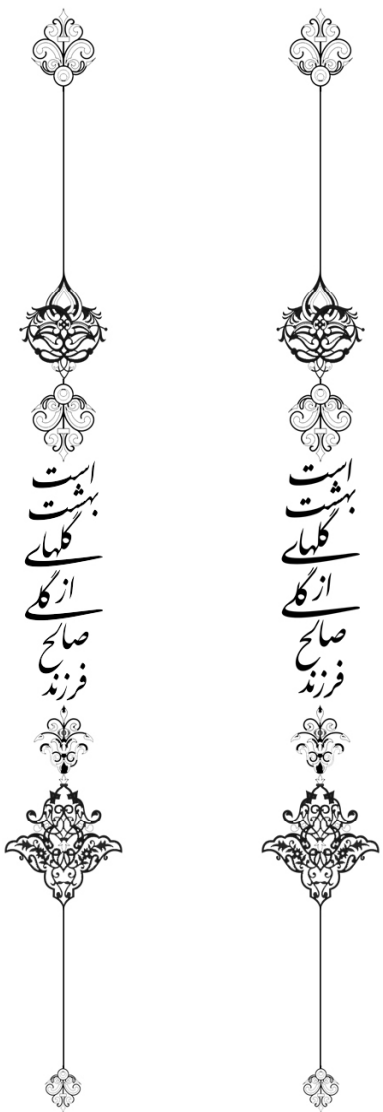
گوشزد کنیم که این کار موجب نشود تا به او بی‌احترامی کرده و با الفاظ غیر محترمانه با او صحبت کند.

**۷. از رفتارهای دیگران غافل نباشیم!**

ممکن است برخی از بزرگ‌ترها از کودک ما بخواهند که نسبت به دیگری با بی‌احترامی رفتار کرده و حرف‌های زشت بر زبان جاری کند. توجه داشته باشیم که تداوم این حالت موجب بروز صدمات جبران‌ناپذیری در شخصیت اجتماعی کودکمان خواهد شد، لذا ضمن این که از او خواهش می‌کنیم چنین رفتاری را با فرزندمان نداشته باشد، از کودکمان هم می‌خواهیم که گوش به چنین حرف‌هایی ندهد و هرگز به دیگری توهین نکرده و کلمات زشت بر زبان جاری نسازد. لازم به ذکر است در صورتی که چنین شخصی از رفتار ناپسند خود دست نکشید باید در نوع معاشرت فرزندمان با او تجدید نظر کنیم. این تجدید نظر بسته به نسبت خویشاوندی او با ما دارد. اگر با او نسبت خویشاوندی نداریم، طبیعی است که ضرورتی برای تداوم چنین معاشرتی وجود ندارد، اما اگر خویشاوند است، سعی کنیم تا جایی که شده معاشرت کودکمان با او، تحت نظارت ما صورت گیرد.

**تذکره:**

۱. از عدم آشنایی کودکانمان با آداب اجتماعی هرگز ناراحت و عصبانی نشویم. اشتباهات رفتاری کودکان، در واقع می‌تواند تجربه‌ای



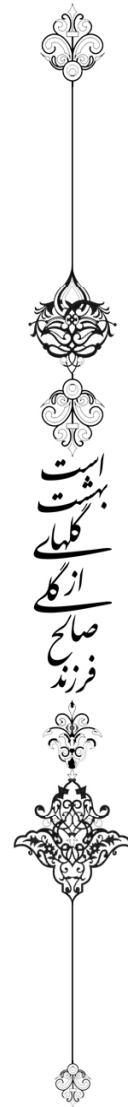
باشند جهت آموزش اصول رفتار اجتماعی. در حقیقت می‌توان گفت در برخی موارد کودکانمان تا اشتباه نکنند نمی‌توانند اصول تجربه‌ی صحیحی از برخی از رفتارهای اجتماعی داشته باشند.

البته لازم به ذکر است که حلقه‌ی تجربه‌اندوزی وقتی کامل می‌شود که به دنبال اشتباه کودک به شیوه‌ای کاملاً صحیح به او تذکر دهیم و به او پیام‌موزیم که در مقابل، چه رفتاری برآورنده‌ی او است.

۲. همان‌گونه که غفلت از آموزش آداب اجتماعی کار پسندیده‌ای نیست، زیاده‌روی در آموزش آداب اجتماعی هم صدمات زیادی در روحیه‌ی فرزند ایجاد می‌کند.

برخی از والدین در معاشرت‌های اجتماعی، به شدت فرزندان خود را تحت کنترل قرار داده و به آن‌ها اجازه نمی‌دهند تا به راحتی صحبت کنند و نزد دیگران از حق خود دفاع کنند. این والدین همیشه کودک خود را محکوم می‌بینند و گمان می‌کنند بچه‌ی اجتماعی، کسی است که زیر بار هر نوع ظلمی برود و در عین حال از شخص ظالم عذرخواهی هم داشته باشد.

این نوع نگرش به آداب اجتماعی موجب می‌شود تا فرزندان ترسو داشته باشیم. فرزندان که به محض مواجهه با تنش‌های اجتماعی به جای آن که روی پای حق خود بایستند و آن را مطالبه کنند ترس و دلهره همه‌ی وجودشان را فرا گرفته و مبتلا به اضطراب خواهند شد.



## بازتاب اعمال ما در میان فرزندان

اعمالی که انسان انجام می‌دهد علاوه بر آن که تعیین‌کننده‌ی جایگاه او در عالم آخرت است، در زندگی دنیوی فرزندان و نسل او هم تأثیرگذار خواهد بود. اگر این اعمال، صالح باشد، طبعاً نسل او هم از برکات دنیوی این عمل برخوردار خواهند شد و اگر این اعمال، اعمالی ناصحیح باشند، نسل او در زندگی دنیوی، دچار زحمت و مشقت خواهد شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«وقتی بنده‌ای از بندگان صالح خداوند از دنیا می‌رود، خداوند، جانشین او در میان خانواده و فرزندان او خواهد شد و جای او را پر خواهد کرد، هر چند که خانواده‌ی او، زشت کردار و گنه‌کار باشند.»<sup>۱</sup>

شعاع بازتاب اعمال آدمی، آن قدر زیاد است که ممکن است به یک یا دو نسل هم بسنده نکند و نسل‌های دور او را نیز فرا گیرد. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند تا هزار سال، فرزندان را که از نسل مؤمن هستند، حفظ می‌کند.»<sup>۲</sup>

۱. نور الثقلین، جلد ۳، صفحه‌ی ۲۹۰، حدیث ۱۹۱.

۲. نور الثقلین، جلد ۳، صفحه‌ی ۲۸۹، حدیث ۱۸۷.



نمونه‌ی عینی این روایت داستان حضرت خضر با حضرت موسی علیه السلام بود. وقتی این دو بزرگوار در ادامه‌ی سفر خود، گرسنه و تشنه به روستایی رسیدند و از مردم آن روستا تقاضای آب و غذایی کردند، مردم از پذیرایی این دو ولیّ خدا امتناع کردند و آنها به ناچار در کنار دیواری به استراحت پرداختند.

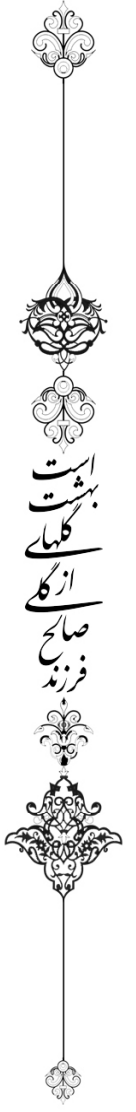
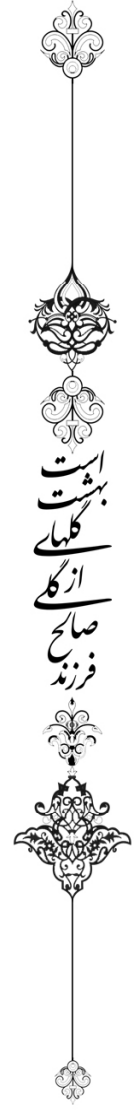
ناگهان حضرت خضر رو به موسای کلیم کرده و گفت: «خوب است این دیوار را تعمیر کنیم!» بعد هر دو مشغول تعمیر دیوار شدند. بعدها حضرت خضر در باب حکمت این کار فرمود:

«این دیوار متعلق به دو کودک یتیم بود که پدر آنها گنجی در آن پنهان کرده بود. اگر این دیوار را به حال خود رها می‌کردیم، به زودی خراب می‌شد و دیگران با مشاهده‌ی گنج، اموال این دو کودک را غارت می‌کردند. به همین دلیل آن را تعمیر کردیم تا وقتی خودشان به سنّ رشد رسیدند، و برای تعمیر دیوار اقدام کردند آن ثروت به خودشان برسد.»

حضرت خضر در ادامه فرمود: «علّت این خدمتی که به آن دو کودک کردیم آن بود که پدر آنها مرد صالحی بود.»

امام صادق علیه السلام فرمود:

«منظور از پدر آنها، یکی از اجدادشان بود که هفتصد سال قبل زندگی می‌کرد.»<sup>۱</sup>



در بیانی دیگر امام صادق علیه السلام برای توجه دادن به آثار و تبعات اعمال مثبت و منفی می‌فرماید:

«زمانی که حضرت خضر آن دیوار را تعمیر کرد، خداوند متعال به حضرت موسی علیه السلام چنین وحی کرد: "من با فرزندان، با توجه به اعمال و رفتار پدرانشان رفتار می‌کنم. اگر رفتار والدین خوب باشد، با فرزندان آنها هم همانند رفتار پدرشان رفتار خواهم کرد و اگر رفتار والدین ظالمانه و زشت باشد، با فرزندانشان هم همان گونه رفتار خواهم کرد." [بعد فرمودند:] «زنا نکنید که اگر چنین کردید، همسرانتان نیز زنا خواهند کرد.» [و در ادامه، حضرت به این قاعده اشاره کردند که:] به هر صورتی که رفتار کنید با شما همان‌گونه رفتار خواهد شد.»<sup>۱</sup>

۱. نور الثقلین، صفحه‌ی ۲۸۷، حدیث ۱۷۷.

حفظ ناموس اهمیت ویژه‌ای برای غیرتمندان دارد. به همین دلیل اگر مردی امانت‌دار ناموس دیگران باشد، خداوند متعال که خود بهترین شاکر است، ناموسش را از تعدّی دیگران حفظ خواهد کرد. در مقابل اگر کسی به ناموس دیگران خیانت کند و به آنها با نگاه غریزی بنگرد و یا این که خدای ناکرده قدم را فراتر نهد، خداوند، ناموس او را مجبور به زنا و امثال آن نخواهد کرد، بلکه آن عصمتی که مخصوص ناموس امانتداران است، از ناموس او برمی‌دارد. حال اگر ناموس او خودش اهل عفت و مراقبت نباشد، با اختیار خود، مبتلا به گناه خواهد شد. و اگر اهل عفت و تقوی باشد، همچون گذشته ایمان خود را حفظ خواهد کرد و مبتلا به زنا و امثال آن نخواهد شد. همچنین این خانم در مقابل این امتحان، نزد خداوند متعال مأجور خواهد بود.

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود:

«کسی که به یتیمی ظلم کند، خداوند، کسی را بر او مسلط می‌کند که به او یا به فرزندان و یا به فرزندان فرزندانش ظلم کند.»<sup>۱</sup>

راوی می‌گوید: اگر پدر ظلم می‌کند، چرا فرزند جزای ظلم پدر را بدهد!

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند در قرآن می‌فرماید:

«و باید بترسند (از مکافات عمل خود) کسانی که اگر کودکان ناتوان از خود باقی می‌گذارند بر آنان بیم دارند، پس باید از خدا بترسند و (در حق ایتام مردم) سخن به اصلاح و درستی گویند.»<sup>۲</sup>

روزی مردی که معلوم بود خیلی عصبی و دست‌پاچه است، تماس گرفت و سؤال‌هایی در همین باب می‌پرسید. وقتی از حقیقت کار جويا شدم گفتم: «حقیقت این است که من با زنی زنا می‌کردم. چند وقت پیش همسرم نزد آمد و گفتم: می‌خواهم حقیقتی را به تو بگویم چون خیلی عذاب وجدان دارم.» به او گفتم: «اشکالی ندارد بگو!» همسرم گفت: «مدتی است که یکی از مردهای فامیل با من زنا می‌کند و من هم به خاطر آبرویم جرأت مقاومت نداشتم!» توجه داشته باشیم که در این روایت موضوع زنا فقط به عنوان مثال بیان شده است اگر کسی به نامحرم نگاه کند، به ناموسش نگاه خواهند کرد. اگر کسی به دیگری تعدی کند به خودش یا به جگرگوشه‌هایش تعدی خواهند کرد و ...

۱. تفسیر عیاشی، جلد ۱، صفحه ۲۲۳.

۲. نور الثقلین، جلد ۱، صفحه ۴۴۷، حدیث ۷۵.

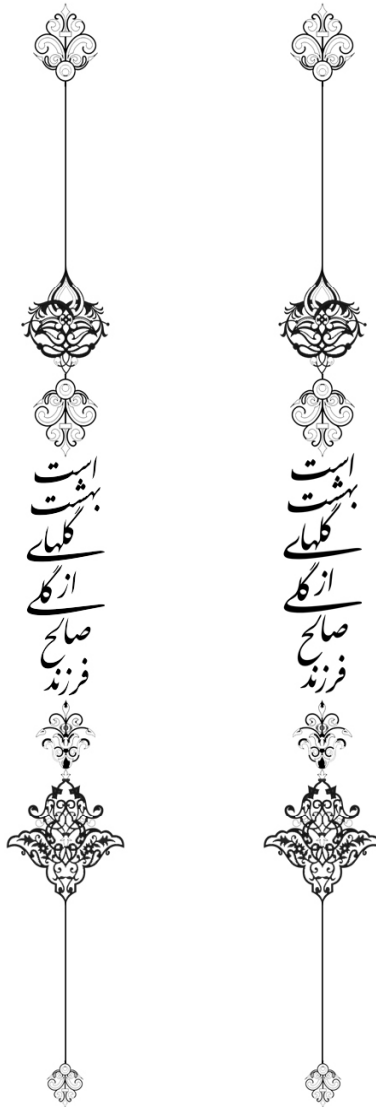
تذکر:

۱. یکی از حکمت‌های این کار، جنبه‌ی بازدارندگی آن است. یعنی خداوند به همه هشدار می‌دهد که مبادا به قدرت و تمکن خود غرّه شوید و به دیگری ظلم کنید! چرا که حتما جزای ظلم خود را در همین دنیا خواهید دید؛ یا شما و یا جگرگوشه‌های شما. پس دست از ظلم و سرکشی بکشید.

۲. عقابی که در این آیات و روایات مطرح است، عقاب اخروی نیست؛ بلکه منظور سختی شرایط زندگی دنیوی است. پس خداوند متعال به خاطر گناه والدین، هیچ کس را مؤاخذه نخواهد کرد. متهمی سنت خداوند بر این امر است که در تعیین نوع زندگی دنیوی افراد (که کاری با آخرت ندارد) اعمال و رفتار والدین را هم دخیل بدانند.

۳. ممکن است کسی بپرسد اگر والدین گناه می‌کنند، فرزند آن‌ها چه گناهی کرده که به پای آن‌ها بسوزند؟! در جواب این نکته را ذکر می‌کنیم که عالم خلقت، عالم علت و معلولی است و در چنین عالمی هر کاری اثری خواهد داشت. به عنوان مثال اگر کسی در رانندگی بی‌احتیاطی نماید، ممکن است صدمات جبران‌ناپذیری به دیگری وارد کند. حال، آیا اینجا می‌پرسیم: «کودکی که به خاطر بی‌احتیاطی دیگری، یک عمر زمین‌گیر شده چه گناهی کرده؟!» مسلماً نه!

این کودک هیچ گناهی نکرده و تنها مشکل، بی‌احتیاطی راننده است که باید جواب‌گوی او باشد. هر چند که اگر خود کودک به

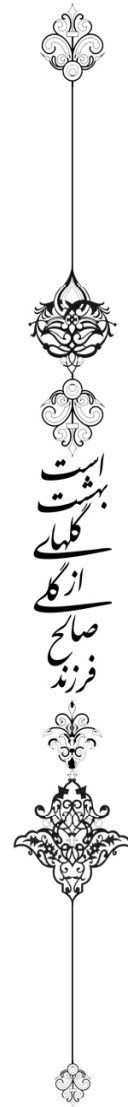


خاطر این مشکل صبوری کند، همین صبوری می‌تواند اجری بزرگ برای او داشته و در آخرت از آن بهره ببرد. اعمال ما هم از این قاعده‌ی عمومی مستثنی نیست و اثر خاص خود را خواهد داشت و ممکن است اثر اعمال ما در زندگی فرزندانمان نمایان شود و آن‌ها را به زحمت بیندازد. در چنین صورتی هم او گناهکار نبوده و اگر صبوری کند می‌تواند ثواب بزرگی ببرد.

آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: <sup>۱</sup> «چنین فرزندی که به خاطر ظلم پدر خود، مورد ظلم و تعدی قرار می‌گیرد، اگر خود مُنظلم و ستم‌پذیر نباشد و خودش با اعمال و رفتارش موجبات این ظلم را فراهم نکرده باشد، نزد خداوند متعال، مأجور است؛ اما اگر خود او موجب آن باشد، مأجور نیست. بنابراین، صلاح و فساد افراد، موجب تکریم و توهین به فرزندان و اعقاب آنها خواهد بود. از این رو گفته‌اند: «يُكْرَمُ الرَّجُلُ فِي وَلَدِهِ»<sup>۲</sup>

۱. نقل به مضمون.

۲. ادب فنای مهربان، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۴۷.



## آخرین عنوان!

از شما پدر و مادر عزیز و دلسوز که نسبت به تربیت دینی کودک خود دغدغه‌ی مقدسی دارید، کمال تشکر و قدردانی را دارم. امیدوارم نتیجه‌ی این تلاش صادقانه‌ی شما، فرزندانمان باشد که همواره در صراط مستقیم الهی بوده و آبروی دنیا و آخرت شما باشند. در پایان تقاضا دارم به نکات کلیدی ذیل هم توجه فرمایید:

### ۱. توکل بر خدا

اگر چه در تربیت دینی کودک باید دقت زیادی داشت و با تکنیک‌های آن به خوبی آشنا بود؛ اما توجه داشته باشیم که تنها مؤثر در عالم هستی خدای متعال است و تا او نخواهد، هیچ نوع کار تربیتی، تأثیر مبارکی نخواهد داشت. به همین دلیل در تربیت کودک، خدا را در نظر بگیریم و به او توکل کنیم. توکل به خدای متعال نشان‌دهنده‌ی اطمینان و ایمان به او است و موجب می‌شود تا تلاش‌هایمان به ثمر نشست و نتیجه‌ی مبارکی داشته باشد.

### ۲. تو با خدای خود انداز کار و دل خوش دار!

با تکیه بر خدای متعال و توسل به معصومین علیهم‌السلام در کار تربیت کودک، هیچ هراسی به دل راه ندهید و با امید به آینده‌ای روشن پیش

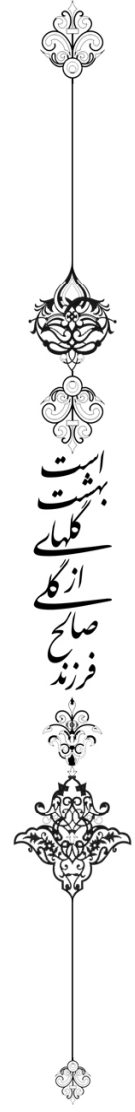
روید. هر از چند گاهی دست نیاز به درگاه الهی بلند کرده و از او بخواهید که در این راه نورانی پشتیبانتان باشد و به شما کمک کند.

۳. شکر نعمت، نعمت افزون کند

وقتی در کار تربیت کودک به توفیقی رسیدیم پیش از هر چیز، پیشانی شکر بر زمین گذاشته و از خدای متعال که ربّ العالمین است تشکر کنیم. حتی گاهی اوقات دو رکعت نماز صبح بخوانیم و از این که کودکی سالم به ما عنایت فرموده تشکر کنیم. وقتی در مقابل چنین نعمتی خدا را شکر کردیم، خداوند هم که خود بهترین شاکر است در مقام تشکر از ما، رحمت و توجه خود در مورد ما را مضاعف کرده و کار تربیت فرزندانمان را سهل تر خواهد کرد.

۴. فرزندانمان را دعا کنیم

دعای پدر و مادر - مخصوصا پدر - در حق فرزند به اجابت نزدیک است و توفیقات زیادی برای فرزند فراهم می‌کند. چنین دعایی می‌تواند راه سعادت را برای فرزندانمان فوق‌العاده هموار نماید و زندگی را برای آنها سهل و آسان کند. حتی هنگام انعقاد نطفه - که سرنوشت‌سازترین لحظه برای کودک است - دعا را فراموش نکرده و از خدا بخواهید که اگر تقدیر است این نطفه تبدیل به کودکی شود، کودکی زیبا و سالم باشد، کودکی باشد که بنده‌ی خوبی برای خدا بوده و زینت دنیا و آخرت شما باشد.



۵. دیگران را تحقیر نکنیم

اگر دیگران در تربیت دینی کودک خود توفیق چندانی نداشته‌اند، به آنها به دید عبرت بنگریم؛ اما هرگز به خود اجازه ندهیم که به آنها به دید حقارت نگاه کنیم. اگر چنین کردیم ممکن است با غضب خداوند مواجه شده و برخی از توفیقات خود در راه تربیت کودک را از دست بدهیم.

این نوشتار در سالروز شهادت صدیقه‌ی طاهره، فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) به اتمام رسید. امید که به برکت آن بانوی دو عالم، بتوانیم امانت‌دار خوبی برای غنچه‌های زندگی خود باشیم و بتوانیم در کانون خانواده، بهترین بستر را برای شکوفایی این غنچه‌های بهشتی فراهم آوریم.

